

فصل پنجم

پیشگویی آمدن عمانوئیل

مقدمه

معنی پیشگویی آمدن عمانوئیل برای مسیحیان معنی آمدن عیسی در عید میلاد را تداعی می کند. اما آیا معنی آن در زمان اشعیای نبی نیز همین بوده است؟ قبل از این که باب ۷ کتاب اشعیا را در ارتباط با محیط تاریخی آن زمان درک کنیم. البته این متن مشهور برای هر شخصی که بر ایمان خود تعمق می کند نور خاصی می آورد و در واقع این متن در زمان سخت و در نامیدی تاریخ اسرائیل نوشته شده است، زیرا شهر اورشلیم در خطر افتاده و پادشاه هراسان شده است. اشعیا او را به ایمان دعوت می کند. اما ایمان چیست؟ آن پادشاه به عنوان نشانه ای از سوی خدابه تولد یک طفل با نام عجیب اشاره می کند. اسم او عمانوئیل، یعنی «خدا با ما» خواهد بود. اما طفلی در بحبوحه جنگ آیا نشانه ای تمسخرآمیز نیست؟ چگونه چنین نشانه ای ایمان را منور ساخته عمیق تر می گرداند؟

اشعیا تنها نبی ای نیست که به کلیسا آمدن عیسی مسیح را به کلیسا اعلام می کند، بلکه صدای یک شخص یهودی که به جماعت مسیحیان یادآوری می کند که عهد قدیم می تواند به این سؤالات بالا نیز جواب دهد.

اشعیای پیامبر در اینجا آمدن عمانوئیل (نجات دهنده) را اعلام می کند: اشعیا باب ۷. بدون اینکه به جا بودن و مناسب بودن چنین متنی را انکار کنیم، می توان گفت که روایت به گونه ای دیگر و عمیق تر و به صورت مکمل مطرح می شود. متن را بررسی می کنیم:





کتاب اشعیای نبی (باب ۷)

- ^۱ و اما در روزگار آحاز، پسر یوتام، پسر عزیا، پادشاه یهودا، رصین، پادشاه ارام، و فتح، پسر رملیا، پادشاه اسرائیل، برای حمله به اورشلیم برآمدند، اما نتوانستند به آن حمله بزنند.
- ^۲ پسر خاندان داود را با این کلمات آگاه ساختند: ارام در افرایم اردو می‌زند. آنگاه دل پادشاه و دل قومش به لرزه درآمد. همان گونه که درختان جنگل در مقابل باد به لرزه می‌آید.
- ^۳ یهوه به اشعیا فرمود: برای ملاقات با آحاز بیرون شو، تو و پسرت شاریا شوب، به سوی انتهای قنات برکه بالایی، به سوی راه مزرعه گازر به استقبال آحاز بیرون شو
- ^۴ به او خواهی گفت: مراقب باش و آرام بمان، متربس و دلت در برابر این دو تکه مشعل دود کننده سست نگردد، به سبب خشم برافروخته رصین و ارام و پسر رملیا
- ^۵ زیرا ارام و افرایم و پسر رملیا هو بر ضد تو طرح بدی ریخته اند و گفته اند:
- ^۶ بر علیه یهودا برآیم، اورا بتراسانیم و تحت سلطه درآوریم، و در آنجا پسر طبیل را پادشاه سازیم.
- ^۷ یهوه خداوند چنین تکلم می‌فرماید: این تحقق خواهد یافت، این خواهد شد!
- ^۸ الف زیرا سر ارام، دمشق است، و سر دمشق، رصین؛
- ^۹ بلف سر افرایم، سامرہ است، و سر سامرہ، پسر رملیا
- ^{۱۰} ب حال، شخصت و پنج سال دیگر، و افرایم له شده، دیگر ملت خواهد بود.
- ^{۱۱} ب اگر باور نکنید، پایدار خواهید ماند.
- ^{۱۲} بار دیگر یهوه با این کلمات با آحاز سخن گفت:
- «برای خود نشانه ای از یهوه خدایت بطلب، در ترفاهاش شویل یا در مکان های رفیع، در آن بالا.
- ^{۱۳} آحاز گفت: «نخواهم طلبید و یهوه را امتحان نخواهم کرد».
- (اشعیا) گفت: «پس ای خاندان داود، گوش کنید! آیا برای شما خسته کردن مردم کافی نبود که اینک خدای مرا نیز خسته می‌کنید؟
- ^{۱۴} به همین سبب خداوند خودش به شما نشانه ای خواهد داد. اینک زن جوان آبستن است و پسری خواهد زایید، و او را به نام عمانوئل خواهد خواند.
- ^{۱۵} از شیر منعقد شده و عسل تعذیه خواهد نمود، در آن زمان که بداند آنچه را که بد است رد کند و آنچه را که نیک است برگزینند.
- ^{۱۶} زیرا پیش از آنکه آن کودک بداند که چگونه آنچه را که بد است رد کند و آنچه را که نیک است برگزیند، سرزمین این دو پادشاه که موجب ترس تو می‌شوند، متربک و اگذارده خواهد شد.
- ^{۱۷} یهوه بر تو و بر ملت و برخانه پدرت روزهایی خواهد آورد که از روزی که افرایم از یهودا جدا شد، چنان روزهایی نیامده است، (یعنی) پادشاه آشور را».

ترس و ایمان

«در ایام آحاز بن یوتام بن عزیزا پادشاه یهودا ... به خاندان داود خبر داده»، روایت به وسیله روش معمول توضیح دادن یک زمان در عهد عتیق ما را به یک دوران مشخص می‌برد: (زمان را طبق زمان پادشاهان مشخص می‌کند). اطلاعات مهم؛ تمام نبوت‌ها تاریخ‌گذاری شده و این در ابتدا به منظور یک تاریخ بی‌واسطه در یک محتوای مشخص شده می‌باشد. هنگامی اشیاعا خطاب به اورشلیم صحبت می‌کند که آحاز بر یهودا حکمرانی می‌کند و فتح بن رملیا پادشاه اسرائیل است. اگر برای به دست آوردن یک تاریخ، متن را ترک کنیم می‌توانیم بگوییم که واقعه به تاریخ ۷۳۲-۷۳۳ ق.م. بر می‌گردد آیه اول یک مقدمه تاریخی را تشکیل می‌دهد که می‌توان آن را به دو قسمت تقسیم کرد: قسمت اول که محتوای سیاسی مژده را تشکیل می‌دهد (آیه ۹-۲) و قسمت دوم که نشانه را معرفی می‌کند (آیه ۱۰-۱۷).

درباره جنگ ...

آیه اول آهنگ متن را مشخص می‌کند: پادشاهان آرام و اسرائیل بر ضد اورشلیم برخاستند. این جنگ است. به طور منطقی باید همه چیز به نفع متحدين بر ضد اورشلیم باشد اما راوی داستان بی‌پرده بیان می‌کند: «آنها نتوانستند آن را فتح کنند». از این قسمت پیامبر مداخله می‌کند مداخله او بیان دو جمله‌ای در پی است: برای دادن یک فرمان از طرف خدا و برای دادن یک نشانه.

روایت به سرعت پیش روی می‌کند یکی از کلیدهای متن در عبارت «خاندان داود» جای دارد که می‌توان آن را در هر دو قسمت دید (آیه ۲ و ۱۳). مسئله در مورد دوام خاندان داود است. در کتاب‌های سموئیل نیز دوام روی وعده‌های داده شده خدا به داود متمن‌کر شده است (۲-سمو ۷). دلیل اینکه متحدين قصد دارند جانشین آحاز «پسر» (یعنی جانشین داود) شوند همین مسئله است. ترس بر آنها غلبه کرده است.

هم اکنون، در آیه ۳ خدا توسط پیامبرش عمل می‌کند برای آرام کردن و باز کردن آینده‌ای برای قومش او به پیامبرش فرمان می‌دهد: «بیرون شو»، مانند زمان خروج که او قومش را از اسارت رها کرد. شاریا شوب پدرش اشیاعا را همراهی می‌کند و از آنجایی که معنی اسم او «un-reste-reviendra» باقی مانده‌ای برخواهد گشت» است، امید را اعلام می‌کند. در مقابل این خطر خدا خاطرنشان می‌کند که خاندان داود به پایان نمی‌رسد.

خدا در پیغامش به اشیاعا که خطاب به پادشاه آحاز می‌باشد از فعل امر استفاده می‌کند: «برحدزr و آرام باش، مترس، دلت ضعیف نشود!» این پیغام به منظور کاهش دادن ترس در برابر تهدید ویرانی است (آیه ۴ و ۵).

اساس فرمان به صورت رسمی بیان می‌شود: «خدا چنین می‌گوید» و سپس باوری درست طلبیده می‌شود که توسط اطلاعات اسرار آمیزی درباره دمشق و سامره داده می‌شود، «سرهای» آرام و دمشق که «شکسته می‌شود» آیا در مقابل نباید درک کرد که اورشلیم «سر» یهودا که خدا در آن ساکن است نمی‌تواند شکست بخورد؟ شاید، ولی یاری الهی بدون قید و شرط نیست: برای پیروز شدن آحاز باید ایمان داشته باشد. ایمان در مقابل ترس قرار می‌گیرد، ایمان یک سلاح است.

نشانه اینکه «خدا با ماست»

از آیه ۱۰، دومین قسمت پیغام ظاهر می‌شود. این بار، راوی، نامی از پیامبر نمی‌آورد تا پادشاه و خدا را در مقابل هم قرار دهد. خدا دادن نشانه ای را پیشنهاد می‌کند. نشانه ای بزرگ که از عمق ها یا از اعلیٰ علیین طلبیده شود (آیه ۱۰). ولی پادشاه نشانه ای را نمی‌طلبید. دلیل او منطقی است: «انسان نباید خدا را امتحان کند». تنها در اینجاست که خود خدا طلبیدن نشانه ای را پیشنهاد می‌کند. خدا به امتناع پادشاه توجهی نمی‌کند و خود نشانه ای را در نظر می‌گیرد: «این نشانه تولد پسری است، نشانه ای که از دید بشر، پیش پا افتاده است».

همراه با آیه ۱۴، ما متوجه مرکز و نکته اصلی پیشگویی می‌شویم. این آیه به «زن جوانی» اشاره می‌کند. او کیست؟ کلمه عبری «almahâ» به معنی «باکره» نیست. مترجمان یونانی این نشانه را به صورت معجزه در نظر گرفته، کلمه «almahâ» را توسط کلمه «parthenosâ» (باکره) ترجمه می‌کنند. باید ذکر کرد که در متن عربی، این زن برای خداوند، پادشاه و پیامبر مزدی شناخته شده است (زن جوان). بی‌شک این زن ملکه است. اگر چنین است پسری که او به دنیا بیاورد وارث تاج و تخت بوده و همین پسر است که دوام خاندان داود را تضمین می‌کند. این نشانهٔ خوبی است که خدا به یهودا و اورشلیم می‌دهد.

چه کسی جانشین آحاز شده است؟

خواننده‌های کتب پادشاهان (و کتاب اشعیا ۳۶:۳۹-۳۹) می‌دانند که او حزقيا نام دارد. یا در اینجا به او نام عمانوئل (خدا با ما) داده شده است. چگونه می‌توان این راز را درک کرد؟ آسان ترین راه این است که بگوییم این نام، نامی نمادین است (مانند جایی که در آیه ۳:۸ باب ۴-۱، از پسران پیامبر به صورت نماد بین نام برده شده). نامی که نگاه‌های را به صورت عهدی که خدا با قومش بسته طلب می‌کند: «یهوده صبایوت با ماست، خدای یعقوب قلعه بلند ما». مزمور ۷:۴۶ نامی که روی دوام خاندان متمرکز است. آینده امکان پذیر است و نشانه انجام می‌شود آیه ۱۶، زمین دو پادشاه که یهودا را تهدید می‌کنند نابود می‌شود.

بدین ترتیب، هر دو جنبشی که در فرمان داده شده به اشعیا دیده می‌شود، روی مسئله ایمان خواننده‌گان تکیه دارد. به دنبال آن، با در نظر گرفتن هدف پادشاهی، متن ارزش جدیدی به خود می‌گیرد. آیا هم اکنون می‌توان گفت که از خاندان داود که از بین نمی‌رود نجات دهنده‌ای متولد

می‌شود؟ برخی عمانوئیل را نجات دهنده در نظر می‌گیرند. متن مبدأ تاریخی مهمی را برای برکت خدا می‌گشاید: «خدا ایامی خواهد آورد که از ایامی که افرایم از یهودا جدا شد تا حال نیامده باشد یعنی پادشاه آشور را» آیه ۱۷.

باب‌های ۱۱-۶ کتاب اشعیا مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهد که «کتابچه عمانوئیل» نامیده می‌شود. باب ۶ مأموریت اشعیاء را در یک آزمایش سخت و به جاماندن یک منشاء را مطرح می‌کند «کنده مقدس».

کتابچه عمانوئیل

کلمه عبری که «کنده» را توضیح می‌دهد، به لوح پادشاهی اشاره دارد. در اینجا ما در قسمت قلب پیغام کتاب اشعیا هستیم: خدا از پادشاه حمایت می‌کند، یعنی از «منجی»، و هم‌چنین از شهر مقدس و مکان سکوت‌نش حمایت می‌کند. در طول تاریخ پر رنج قوم، حضور خدا، حضور پادشاهی است که «خدا با ما» نامیده می‌شود.

ساختار کتابچه

روایت رسالت پیامبر در باب ۶ این قسمت را به عنوان هسته اصلی مجموعه مشخص می‌کند. هنگامی که قوم دچار مصیبت شده است قوم و پادشاه در لحظه‌ای که شک کرده‌اند به ایمان فراخوانده می‌شوند: «اگر باور نکنید هر آینه ثابت نخواهید ماند» (اش ۹:۷). وقتی که آغاز از درخواست یک نشانه امتناع می‌ورزد، نشانه مانند یک تعییل محسوب می‌شود: خود ملکه فرزندی به دنیا خواهد آورد (طبق تفسیر عمومی این متن). بله، نام او عمانوئیل است (اش ۱۴:۷، ر. ک ۸:۸). اشعیا این حضور خدا را می‌سراید. باب ۱۱ این امیدواری به آینده را ابراز می‌کند آن هم در زمانی که قوم و پادشاه یک بار دیگر ایمان می‌آورند. در کلام، مانند شبگردی که در یک شب تاریک و خفته ظاهر می‌شود، در عمق تاریکی ایمان قوم ظاهر می‌شود.

تولد پادشاه آینده، «پسر» داده شده به قوم، تاریخ را از تاریکی به سمت روشنایی می‌برد. چیزهای قدیم به پایان می‌رسد (۲۳:۸). از زمان ظهورش، بدی‌ها پایان می‌گیرد «زیرا برای ما ولدی زاییده و پسری به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود»، باب ۹.

این پادشاه جدید، حزقیا، همانی است که پیامبر گفته؟ اگر غیر این است به چه دلیل او اعلام می‌کند خدا دوباره در سرزمینی که خشک شده و ایمانی ندارد ناگهان ظاهر می‌شود و «نهالی» به وجود می‌آید؟ باب ۱۱ او کاملاً نقشهٔ خدا را اجرا می‌کند: عدالت و راستی برای قوم و صلح و دوستی

برای همه شاید در ۱۳:۵۲ - ۱۲:۵۳ اجرای عجیب این وعده و نعمت داده شده از طرف خدا را بتوان درک کرد: «خادم رنج دیده» در اینجا در حقیقت مانند یک نهال تحریر شده شرح داده شده.

محتوای تاریخی

معمولًاً اتفاقات کتابچه عمانوئیل را به تاریخ ۷۳۵-۷۳۲ق.م. تخمین می‌زنند. کشور دچار ترس شده است. دو پادشاه با هم متحد گردیده و می‌خواهند یهودا را تحت حکومت خود بگیرند و با آغاز پیمان بینندن. آغاز امتناع می‌کند ولی در برابر این پادشاهی که ایمانش کم شده است خدا دوباره می‌گوید که توسط وعده آمدن عمانوئیل، با قومش همراه است (باب ۷)، کسی که «روح خدا بر اوست» (باب ۹ و سپس ۱۱). اگر مجموعه این باب‌ها کمی تاریک و روشن است بدین دلیل است که این متون در طی مشکلات سال‌های سختی گردآورده شده‌اند.

خوراک عمانوئیل - کره و عسل - فوراً برای خواننده خصوصیات سرزمین و عده موعد را تداعی می‌کند. همان گونه که خدا آن را به موسی گفت. در کتاب مقدس، دستورالعمل‌های شناخته شده، تنوع عجیبی دارد.

شیر و عسل

در پایان قرن ۶ق.م. در بازگشت از تبعید به بابل، روایات اصلی قوم اسرائیل به طور قطعی نوشته شدند. در حالی که قوم سرزمین خود را دوباره به دست می‌آورد، کتاب به او یادآوری می‌کند که این سکونت دوباره، اساساً همان «وعده» یعنی همان وعده داده شده از طرف خداست. وعده ای که قبلًاً به موسی و تمام کسانی که از مصر رفته بودند داده شده: «سرزمینی که در آن شیر و عسل جاری خواهد بود» (خروج ۸:۳).

خوراک خدایان

اصطلاحی قدیمی است. آیین‌های بابل شیر و عسل را به عنوان خوراکی که به خدایان تقدیم می‌شود، ذکر می‌کند. در کنعان، علی‌رغم عمل بَعل که مرگ را به دنبال دارد، طبیعت دوباره بارور می‌شود «آسمان دوباره می‌بارد و شیر و شهد جاری خواهد بود». شیر محصولی از گله می‌باشد و عسل از قلب صخره خواهد آمد، هر دو محصول طبیعت هستند. این خوراک شادی بخش، درونی و مادی است برای مردمی که در چادر زندگی می‌کنند و جای ثابتی ندارند.

اشعیا از برخی از این استعاره‌ها استفاده می‌کند تا بتواند بهتر مطلب را بیان کند: شیر و عسل هدایای خدا هستند برای خوشبختی انسان. از نظر اشعیا، خدا برای نخست‌زاده یک لطف مغذی

دارد. در سرزمین وعده داده شده مانند بهشت عدن، همان چیزهای نیکو و خوب جهت تغذیه و زندگی وجود دارد! ولی در همین جاست که شک و سوء ظن ایجاد می‌شود و ایمان و وفاداری نیز می‌تواند یافت شود.

خوراک انسان‌ها

در کتاب غزل‌ها، کلام مانند رابطه‌ای عاشقانه مطرح می‌شود زن محبوب به وسیله مشخصات سرزمین اسرائیل توصیف می‌شود: «ای عروس من لب‌های تو عسل را می‌چکاند» (غزل‌ها ۱۱:۴).

سرزمین یک زن است، وزن یک سرزمین است که همیشه محبوب است ولی به دست نمی‌آید. اشعیا، در نبوت خود در مورد نشانه‌های ایمان، خصوصیات سرزمین موعود را بیان می‌کند. البته در ارتباط با عمانوئیل، اصطلاحات جزیی انجام می‌شود: یک تأثیر متقابل مابین پادشاه و سرزمین وجود دارد. دومی اولی را تغذیه می‌کند ... اولی اجازه بارور شدن را از دومی می‌گیرد. از یک طرف، شیر «برانده شده» یا «عسل» (کلمه عبری که به سختی ترجمه می‌شود). و بعدها با بدی رها شده سهیم می‌شود (اش ۱۵:۷ و ۱۵:۲۲). از طرف دیگر این غذا به فرزند اجازه می‌دهد که رشد کرده و میان خوبی و بدی انتخاب کند و تنها خوبی را برگزیند. این می‌تواند تجدید خاطره بعدی باشد (با یک گاو جوان و دو گوسفند زنده از فراوانی شیری که می‌دهند کره خواهد خورد (آیه ۲۱ و ۲۲). این قضاوت واضح چه در مورد پادشاه و چه منجی، از دید ایمانی، هدیه‌ای است از طرف خدا.

هیچ چیز برای خدا غیرممکن نیست این نکته‌ای است که می‌توانیم از اولین تا آخرین متن کتاب مقدس مشاهده کنیم و این اساس امیدواری در لحظات دشوار است. هم چنین، انسان‌ها باید به نوبه خود در پیروزی بر مشکلات سهیم باشند.

عاموس ۵:

خدا را جستجو کنید

در قرن هشتم، مردی از پادشاهی یهودا، از سوی خدا به اسرائیل فرستاده می‌شود تا کلام او را به آنجا ببرد. در این سرزمین ریاکاری، مانند چهره واقعی مرگ است. قدرت‌های متجاوز آشوری به مرزها فشار آورده‌اند (عا ۱:۵-۱۷).

(۱) آیات ۱-۳ و ۱۶-۱۷ از مرگ با یک زبان تصویر شده صحبت می‌کنند، سعی کنیم این آیات را درک کرده و پی به مفهوم آن ببریم. چه چیزی یک مصیت بزرگ را تلقین می‌کند؟

(۲) خدا چه اشتباها تی را به قوم گوشزد می کند؟ نتایج آن چه خواهد بود؟ (آیات ۵-۷ و ۱۰-۱۲).

(۳) خدا در این پیغامش به عاموس چه می خواهد بگوید؟ چگونه باید آن را جستجو کرد؟

(۴) تمامی امید از دست نرفته است. علی رغم همه چیز از کجا برکت خدا خواهد رسید؟

(۵) «مرا بجویید و زیست کنید» چگونه در موقعیت عمومی قوم خدا و موقعیت خودمان این کلام را می شنویم؟ امیدواری ما روی چه چیزی استوار است؟

مکاشفه باب ۳:

یک در باز، پیش روی تو

در کتاب مکاشفه، یوحنا توسط روح مجدوب شده و به نام عیسی خداوند، پسر انسان را که بر مرگ پیروز است پیشگویی می کند. نامه به «فرشته کلیسا در فیلادلفیا»، ششمین نامه از مجموعه هفت نامه است (مکا ۳:۷-۱۳).

(۱) چگونه فردی را که با کلیسا صحبت می کند، معرفی می کند؟ با اشعیا باب ۲۲:۲۲ مقایسه کنید. چه چیزی قدرت کلیدهای یک خانه را توضیح می دهد؟ در قصر یک پادشاه؟ در مسکن خداوند؟

(۲) در آیات ۸-۱۰ چه تضادهایی نمایان می شود؟ اثر خدا چیست؟ در زمان مصیبت و سختی چه انتظاری از کلیسا می رود؟

(۳) چگونه وعده داده شده به کلیسا را درک می کنیم؟ کلمات «تاج»، «ستون یادبود در معبد»، «اورشلیم نوین»، «نام جدید من» چه مفهومی دارند؟

(۴) سختی و مشکلی که برای کلیسای ما پیش می آید متفاوت از مشکلی است که برای کلیسای فیلادلفیا در زمان یوحنا ایجاد شد، با این حال از این پیغام قدیمی چه وعده ای را می توانیم دریافت کنیم؟

پادشاه آرام و پادشاه اسرائیل بر ضد اورشلیم برخاسته‌اند، آحاز پادشاه یهودا ترسیده و قصد دارد از سرزمین خود حمایت کند. هم اکنون ما در سال ۷۳۵ ق.م. هستیم. اورشلیم، مرکز پادشاهی، شهر مقدس. سلیمان برای خدا معبدی بریا می‌کند. در اینجا یک نمونه از مصیبیت‌های متعدد اورشلیم را که در کتاب پادشاهان آمده است بررسی می‌کنیم:

زوال تدریجی اورشلیم

چند دهه بعد از مرگ سلیمان تفرقه‌ای که میان وارثان او به وجود آمد، باعث جدایی در محدوده پادشاهی شد. در شمال، پادشاهی اسرائیل به همراه سامرہ به عنوان مرکز حکومت و در جنوب پادشاهی یهودا به همراه اورشلیم که به «خاندان داود» وفادار ماندند. این جدایی حکومت را تضعیف کرد آن هم در حالی که خطر قدرت‌های آشور آن را تهدید می‌کرد. در سال ۷۲۲ اسرائیل زیر بار حمله آشور (سرگن دوم) خم می‌شود. پادشاهی یهودا از دست رفت، ولی پادشاه یهودا باید مقداری نقره در عوض امنیت خود بپردازد.

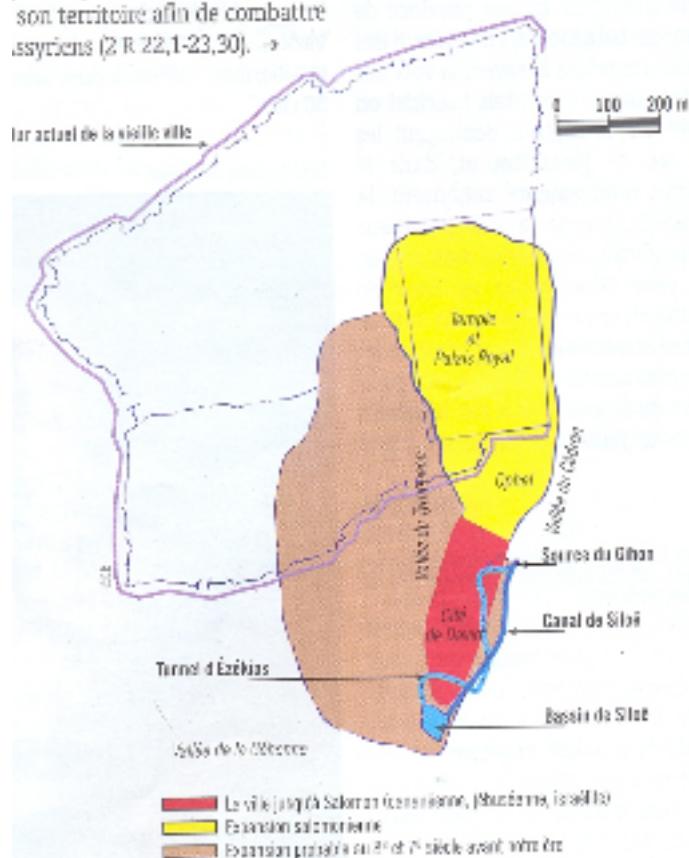
در مقابل آشور

على رغم سرزنش پیامبران، برخی از پادشاهان مثل آحاز و منسی آیین بت پرستان را وارد معبد کردند و پسران خود را از آتش می‌گذراندند و پاک می‌کردند (۲- پاد ۱۶: ۲۰- ۱: ۲۱، ۱۸- ۱: ۲۱). برعکس برخی دیگر به تورات و فادار بوده و خود را برابر بیگانگان قرار می‌دادند. بدین ترتیب حزقيای پادشاه، تصمیم می‌گیرد که سنگرهای خود را احیاء کرده و از اورشلیم دفاع کند. در زمان اوست که نام تونلی را به او نسبت می‌دهند، تونلی که ضمیمهٔ رود جیحون را به حوض سیلوحا وصل کرده و آب را از تپهٔ تا درة Tyropoeon می‌برد. در زمان حکومت همین پادشاه است که سنجاریب، پادشاه آشور، مقر خود را در مقابل شهر می‌گذارد (سال ۷۰۱) و تمامی شهرهای حصاردار یهودا را تسخیر می‌کند (۲- پاد ۱۹: ۱- ۱: ۱۸ و ۳۷).

بعد از حزقيا، افراد دیگری مانند یوشیای پادشاه، شاهد یک شور و اشتیاق مذهبی بزرگ بودند. یوشیا نیز مانند حزقيا یکی از حامیان شهر اورشلیم و معبد بود. طبق نظر برخی محققین، در آن زمان حدود ۲۰۰۰۰ نفر ساکن پایتخت بودند. پادشاه در هیکل مقدس حاضر شده و خود «تمام سخنان کتاب عهدی را که در خانهٔ خدا یافت شد» برای قوم خواند. او در خانهٔ خدا و نزد ستون ایستاده و در حضور خدا عهد بست که اوامر و فرایض او را به تمامی دل و تمامی جان نگاه دارد. او در زمان جنگ مَجدِّو وفات یافت (سال ۶۰۹) در حالی که قصد داشت در مقابل فرعون نکوه پادشاه مصر که می‌خواست در مقابل پادشاه آشور برخیزد، ایستادگی کند (۲- پاد ۲: ۲۲، ۱: ۲۳، ۳۵: ۲۳).

در برابر بابل

پادشاهی یهودا که تحت نفوذ قدرت‌های همسایه بود - مصر در جنوب و بین‌النهرین در غرب - باید برای حفظ صداقت مذهبی و حفظ سرزمین خود بی وقهه بجنگد. این روند تا پیست سال بعد از مرگ یوشیا ادامه داشت. اما به سرعت خطر جدیدی شهر را تهدید می‌کند! بعد از شکست آشور، نبوکدنصر پادشاه بابل که بر مصریان پیروز شده بود (سال ۶۰۵)، خطر تازه‌ای برای منطقه شد. در سال ۵۹۷، او شهر اورشلیم را محاصره کرده، تصرف می‌کند و برخی از ساکنین آن را به بابل تبعید می‌کند. سورش حکومت پادشاه یهودا، یعنی صدقیا، بهانه‌ای می‌شود برای لشکرکشی دوم که نتیجه آن بسیار غم‌انگیز است. علی‌رغم مقاومت‌ها قصر پادشاهی و معبدی که توسط سلیمان ساخته شده بود ویران شده و گروه کشیری از اسیران به تبعید فرستاده شدند (سال ۵۸۷) (۲-۲۴ پاد ۱:۲۴-۲۱:۲۵). حکومت یهودا هم اکنون تبدیل به حکومت بابل شده بود. هراس و وحشت تبعیدیان را می‌توان در صدای پیامبرانی مثل حزقیال و اشعیا مشاهده کرد. این پیامبران در عین حال که از گناهان اورشلیم پرده بر می‌دارند، اعاده حیثیت خدا را به خاطر شهر اعلام می‌کنند: «تسلى دهید، قوم مرا تسلى دهید! خدای شما می‌گوید: سخنان دلاویز به اورشلیم گویید و اوراندا کیید که اجتهاد او تمام شده و گناه وی آمرزیده گردیده و از دست خدابرای تمامی گناهانش دو چندان یافته است» (اش ۲-۱:۴۰).



تونل حزقيا

در حدود سال ۷۰۰ ق.م، حزقيا، پادشاه يهودا اقدام به یک عمل جسورانه می‌کند. او که لشکرکشی پادشاه آشور را پیش بینی می‌کند، باید تونلی بسازد که آب را از سرچشمه جیحون بیاورد یعنی از خارج سنگر و از صخرهٔ *ophel* به سمت حوض کوچک سیلوحا، این تونل باید در داخل دیوار باشد (ر. ک ۲- توا ۳۲: ۲۰- پاد ۲۰: ۲۰).

حفر این تونل که کار مشکلی بود توسط دو گروه انجام شد. این دو گروه با هم متحد گردیده و به کمک صدای دارکوبی که صخره را می‌کند، توانستند کار حفر کردن تونل را تمام کنند. لحظه باشکوهی که کار حفر تونل تمام شد توسط کتیبه‌ای که در سال ۱۸۸۵ در تونل کشف گردید برای ما نقل شده است: «هنگامی که دارکوب به صخره ضربه می‌زد و هنگامی که بیشتر از سه کوئل (معادل نیم متر) کنده شده بود، فرباد شادی همگی شنیده شد ... در روز نفوذ به تونل، هر یک به دنبال مسیر نوک زدن دارکوب ضربه می‌زدند. در این لحظه آب از منبع به سمت حوض جاری شد». طرح پریچ و خم تونل - به طول ۵۱۲ متر - در حالی که مسیر مستقیم بیشتر از ۳۲۴ متر نیست - تعجب انگیز است. آیا معدن چیان نگران تراشیدن صخره در این منطقه و در قلمرو پادشاهی نبودند؟ آیا آنها با صخره سختی که بارها وادرشان کرد مسیر را عوض کنند، مواجه نشدند؟ پهنهای تونل بین ۶۵ تا ۵۸ سانتی متر ارتفاع آن از یک متر و ده سانتی متر تا ۳ متر و ۴۵ سانتی متر تغییر می‌کند. شب آن بسیار کم ولی برای جریان آب کافی است.



در یک مجموعه که مربوط به ایمان باشد، ردپای زیادی از ایمان مسیحیان را مشاهده می‌کنیم در اینجا لازم است از دیدگاه یهودیت نگاهی بر ایمان اشعیا بیاندازیم. آندره نهر در گردھمایی فرهنگی مربوط به شناخت یهودیت این بحث را انجام می‌دهد:

سیاست اشعیا

از نظر اشعیا «خدا همراه ماست» مفهوم دو مورد هم زمان را دارد: به مفهوم تنها خدا با ماست نه شخص دیگری، و بدین مفهوم که: «خدا با ماست، کاملاً آسوده باشید، مطمئن باشید که شما تحت حمایت و یاری خدا هستید» اما: «تنها خدا با ماست و از هیچ کس دیگری جز خدا نمی‌توان طلب یاری کرد».

اما خدا کیست؟ او کسی است که نمی‌تواند با بشر باشد زیرا او متعالی است، زیرا خود اشعیا در کتابش می‌گوید که تفکرات و راه‌های خدا مانند تفکرات و راه‌های بشر نیست هم سویی میان خدا و بشر وجود ندارد.

هرقدر هم که خدا متعال باشد، تمام نگرش انسان‌ها را متحول می‌کند. با این حال در اینجا بعد دیگری از عمانوئیل را می‌بینیم «خدا با ماست». تنها خدای یکتا با ماست... و هر چند هم که او نتواند با ما باشد، همه جا با ماست.

از نقطه نظر این برنامه و محتوای معنوی، الهیاتی و از نقطه نظر این عبارت (عمانوئیل که نامی تعییدی است) است که اشعیا سیاست خود را توسعه داده و آشکارا بر یک فوق سیاست تأکید کرده و این نام را به فرزندی نسبت می‌دهد برای منجی بودن. توسط عمانوئیل خدا وارد داستان می‌شود و در اینجا انعکاس یک طرح متفاہیزیکی را می‌بینیم که منحصرًا روی طرح سیاسی ایجاد شده است. از این پس این دو به هم وابسته هستند.

اگر خدا یک فرد است باید نامی داشته باشد ولی این موضوع به همین سادگی نیست... نسبت دادن نامی به خدا بستگی به شناختی دارد که از اوداریم و نیز بستگی به توانایی ما برحسب شرایطی که او را می‌پذیریم دارد. این نام برای اشعیا چیست؟

«عمانوئیل»

در باب ۶ اشعیا رویایی را که در معبد می‌بیند تعریف می‌کند او خدا (یهوه) را می‌بیند که مانند پادشاهی روی تختی نشسته و سرافین با صدای بلند فریاد می‌زنند «قدوس، قدوس، قدوس یهوه صبایوت» (اش ۳:۶). یهوه نامی است که خدا هنگامی که موسی را برای نجات قومش از ستم می‌فرستد، به او می‌گوید (خروج ۳). در رویای اشعیا خدا قدوس نامیده می‌شود و نامی که به او نسبت داده شده «یهوه صبایوت»، که می‌توان آن را «یهوه ارتش‌ها» و یا «خدا قادر مطلق» نیز ترجمه کرد، می‌باشد.

این نام در باب‌های اول کتاب اشعیا بسیار استفاده می‌شود. قدوسیت خدا به توانایی او وابسته است: چگونه می‌توان این را درک کرد؟

جایگاه عمانوئیل

در طول جنگ بر علیه اورشلیم، زمانی که همه از ترس می‌لرزیدند (اش ۲:۷) نام یهوه صبایوت استفاده نمی‌شود (اش ۸:۱۳). در این مصیبت بهتر است روی نام «یهوه ارتش‌ها» تکیه نشود و بیشتر روی این کلام خدا تأکید شود که می‌گوید: «این گونه - منظور اتحاد ارتش بر ضد اورشلیم - دوام نمی‌آورد» (اش ۷:۷). خدایی که علاوه بر این نشانه‌ای می‌دهد: تولد فرزندی که نام او عمانوئیل - به معنی خدا با ما - است. این خدا، خدای لشکرها نیست بلکه خدایی است که نزدیک قومش و همراه اوست و با او گام بر می‌دارد (۲-سمو ۷:۷).

قدوسیت خداوند

تنها ترسی که باید داشت حتی در مقابل یک دشمن توانا و ستمگر، ترس از خدای قدوس است: «یهوه صبایوت را تقدیس نمایید و او ترس و خوف شما باشد» (اش ۸:۱۳).

موضوع اساسی، ایمان راستین است. زیرا این ایمان، به مفهوم باور این موضوع است که توانایی خدا قدوسیت خداست - نه قدرت خشن او. قدوسیت خدا توسط اشعیا در هنگام رویايش احساس می‌شود و کمی پیش در کتاب شرح داده می‌شود: و یهوه صبایوت به انصاف متعال خواهد بود و خدای قدوس به عدالت تقدیس می‌شود (اش ۵:۱۶). توانایی خدایی که خود را خیلی نزدیک آشکار می‌کند، توانایی نقشهٔ عدالت اوست که نمی‌گذارد قومش تحت اسارت ظالم باشد. هم چنین در الهیات اشعیا نام خدا تغییر می‌یابد. او دیگر خدای لشکرها نیست بلکه «خدا با ماست»، و یا به گفتهٔ بهتر «قدوس اسرائیل» (اش ۶:۱۲).

آیه ۱۴ از باب ۷ کتاب اشعیا نقشی مرکزی در ابتدای انجیل متی دارد. با این حال دستخوش تغییراتی شده است ... که به ویژه در الاهیات متی دیده می‌شود.

«او را عمانوئیل می‌نامند»

از ابتدای انجیل، جبرائیل به یوسف می‌گوید که نباید از نگاه داشتن همسرش مریم نزد خود ترسی داشته باشد زیرا «آنچه که در او قرار گرفته از روح القدس است»، و اضافه می‌کند «او پسری خواهد زایید و نام او را عیسیٰ خواهی نهاد زیرا که او امت خویش را از گناهانشان خواهد رهانید»

(۲۲:۱)، «چون یوسف از خواب بیدار شد: او زن خویش را گرفت و تا پسر نخستین خود را نزاید او را نشناخت و او را عیسی نام نهاد» (آیه ۲۴ و ۲۵).
اگر متى در این جا نقل قول اشعیا را که به یوسف خبر داده شده، ذکر نمی کرد هیچ مشکلی ایجاد نمی شد: «و این همه برای آن واقع شد تا کلامی که خدا به زبان نبی گفته بود تمام گردد: اینک باکره آبستن شده پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند که تفسیرش خدا با ماست» (۲۳:۱).

عیسی یا عمانوئیل؟

این اولین پرسشی است که مطرح می شود: در حالی که یوسف نام عیسی (به مفهوم خدا نجات می دهد) را به فرزند می دهد. چرا متى بیشتر بر نام عمانوئیل که خدا با ما ترجمه می شود تأکید می کند؟

بدون شک پاسخ در جامعه ای جستجو می شود که او به آن اشاره دارد: جامعه ای از یهودیان و امت هایی که از جدایی خود از یهودیت رنج می برند. متى در ایمان خود به آنها نشان می دهد که عیسی وارث وعده خدادست. زیرا یوسف که از نسل داود است به عیسی نامی می دهد که قطعاً (پسر داود) است و نیز به لطف نبوت اشعیا، مشخص می شود که تولد عیسی و به ویژه تولد او از یک باکره متون مقدس را به انجام می رساند.

با این حال، نام عیسی «نجات دهنده قومش» (آیه ۲۱)، ممکن است نشان دهد که وعده خدا تنها محدود به نسل داود است.

متى با نام بردن «عمانوئیل» نشان می دهد که درود و برکت عیسی یک بعد همگانی و جهانی دارد. در عیسی، خدا با ماست، ولی این در ما به مفهوم یهودیان و امت هاست.

«تو او را عمانوئیل خواهی خواند» یا «آنها او را عمانوئیل صدا خواهند کرد»؟

این دومین سؤالی است که خواننده این آیات از خود می پرسد (۲۰-۲۴):

در حالی که فرشته به یوسف می گوید که او به عیسی نامی نسبت می دهد چرا در نقل قول اشعیا اعلام شده است که «او را عمانوئیل خواهند نامید»؟ در این جا نیز پاسخ در مجموعه انجیل متى جستجو می شود، جایی که ناشناخته شدن عیسی از طرف نزدیکشانش و شناخته شدن او توسط امت ها با هم منطبق شده است.

این رویداد از ابتدای انجیل که مجوسیان آن را فهمیدند شروع می شود و در انتهای انجیلبا رستاخیز عیسی «پس رفته همه امت ها را شاگرد سازید» به انجام می رسد (۲۸:۱۹).

برخلاف نامی که یوسف به عیسی می دهد، نامیدن عیسی به عنوان «عمانوئیل، خدا با ما» از نظر متى فقط بدین معنی است که ایمانداران پیامی را که خطاب به همه است در ک می کنند این موضوع

به کمک فعل جمع و زمان آینده‌ای که در نقل قول اشعیا به کار رفته، در کتاب اشعیا توضیح داده شده است: «او را عمانوئیل خواهند نامید».

به همراه ما و به همراه شما

این ویژگی دیگر معرفی متی است: نامیدن عیسی به عنوان «عمانوئیل، خدا با ما»، با قسمت پایانی انجیل که مربوط به وعده رستاخیز عیسی است و در این قسمت عیسی شاگردان را به رسالت می‌فرستد، تطابق دارد. «و من هر روزه تا پایان زمان با شما هستم» (متی ۰:۲۸). این وعده روی قلمروی اربابی تکیه دارد: «تمامی قدرت در آسمان و زمین به من داده شده است، پس بروید...» متی از ابتدای انجیل خود، قصد دارد به صورت کنایه آمیز نشان دهد که گشایش محبت به روی ملت‌ها از زمان تولد عیسی شروع شده و این مطابق با نقشه خداست.

در پایان انجیل، وعده عیسی به شاگردانش یک بعد دیگر عمانوئیل را مشخص می‌کند: «خدا با ما». از این به بعد او خدای همه است و در طول رسالتش همراه همه می‌باشد، همراه تمام کسانی که در مرگ و رستاخیز او تعمید یافته‌اند.

هم زمان با هنگامی که متی روش خدا را که در عیسی مسیح خود را بر همه ظاهر کرد تا برکتش را به آنها بدهد، نشان می‌دهد، عبارت «عمانوئیل» «امروزه همراهی رستاخیز را در کلیسا نشان می‌دهد. هم چنین می‌توان گفت که انجیل متی «ارتباط برقرار می‌کند میان خدایی که با ماست و افتتاح کننده است و عیسایی که با ماست و به انجام می‌رساند». در این مفهوم، به راستی عیسی، عمانوئیل است که نقشه خدا را کاملاً به انجام می‌رساند.

اگر باور نکنید، ثابت نخواهید ماند خدا در خانه داده این را می‌فرماید (اش ۹:۷) این تشویق در اینجا شبیه یک اخطار است. آیا ایمان ترکیب از استواری، پناهگاه و آرامش نمی‌باشد؟ به این دلیل که خدا به انسان خطاب می‌کند.

همآهنگی با باور داشتن

جرارد وان می‌نویسد که «قوم اسرائیل در تمام موقعیت‌هایش و در هر سطحی که باشد از این شرط ایمان به خدا دفاع می‌کند. در این قوم کوچک، در یک گوشۀ از دست رفته، یک عمل بزرگ به انجام می‌رسد، یعنی تولد ایمان». از دید مذهبی ایمان یک «چیز جدید» است که توسط تحول یهودی- مسیحی توضیح داده می‌شود. به گفته بهتر، وقتی صحبت از یک تجربه جدید می‌شود هیچ

کلمه‌ای نمی‌تواند آن را تعریف کند. این تجربه در میان کلمات مبهم بسیاری که شرایط بشری را ترجمه می‌کنند، معنا می‌یابد. در عبری نمونه‌هایی را می‌توان مشاهده کرد: *hasah* به مفهوم پیدا کردن پناهگاه، *balah* به مفهوم در امنیت قرار گرفتن، *aman* به مفهوم تکیه کردن روی چیزی. این کلمه آخر *aman* در کتاب اشعیا ۷:۹ به کار رفته است «اگر مرا باور نکنید، ثابت نخواهید ماند».

ترجمه TOB می‌گوید که: «اگر ایمان نیاورید، ثابت نخواهید ماند». این تفسیر کاملاً درست است ولی این خطر را به دنبال دارد که نقش کلمه‌ای که دو مفهوم را می‌رساند، حذف گردد. ترجمه TOB هم چنین در جایی دیگر می‌گوید: «اگر به خوبی باور نکنید ثابت نخواهید ماند». در کنار کلمه *aman* کلمات *emet* به معنی وفاداری، *emunah* به معنی حقیقت را می‌توان مطرح کرد و این نشان دهنده دوام، پناه و آرامش بنیادی است که در ابتدای ایمان وجود دارد. این مفهوم بسیار نزدیک به آن چیزی است که ما «درود» می‌نامیم.

الهیات اولیه ایمان: پذیرش مطلق و قطعی

«اگر باور نکنید» اشعیا ۷:۹. آیا در مرحله اول ایمان، ما به باور هدایت نمی‌شویم؟ در ابتدا موضوع آن چیزی نیست که ما آن را ایمان طبق خواسته خدا می‌نامیم، بلکه موضوع اعتقاد به این موضوع است که خدا انسان را خطاب می‌کند و او را در طول تاریخ هدایت می‌کند. بنا بر این اگر بشر قصد دارد که زندگی کند و در این دوام و پایداری شکوفا شود باید خدا را بپذیرد و به قدرت او ایمان داشته باشد، خدایی که در صخره اسرائیل است (مز ۶۱:۴). خدا صخره بشر است همان طور که برکت می‌دهد. ایمان پاسخ پذیرشی است به لطف رایگان خدا و ارتباط دو جانبه‌ای است که در آن انسان به خدایی که دوام او محسوب می‌شود اعتماد می‌کند و این موفقیت و خوشبختی او را به دنبال دارد. در حالی که خدا نیز وارد عمل می‌شود و با انسان پیوند می‌یابد بدین ترتیب ارتباط پایدار است، ایماندار نیز پایدار خواهد بود.

زیرا ایمان یک عمل عهد بستنی است (ریشه‌شناسی کلمه لاتین *fides*، ایمان، آن را با کلمه *foedus* به مفهوم عهد، مرتبط می‌کند). یک عهد در زمانی بسته می‌شود و دو وفاداری را به دنبال دارد. اولین وفاداری، وفاداری به خداست، خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب، خدایی که در تاریخ قومش کارهای شگفت‌می‌کند و قوانین تاریخی را به یاد می‌آورد، و دومین وفاداری که جنبه تعهد دارد و آن وفاداری قوم نسبت به خداست.

ایمان شامل سه زمان می‌شود: برای زمان حال دوام محسوب می‌شود، برای گذشته وفاداری و برای آینده اعتماد و امیدواری. زیرا به انجام رسیدن عهد باید با گرددۀ‌مایی تمام این لحظات هدایت شود. رفتار ابراهیم نیز مطابق همین اصل است، او به خدا و رسالتی که دریافت کرده بود تکیه داشت. بدین ترتیب او به اولین چهره ایمان در عهد عتیق تبدیل می‌شود، چهره معروفی که پولس قدیس آن را ستایش می‌کند.

اهمیت حقیقت در ایمان

کلمهٔ عبری *aman* که در اشعیا ۷:۹ آورده شده در یونانی *pisteuein* ترجمهٔ می‌شود و در زبان ما دقیقاً همان فعل باور داشتن ترجمهٔ می‌شود و کلمهٔ *pistis* به مفهوم ایمان است. این کلمات در تمام قسمت‌های عهد جدید دیده می‌شوند. در انجیل همهٔ جا می‌بینیم که ایمان بر ضد و یا ایمان به عیسیٰ یافت می‌شود. ادعای عجیب عیسیٰ درخواست تعهد و ایمانی است که تنها شایستهٔ خدا می‌باشد. ایمان میوهٔ یک ملاقات است: ایمان عمل پیروی کردن از عیسیٰ است، درست به مانند شاگردان او. هم چنین این ایمان پیشرفت تدریجی و متوالی است.

هم سویی دیگری در این ایمان با ایدهٔ پذیرش حقیقت ظاهر می‌شود. این ایده در رابطهٔ ای که میان کلمهٔ *gaman* و اسم موصوف *emet* به مفهوم حقیقت وجود دارد و قبلًا از آن صحبت شد، حضور دارد. ولی در عهد جدید بسیار حساس تر است. به صورت «ایمان داشتن به» و نیز به صورت «ایمان داشته باشید که». برخی از تفسیرها با در مقابل هم قرار دادن این دو فرم ایمان مخالف هستند در حالی که آنها به شدت به هم وابسته و متحدوند. پذیرش خدا و عیسی از طرف انسان شناخت انسان از یک حقیقت اساسی را توسعه می‌دهد. اسرائیل خدای خود را می‌پذیرد زیرا او به حقیقت اعمال شگفتی که خدا برای قومش به انجام رسانیده اعتقاد دارد. ایماندار به شناخت هویت عیسی فراخوانده شده «شما مرا که می‌دانید؟» ایماندار دعوت شده که به عیسی به عنوان «مسیح، پسر خدای زنده» ایمان داشته باشد (متی ۱۶:۱۶).

ایمان به ویژه از نظر یوحنا قدیس به مفهوم پذیرش راستی است. ایمان شناختی را به انسان می‌دهد، شناخت پدری را که توسط عیسی آشکار شد. ایمان چشمانی را عطا می‌کند که بتوانند متوجه حقیقتی شوند که در این ایمان وجود دارد.

پولس دو شیوه برای معرفی ایمان دارد. در نوشتهٔ رومیان ایمان یک رفتار کلی است که شامل پذیرش خدا و عیسی و در نتیجهٔ اعتماد و محبت است.

از این شهادت به بعد است که لوتر مکتب خودش را با توجیه ایمان شکل می‌دهد. در اولین نامه به قرنیان ۱۳-۱۴ پولس مسئلهٔ ایمان، امیدواری و نیکوکاری را متمایز می‌کند تا بدین ترتیب نقش مهم نیکوکاری را که در ارتباط مستقیم با ایمان و امیدواری است نشان دهد. با تکیه بر این متن است که کلیسای کاتولیک این سه فضیلت را گسترش می‌دهد و تأکید می‌کند که تنها ایمان برای داشتن فیض خدا کافی نیست، یعنی اگر ایمان به نیکوکاری ختم نشود، نمی‌تواند کافی باشد. این دو شیوهٔ بیان است که مکمل هم‌دیگر هستند. هر دو شیوه اساسی است و باعث ایجاد اختلاف و فاصله نمی‌شود. اگر ابراهیم بزرگترین چهرهٔ ایمانی در عهد عتیق است، می‌توان گفت که مریم با کره نیز بزرگترین چهرهٔ ایمانی در عهد جدید است.

ایمان مسیح

آیا می توان عمیق تر صحبت کرد؟ آیا عیسی ایمان داشت؟ این موضوعی بسیار بحث برانگیز در الهیات است. طبق نظر تومای قدیس اگر ایمان عیسی را در فلسفه الهیاتی اسکولاستیک که اهمیت شناخت عیسی را در نظر می گیرد جای ندهیم، در آن صورت عیسی ایمان نداشته است زیرا او نمی تواند چیزی را که توسط علم الهی اش می شناسد، باور کند. ولی اگر موضوع را به مجموعه موضوعات ایمانی بسط داده شده در اینجا مربوط کنیم، این نکته واضح است که عیسی در کمال پویایی ایمان زندگی کرده است. او در تمام موجودیت خویش رسالتی را که از پدر گرفته بود، پذیرفت، او کاملاً به پدر وفادار بود و اعتماد و عشق خود را تا به آخر کاملاً به پدر تقدیم کرد. او از تمام لحظات میهم و گنگ مربوط به آینده خود گذر کرد، به ویژه زمان درد و رنج خویش. این موضوع با اتحاد شخصی پسر با پدرش مغایرتی ندارد بلکه این نتیجه تن یابی اوست. در شرایط انسانی، پدر درد و صخره اوست، صخره ای محکم، همان طور که در رستاخیزش کاملاً این موضوع را نشان می دهد.

کار گروهی

در اینجا سه روش برای کار شخصی یا گروهی در مورد موضوع مورد بحث ارائه می شود. بحث در مورد ایمان همیشه کارآسانی نیست باب ۷ کتاب اشیاعا کمکی بسیار عالی به این موضوع است:

۱) در روایت از ترس بگذریم تا به ایمان برسیم

متن اشیاعا را با دقت بخوانید در اینجا ممکن است دچار دودلی شویم چرا در چند صفحه قبیل تیتر ترس و ایمان را انتخاب کردیم؟

- آیا محتوای تاریخی که توسط «کتابچه عمانوئل» و «زوال تدریجی» شرح داده شد، و یا

مشکلات مطرح شده توسط «فرزنده جنگ» می توانند این نبوت را روشن کنند؟

- از این موضوعات چه چیزی می توان برداشت کرد؟ آیا طرحی در کشفیات خود پیدا می کنید؟

چگونه می توان این مشکلات و امیدواری را با هم منطبق کرد؟

- عهد عتیق موقعیت های غم انگیزی را معرفی می کند که ایمان را نیز توضیح می دهد. آیا شما تجربه موقعیت سختی را داشته اید که در ایمان شما اثر گذار باشد؟

۲) نشانه هایی برای ایمان

- چرا خدا از پادشاه می خواهد که در خواست نشانه ای کند؟ با خواندن تدریجی قسمت ایمان و ترس: چرا فرزند تنها به عنوان نجات دهنده هویت پیدا می کند، در صورتی که می تواند بازتاب الهیاتی زیادی داشته باشد؟

- نقش اشاره به «غذای او شیر و عسل است» چیست؟ در چه شرایطی این طرح قبل انجام شده؟
چگونه این موضوع نشان دهنده ایمان است؟

خدا چگونه سخن می‌گوید؟

- روی مسئله «هم‌آهنگی های ایمانی» تفکر کنید در مورد آن چه فکر می‌کنید؟
- خواهر ماری کروآز با سرودن ایمان خود در شرایط ناالمیدی آیا نشانه هایی از ایمان را بیان نمی‌کند؟ چه نشانه هایی را می‌توانید در زندگی خودمان ببینیم؟

۳) دادن یک نام به خداوند

- دادن یک نام به کسی، شناخت وجود اوست. در عهد عتیق نام های زیادی به خدا داده شده است. می‌توانید آنها را پیدا کنید؟ با چه چیزی مطابقت دارند؟ قسمت «سیاست اشعیا» و «عمانوئل» را بخوانید.
- در عهد جدید نام عیسی به کار رفته و در عین حال نام عمانوئل را در مژده به یوسف می‌بینیم! هر کدام از این نام ها چه چیزی را نشان می‌دهد؟
- در زمان مصیبت خدا چگونه ظاهر می‌شود؟ او به چه چیز قوم را دعوت می‌کند؟ امروزه ما چه نامی به او می‌دهیم؟

برای ایمانداران یک متن مقدس بدون اینکه با خدا ملاقات کنند نمی‌تواند کلام خدا محسوب شود یک گفتگو میان دو نفر، مستلزم استقبال و رفتار طرفین است. خواندن یک متن مقدس مستلزم همین شرایط است:
آنچه را که متن می‌خواهد بگوید را ببینید (نه آنچه را که من می‌خواهم در آن ببینیم) و تعمق کرده و دعا کنید.

در متن معروف اشعیا باب ۷ جایی که چهره عمانوئل می‌درخشد مسیحیان فوراً شمايل عیسی و مریم را تصور می‌کنند! این اشتباہ نیست اما تنها مسئله خواندن نیست. در مرحله اول خود متن را دقیق بخوانید.

مشاهده کردن

در ابتداء تحول متن را بررسی کنیم. دو آیه اول آهنگ و لحن متن را مشخص می‌کند. زمان، زمان جنگ است همراه با تمام تهدیدهایی که نگرانی را ایجاد می‌کنند. نتیجه آن آشتفتگی عمومی در میان قوم است ولی در اینجا مهلتی را مشاهده می‌کنیم «آنها بر ضد شهر اورشلیم برخاستند اما نتوانستند به آن حمله کنند». در این شرایط است که کلام دو گانه خدا وارد متن می‌شود کلام متن را به دو قسمت مکمل هم که شدت آن را افزایش می‌دهد، تقسیم می‌کند. در قسمت اول (۹-۷) خدا صحبت می‌کند اما توسط پیامبر: «خدا به اشعیا گفت به دیدن آجاز برو ... به او بگو...»، در

قسمت دوم (۱۰-۱۷) به نظر می‌رسد خدا مستقیماً به پادشاه آجاز خطاب می‌کند درست مثل اینکه موقعیت اضطراری است.

اولین کلام، آهنگ جنگی دارد. کلمه به کار رفته را ببینید «آرام باشید»، «ترسید»، «با حذر باشید»، «دوم نخواهید آورد» به کار بردن این کلمات تهدیدآمیز، برای فراغواندن به ایمان است. قوم توسط روش‌های خاص خود نمی‌تواند در مقابل دشمن پایداری کند. قوم باید بر خدایی که عمل می‌کند اعتماد کند: «اگر باور نکنید هر آینه ثابت نخواهید ماند» (آیه ۹).

دومین کلام، که کلامی رسمی است به دنبال کلام اول قرار می‌گیرد اما فقط با صدای ایمان. نشانهٔ فرزند در مرکز قرار می‌گیرد. خدا از شاه می‌خواهد که این نشانه را درخواست کند، البته به نسبت ایمانی که او به خدا دارد. در برابر امتناع پادشاه (آیا این نشانه بی ایمانی است؟) خود خدا نشانه‌ای را برای او انتخاب می‌کند. نشانه؟ تولد پسری در دربار شاه؟ نام او عمانوئل خواهد بود. نامی نمادین به معنی «خدا با ما». این تولد مژدهٔ شکست تمام کسانی است که اورشلیم را تهدید می‌کنند «زمینی که از هر دو پادشاه آن می‌ترسید متروک خواهد شد». این مژدهٔ خوبشختی است.

تعمق کردن

قسمت ابتدایی متن دلیل دخالت الهی را توضیح می‌دهد. هراس در برابر آینده‌ای که تهدید شده است. در اینجا، مسئله جنگی است که ممکن است به نابودی اسرائیل و تاریخ اش ختم شود. از دید انسانی، مقاومت غیرقابل امکان است، دشمن بسیار قوی است، نامیدی تمام امکانات را برای خارج شدن از بحران احاطه کرده است.

نیایش کردن

دعا کردن ناگهان از تعمق بر زندگی ما، تعمق بر تمام دلایل ما برای ایمان بر ضد ترس آشکار می‌شود: «خداوندا، ایمان مرا افزایش ده...»



فصل ششم

سخن خدا از طریق فرشتگان

فرشتگان میلاد

باری در آن روزها، فرمانی از سوی قیصر او گوستس صادر شد تا همه سرزمین مسکون را سرشماری کنند. این نخستین سرشماری هنگامی انجام شد که کرنیلیوس فرمانروای سوریه بود» (لو ۲: ۱-۲).

تولد جایگاه کمی را در متن به خود اختصاص داده است. تنها با یک آیه تداعی می‌شود: مریم طفلی را به دنیا آورده، در قنداق پیچیده و در یک آخر خوابانده است، این کل موضوع است؛ نهایت سادگی، بدون حتی یک کلمه دیگر هیچ چیز چشمگیر نیست: یک مادر و طفل اش. ما دوست داریم از این موضوع کمی بیشتر بدانیم. شخصیت‌های دیگر کجا هستند؟ یوسف کجاست؟ چه کار می‌کرده است؟ نویسنده به این سؤالات علاقه‌ای نداشته است. او ما را در شرایطی قرار می‌دهد تا به جایی دیگر هدایتمان کند جایی که در آن اساس روایت او جریان دارد.

فرشته خداوند

ماجرا در یک مکان نامشخص روی می‌دهد ولی نزدیک مکانی که مسیح به دنیا آمده درست مثل زمانی که در یک تئاتر صحنه توسط نوری که از بالا روشن می‌شود. فرشته خدا به چویانان ظاهر می‌شود. ظهور فرشته خدا چیز تازه‌ای در کتاب مقدس نیست. در نهایت همه چیز در غالب یک نمای کلی کلاسیک جریان دارد: فرشته خدا ناگهان ظاهر می‌شود، ظهورش ترس ایجاد می‌کند، پیام آور الهی مژده تولد یک کودک را می‌دهد و یک نشانه می‌دهد. لوقا کتاب مقدس را به خوبی می‌شناخته و هم چنین وساطت‌های فرشته خدا را.

در انجیل لوقا، این ظهور، سومین ظهور فرشته خداست. (در انجیل لوقا برای دفعه سوم است که فرشته ظهور کرده). فرشته قبلًا به زکریا در معبد و به مریم ظاهر شده بود. در هر دو دفعه نام فرشته جبرائیل ذکر شده، فرشته‌ای که در کتاب دانیال مژده فرا رسیدن زمان نجات را می‌دهد. در اینجا فرشته خدا بیشتر از دریافت‌های کننده‌های مژده در نظر گرفته نمی‌شود. آنها چویانانی گمنام بوده‌اند.





تولد عیسی

کودکی برای شما

روایت موضوع تازه‌ای را در بر دارد. همه چیز بر اساس یک چهارچوب کلی و معین جریان ندارد. مژده تولد، این بار مختص اقوام آینده نیست بلکه خطاب به کسان دیگری است. «او برای شما متولد شده» کلام فرشته این است. خداوند این کودک را به چوپانان هدیه کرده ولی به طور یکسان به امته که با شنیدن این مژده از شادی لبریز خواهند شد. از سوی دیگر، کودک دیگر در حال آمدن نیست بلکه او اکنون اینجاست. فرشته می‌گوید: «امروز برای شما متولد شد». برای نخستین بار است که این کلمه مهم را در انجیل لوقا می‌شنویم دوباره می‌توانیم آن را هنگام تعمید عیسی، هنگام موعدة او در ناصره، ملاقاتش با زکی و روی صلیب خطاب به دو راهن پیدا کنیم: «کلمه امروز زمان نجات دیگر در راه نیست، اکنون زمان نجات است، زمانی که با تولد عیسی افتتاح شده است.



القاب پادشاهی

پیام آور الهی اکنون که کودکی که متولد شده، عنوان پادشاه را می‌دهد. او مسح، خداوند و نجات دهنده است.

کریستوس: ترجمهٔ یونانی کلمهٔ مسیح پادشاهی که قوم یهود در انتظار او بودند وی می‌باشد از نسل داود باشد عیسی در بیت اللحم یعنی دقیقاً در همان دهکده‌ای که داود متولد شد، به دنیا آمد.

خداوند: کلمه‌ای که مفهوم پادشاهی دارد و برای نشان دادن امپراتور به کار رفته است و نیز کلمه‌ای است که در کتاب مقدس یونانی به خداوند اشاره دارد.

نجات دهنده: این کلمه نیز محتوای پادشاهی و سلطنت دارد. انسان‌های قدرتمند در هر دوران دوست داشتند که این عنوان را به خود اختصاص دهند آنها می‌خواستند از طرف ملت‌شان «ولی نعمت» (منجی) نامیده شوند. این کلمه، کلمه‌ای است که در کتاب داوران برای نشان دادن شخصیت‌های الهی که خداوند برای نجات قوم خود فرستاده، به کار رفته است. در نهایت با یکی از این کلمات است که خداوند خودش را نشان می‌دهد. مریم آن را در ستایش خود به کار برده: «جان من خداوند را تمجید می‌کند و روح من در خدا، نجات دهنده من، شادی می‌کند».



منادی، پادشاه

در روایت لوقا فرشتهٔ خداوند مانند یک شیبورچی دربار ظاهر می‌شود که قلمرو پادشاهی را برای شمردن عنوان‌های یک فرزند سلطنتی که باید روی تخت پادشاهی بنشیند، دزمی توردد. متن، مکانی را که فرشتهٔ ظاهر شده نشان نمی‌دهد بلکه تنها توضیح می‌دهد که «در این شهر» شهری که مریم و یوسف در آنجا می‌باشند متعلق به نسل داود است. مژده خطاب به مردم سرزمینی است که در انتظار پادشاهی از سوی خدا هستند. این پادشاه متولد شده است و چوپانان که از پایین ترین قشر جامعه هستند اولین کسانی می‌باشند که از این تولد با خبر می‌شوند و این طبیعی است، زیرا پادشاه مخصوصاً برای آنها می‌آید. بعدها عیسیٰ خداوند می‌گوید: «خوشحال شما فقیران زیرا ملکوت خدا از آن شماست» هم‌چنین می‌گوید: «تو را شکر می‌کنم، ای پدر، خداوند آسمان و زمین که این را از خردمندان مخفی داشتی و بر حقیران آشکار کردی».

یک سؤال پیچیده

خواننده انجیل با این بیان باشکوه و رسمی دچار کنجکاوی می‌شود. این لقب‌ها چه مفهومی دارند؟ چگونه این کودک به پادشاهی می‌رسد؟ آیا به شیوهٔ اوغسطس قیصر و نمایندهٔ او و یا به شیوهٔ داود پادشاه، جد یوسف؟ چگونه او بر تخت پادشاهی خواهد نشست؟

خواننده با یک روش راحت‌تر از خود می‌پرسد که چگونه چوپانان این کودک را می‌یابند؟ فرشتهٔ خداوند به هیچ کدام از این سؤال‌ها پاسخ نمی‌دهد ولی همچون تمام مژده‌های تولد، یک نشانه می‌دهد. او از کودکی صحبت می‌کند که در طوبیله‌ای خوابیده است. نشانه داده شده توسط فرشته مبهم است. این نشانه کاملاً در تضاد با پیغامی است که به چوپانان داده شده است. چگونه فقر و سادگی کودک می‌تواند نشانه‌های پادشاهی او باشد؟

این پیام آسمانی با قرار گرفتن در ابتدای انجیل نقش مهمی را ایفا می‌کند. این پیغام کنجکاوی‌ها را بر می‌انگیزد و مخاطب را به خواندن باقیماندهٔ متن دعوت می‌کند. سرنوشت این پادشاه کودک که در آخر خوابیده چه خواهد بود؟ قرائت انجیل، مخصوصاً روایت حرکت مسیح به سمت اورشلیم، تدریجاً اجازه می‌دهد که متوجه این تناقض بشویم. ولی مفهوم نهایی پادشاهی عیسیٰ جز بعد از مرگ و رستاخیز او قابل درک نیست.

آواز فرشتگان

روایت با فرا رسیدن گروه بزرگی ادامه می‌یابد: فرشتگان (لشکر فرشتگان). نقش این لشکر مانند کسی است که در یک تئاتر قدیمی هم خوانی می‌کند و در پایان یک صحنه به منظور هدفی مشخص می‌آید - فرشتگان، ستایش خداوند و آرامش برای «مردمی که مورد محبت او هستند»، می‌سرایند. بیان جدید مبهم است، این محبت شامل چه کسانی می‌شود؟ انسان‌های نیکوکار (طبق

ترجمهٔ قدیمی) یا انسان‌هایی که مورد محبت خدا هستند (طبق ترجمهٔ جدید)? اولین مطلب مشخص برای تنظیم کردن این اختلافات چیست؟ گرایش و تمایل قلی انسان‌ها برای پذیرفتن سلام خداوند یا محبت رایگان خداوند برای انسانها؟

سؤال‌های دیگر

این مژده متعلق به کدام قشر مردم است؟ آیا تنها قوم برگزیده مورد خطاب هستند یا تمام مردم زمین؟ و بالاخره: این صلح شامل چه چیزی می‌شود؟ آیا باطنی است یا ظاهری؟ آیا برای امروز است یا برای فردا؟ دنباله انجیل تدریجاً جواب این سوال‌ها را در بردارد مانند مژده فرشته، آواز فرشتگان، و خطاب به خواننده است تا در آنها نسبت به این موضوع علاقهٔ ایجاد کند. او سوالات اساسی را بیان می‌کند. سؤالاتی که مسیحیان اولیه از خود می‌پرسیدند.

فرشتگان جدید

وقتی فرشتگان رفتند، چویانان که تا حالا مانند یک مجسمه بر جای خود می‌خکوب شده بودند، به نوعی خود به حرکت درآمدند. آنها متقابلاً تشویق می‌شوند تا به دیدن چیزی بروند که تحقیق یافته است.



مینیاتور کلیساي یونانی قرن ۱۲ میلادی

آنها با عجله به آنجا می‌روند و آنچه را که برآنها آشکار شده است اعلام می‌کنند. کسانی که این خبر را می‌شنوند متعجب می‌شوند. ما این تعجب را در پایان انجیل، در مورد پطرس دوباره مشاهده می‌کنیم، هنگامی که در صبح روز رستاخیز زنان پیغام فرشته‌ها را به او منتقل می‌کنند.

چوپانان هم اکنون سرشار از شادی بازمی‌گردند. آنها می‌توانند کلام خدا را که تحقق یافته است، درک کنند، آنها به نوبه خود همچون فرشته خداوند به فرشتگانی تبدیل شده‌اند، یعنی پیام آور و ستایش کننده. آنها خبریک خوشی را اعلام می‌کنند. مانند لشکر فرشتگان، آنها هم اکنون ستایش خدا را می‌سرایند و این حاکی از نقش یک جامعه مسیحی است که مسئولیت اعلام مژده را به تمام مردم مورد محبت خداوند داراست، مژده‌ای که توسط عیسی خداوند، تنها نجات دهنده‌ما به انجام رسیده است.

مزده‌های تولد

واقعه چوپانان و فرشته‌ها به عنوان بخشی از سنت در کتاب مقدس جای دارد:

زیرا مژده‌های تولد در روایات مشابهی در عهد عتیق یافت می‌شوند.

انجیل نویس از آن الهام گرفته

تا نشان دهد که نقشه خداوند ادامه دارد.

یکی از عمدۀ ترین مضمون‌های انجیل لوقا اتمام این روش است زیرا آنچه که خدا در زمان‌های گذشته انجام داده و آنچه که خدا توسط پیامبران مژده داده بود، هم اکنون به حد کمال آشکار می‌شود. خداوند عمل خود را در عیسی مسیح به اتمام می‌رساند. در حالی که متى این روش را در نگارشش بسط می‌دهد، اما لوقا آن را به گونه‌ای دیگر بیان می‌کند. روایت او به طور مستقیم از متون گذشته عبور نمی‌کند ولی از آن الهام می‌گیرد و روش آن را سرمشق قرار می‌دهد.



ویترای کلیساي Taize قرن ۲۰

مژده‌های تولد در عهد عتیق

در عهد عتیق مژده‌های تولد متعددی وجود دارد که توسط خداوند، یا یک پیامبر یا فرشته خداوند اعلام شده است. در ابتدا مژده‌های تولد اسماعیل و اسحاق و مژده تولد شمشون، یکی از نجات دهنده‌های بنی اسرائیل، را بررسی می‌کنیم.

پسر و عده داده شده

در کتاب آفرینش خداوند بارها، نسلی از داود را پیش بینی می‌کند با این وجود در انجام این وعده تأخیر ایجاد شده. سارا از کنیز خود هاجر می‌خواهد تا به همسری شوهرش درآمد و برای او پسری بیاورد. هنگامی که کنیز حامله می‌شود خاتون او به وی حسادت کرده با وی ناسازگار می‌شود و هاجر به ناچار از نزد وی می‌گریزد و به بیابان روی می‌نهد. در این هنگام فرشته خداوند به هاجر ظاهر می‌شود و به او می‌گوید:

اینک حامله هستی و پسری خواهی زاید
و او را اسماعیل نام خواهی نهاد
زیرا خداوند تظلم تو را شنیده است
و او مردی وحشی خواهد بود
دست وی به ضد هر کس و دست هر کس به ضد او،
و پیش روی همه براذران خود ساکن خواهد بود» (پید ۱۶: ۱۱-۱۲).

این پسر، پسر و عده داده شده نیست و خداوند پسر و عده داده شده دیگری را برای ابراهیم پیش بینی می‌کند، اسحاق را که از او و سارا است:

«پسری از وی به تو خواهم بخشید، او را برکت خواهم داد
و امت‌ها از وی به وجود خواهند آمد و
ملوک امتها از وی پدید خواهند شد» (پید ۱۷: ۱۶-۱۷).

ابراهیم روی زمین افتاد و خندید و در دل خود گفت «آیا از مرد صد ساله‌ای پسری متولد شود و سارا در نود سالگی می‌تواند فرزندی به دنیا آورد؟ در واقعه مشهور بلوستان ممری، مژده جدیدی از تولد وجود دارد. (بید ۱۸).

این دفعه هویت مژده دهنده دیگر اسرار آمیز نیست. ابتدا سه مردآشکار می‌شوند سپس خود خداوند است که دو فرشته را همراهی می‌کند. سارا جای همسر خود را می‌گیرد و به نوبه خود می‌خندد، این خنده عکس العمل خداوند را بر می‌انگیزد. «چرا می‌خندد؟» مگر برای خدا امر محالی است؟

تولد یک «نجات دهنده»

در کتاب داوران ما روایت مژده تولد شمشون، یکی از داوران اسرائیل، را مشاهده می‌کنیم (داوران مردان خدا بودند که برای نجات قوم توسط خدا برانگیخته شده بودند). چنین است ظهور فرشته خداوند به همسر مانوح که مژده تولد شمشون، یکی از مهم‌ترین داوران، را می‌دهد:

«اینک می‌دانی که حال نازا هستی و نزاییده‌ای،
لیکن حامله شده، پسری خواهی زاید
و الان با حذر باش و هیچ شراب و مسکری منوش
و هیچ چیز نجس مخور
زیرا یقیناً حامله شده و پسری خواهی زاید
و استره بر سرش نخواهد آمد
زیرا آن ولد از رحم مادر خود برای خدا نذیره خواهد بود
و او شروع خواهد کرد به رهانیدن اسرائیل از دست فلسطینان» (داور ۳:۵-۱۳).

مانوح و همسرش برای خداوند قربانی می‌کنند و فرشته در شعله آتش ناپدید می‌شود.
اکنون ما نوح می‌داند که فرشته خداوند بوده است
او به همسرش می‌گوید:
«البته خواهیم مرد، زیرا خدا را دیدیم».

در زبان کتاب مقدس، دیدن فرشته، دیدن خود خداوند است.

پنج مرحله در مژده تولد

در تمام این روایات ما پنج مرحله مشابه را مشاهده می‌کنیم:

- ۱) فرشته خداوند، یک پیامبر و یا خود خداوند ناگهان در زندگی والدین آشکار می‌شود برای این والدین، داشتن فرزند امری محال بوده است. زندگی شخصی آنها، دچار یک بن بست شده بوده.
- ۲) ظهور الهی تعجب و ترس ایجاد می‌کند.
- ۳) اعلام کننده خبر با دنبال کردن روایت، یک پیغام کم و بیش پیچیده را می‌دهد ولی نقطه مشترک، گشایش سرنوشت قهرمان است. معمولاً مژده نام کودک و رسالتی را که باید انجام دهد را در بردارد.
- ۴) موجود بشری برای پذیرش مژده با مشکل مواجه می‌شود، او همیشه سؤال مطرح می‌کند و ایراد می‌گیرد.
- ۵) روایت با یک نشانه داده شده توسط خداوند و یا پیام آورش خاتمه می‌یابد.

خدا چگونه سخن می‌گوید؟

نویسنده ضمن توصیف روایات ایمان قوی خود را ابراز می‌کند. خداست که حیات می‌بخشد او به انتظار کسانی که در غم و اندوه هستند پاسخ می‌دهد و ناگهان قهرمانانی را ظاهر می‌کند که قوم اش به آنها احتیاج دارند، هیچ خللی در این رده قرار نمی‌گیرد چون هیچ چیز برای خدا غیرممکن نیست.

مژده تولد یحیی تعمید دهنده

لوقا روایت مژده تولد را در ابتدای انجیل خود قرار می‌دهد، که کاملاً بر اساس روش فوق نگارش شده است. فرشته خداوند به کاهن پیری که همسرش نازاست ظاهر می‌شود و ترس و وحشت او را برمی‌انگیزد. او تولد یک کودک و نام و رسالت وی را اعلام می‌کند. پدر آینده اشکال می‌گیرد و نشانه‌ای را طلب می‌کند. فرشته خود را معرفی می‌کند: «من جبرائیل هستم» و می‌پذیرد که نشانه‌ای به زکریا بدهد: «کاهن معبد لال خواهد شد».

یک روایت پرمعنا

با خواندن این روایت ما به راحتی متوجه هدف این نوشته می‌شویم. متن از زبان و کنایه‌های عهد عتیق بسیار استفاده کرده است، به خصوص از شخصیت فرشته خداوند به منظور ربط دادن حکایت به روایت مهم قوم خدا که با ابراهیم شروع شده است. و متن یک جو متوقف شده و بنیان‌گذاری محکم را القاء می‌کند، معبد و کارگزارانش دیگر نمی‌توانند ثمره‌ای بدنه زکریای کاهن در مهم ترین لحظه زندگی اش، آموزه‌های داستان مقدس را فراموش کرده بود. او باید ابراهیم و سارا را به یاد می‌آورد و می‌دانست که هیچ چیز غیرممکنی برای خدا وجود ندارد ولی او درخواست نشانه کرد و کلام خداوند را کاملاً باور نکرد. او دیگر هیچ چیز برای گفتن به مردمی که منتظر بودند چیزی بشنوند، نداشت، فرشته خداوند آن را اعلام کرده بود.

مژده تولد عیسی

با مژده تولد عیسی بخش تازه‌ای در داستان قوم خدا آغاز می‌شود. روایت بر اساس یک نمای کلاسیک بیان می‌گردد: آمدن ناگهانی پیام آور، وحشت مریم، اعلام تولد کودک به همراه نام و رسالت وی، سؤالات مریم و نشانه داده شده توسط فرشته. در نگارش این روایت رجوع به عهد عتیق واضح است به نحوی که به موازات روایت قبلی است. ولی تفاوت آن کاملاً آشکار است زیرا مریم شک نمی‌کند. او به راحتی توضیحاتی را طلب می‌کند و ساكت نمی‌ماند. همان موقع که فرشته او را ترک می‌کند با عجله برای گفتن چیزی که کاهن معبد نتوانست بگوید به سمت منزل الیصابات می‌رود. او ستایش خداوند نجات دهنده را می‌سراید.

نشانه داده شده توسط فرشته دو متن را به هم مرتبط می کند، ایصابات حامله است خداوند اولین عهدهش را با قوم خویش فراموش نکرده است. او آخرين و بزرگترین پیامبر خود را می فرسند، پیامبری که حتی قبل از تولدش در برابر آن کسی که عهد جدید را افتتاح می کند از شادی لبریز می شود.

هدف فرشتگان پیام آور

چوپانان همان رفتاری را داشتند که مریم از خود نشان داد. آنها در طول اعلام مژده و ستایش فرشتگان، ساکت بودند ولی بعد از رفتن فرشتگان، این خبر خوش را اعلام کردند و سرود ستایش خداوند را سرازیریدند. نقش فرشتگان پیام آور تولد هم اکنون به اتمام رسیده است. کتب مقدس کامل شده اند. یا آمدن مسیح زمان درود خدا (سلام خدا) فرا رسیده و خبر خوش سرانجام به تمام مردم رسیده است.

اعلام مژده به یوسف

هنگامی که انجیل کودکی مسیح را طبق نوشتۀ متی می خوانیم، با روایتی کاملاً متفاوت با آنچه که لوقا مطرح کرده است مواجه می شویم. مطمئناً نقاط مشترکی وجود دارد مانند: یوسف و مریم، تولد عیسی در بیت الحم، نقش فرشته خداوند. ولی تفاوت ها نیز بسیارند. دو انجیل یک واقعه مشابه را روایت نمی کنند. لوقا مژده به چوپانان و معرفی معبد را مورد توجه قرار می دهد و متی ملاقات مجوسیان و فرار به مصر را.

واساطه های متعدد فرشته خداوند

هر دو انجیل بخش بزرگی از روایت خود را به واساطه فرشته خداوند اختصاص می دهند، که در هر انجیل سه دفعه بوده. در انجیل لوقا سه مژده تولد وجود دارد: مژده به زکریا، به مریم و به چوپانان. در انجیل متی سه خبر به یوسف وجود دارد، اولین خبر، مژده تولد عیسی است، سپس فرشته نزد یوسف می آید تا بگوید که هیرودیس قصد کشتن عیسی را دارد، و سومین خبر، مربوط به مرگ فرمانروای ظالم است.

یک فرشته متنفر از زنان

با کمی تعمق بی می بریم که فرشته خدا که متی ذکر می کند فقط در خطاب با یوسف که نقش راهنمای و مشاور را دارد سخن می گوید. از محبت و لطف این فرشته است که یوسف می تواند

تصمیمی به نفع خانودا خود بگیرد. ولی در مقابل، در انجیل لوقا، فرشته مریم را مورد خطاب قرار می‌دهد اما نظر او را نمی‌پرسید. فرشته انجیل متی آیا از زنان متفرق است؟ چنین سؤالی را بدین صورت پرسیدن گستاخی است و نمی‌توان به آن پاسخ داد. او مارا دعوت می‌کند که از طریق دیگری به دنبال آن بگردیم.

ملاقات فرشته هنگام خواب

خواندن دقیق متن ما را متوجه یک عنصر اصلی می‌کند که تابه حال متوجه آن نشده بودیم. فرشته خداوند فقط در خواب به یوسف ظاهر می‌شود. چنین ظهوری بارها در عهد عتیق مشاهده می‌شود.
– خواب ابی ملک. خدا به او می‌گوید که به زن ابراهیم نزدیک شود که او را مانند خواهر خود معرفی کرده بود (پید ۳:۲۰).

– رؤیای یعقوب در لحظه‌ای که او همراه پسرانش آماده رفتن به اسرائیل است برای ملحق شدن به یوسف. در یک رؤیای شبانه خداوند خطاب به اسرائیل می‌گوید: «ای یعقوب، ای یعقوب» گفت: لبیک. گفت: «من هستم الله، خدای پدرت، از فرود آمدن به مصر نترس، زیرا در آنجا امتن عظیم از تو به وجود خواهم آورد، من با تو به مصر خواهم آمد و من نیز تورا از آنجا البته باز خواهم آورد» (پید ۴:۴۶-۲۴).

– رؤیاهای شبانه سموئیل کوچک در هیکل وقتی که خداوند او را به خدمت خود فرا می‌خواند، (۱- سمو ۳:۱۵). در بعضی از متون مقدس، خداوند می‌تواند با موجود بشری از طریق خواب ارتباط برقرار کند. با چنین روشی خدا ضمن نگه داشتن اسرار خود با بشر صحبت می‌کند و بشر نیز می‌تواند او را بدون اینکه در روشنایی نورش بسوزد، ملاقات کند.

فرشته پیام آور

انجیل متی و لوقا علی‌رغم تضاد ظاهری اشان هر دو واقعه مشابهی را روایت می‌کنند: روایت نجات انسان توسط خدا. هر دو به دنبال پاسخی برای یک سؤال مشترک هستند: «عیسی کیست؟» هر دو نویسنده مطابق دوران خود می‌نویسند و از ابتدای روایت خود، به دنبال این هستند که از زندگی قهرمان روایتشان، یک دید کلی به خواننده خود بدهند. لوقا و متی، هر کدام به روش خود، کلیدهایی برای درک زندگی عیسی به ما می‌دهند. کسی که همان نجات دهنده اسرائیل و نجات دهنده تمام مردم است. فرشته انجیل لوقا، مژده تولد نجات دهنده‌ای را در شهر داود می‌دهد. فرشته انجیل متی، مژده تولد کودکی را می‌دهد که نامش عیسی است و اوست که انسان‌ها را از گناهانشان نجات می‌دهد.

لشکر آسمانی (فرشتگان)

نویسنده‌گان کتب مقدس خدا را

به مانند پادشاهی که توسط لشکر و درباریانش احاطه شده است
معرفی می‌کند.

نویسنده‌گان اناجیل برای ابراز ایمان خود با دستی باز از کلمات تصاویر ذهنی کتاب مقدس اقتباس کرده‌اند. لشکر آسمانی عبارتی است که در تمام بخش‌های کتاب مقدس عبرانی یافت می‌شود.



فرشته‌ای آدم و حوا را بعد از ارتکاب گناه از بهشت اخراج می‌کند (پید ۳: ۲۰-۲۴).

یک فضای شلوغ آسمانی

پیشینیان زمین را به مانند سطحی معرفی می‌کردند که توسط آسمانی‌ها حکومت می‌شده است هم‌چنان که می‌گوید: آسمانی‌ها بسیار زیاد بودند، در آسمان، خورشید، ماه و ستارگان که قابل رؤیت هستند و حرکت می‌کنند، وجود دارند. ولی هم‌چنین حقایق غیرقابل رؤیت دیگری نیز وجود دارند، مانند نیروهای حاکم موجود در طبیعت که در سرنوشت بشردحالت می‌کنند. باید از حمایت آنها مطمئن شد. در سرزمین کنعان آنها را بعل می‌نامند. آنها نامی خاص دارند و هدف نیایش هستند.

خدا چگونه سخن می‌گوید؟

عبادتی محکوم شده

یهودیان در طول تاریخشان اغلب با عبادت بعل و ستارگان در وسوسه بودند. کتاب تثنیه در این مورد قانون می‌گذارد:

«میادا چشمان خود را به سوی آسمان بلند کنی
و آفتاب و ماه و ستارگان و جمیع جنود آسمان را دیده،
فریفته شوی و آنها را سجده کنی (تث ۱۹:۴).»

پیامبران سرزنش می‌کنند که:
«تمامی اوامر یهوه خدای خود را ترک کرده
و بیت‌های ریخته شده یعنی دو گوساله برای خود ساختند
و اشیره را ساخته و تمامی لشکر آسمان سجده کردند
و بعل را عبادت نمودند (۲- پاد ۱۶:۱۷).»

پادشاه حلقیا با توانایی وساطت می‌کند:
« بت‌ها را که پادشاهان یهودا تعیین نموده بودند
تا در مکان‌های بلند شهرهای یهودا و نواحی اورشلیم بخور بسوازاند
و آنانی را که برای بعل و آفتاب و ماه
و بروج و تمامی لشکر آسمان بخور می‌سوزانیدند،
معزول کرد (از بین برد). (۲- پاد ۲۳:۵).»

دربار خدا

نویسنده‌گان کتب مقدس هنگامی که امکان اشتباه برداشت کردن وجود نداشته باشد، از اصطلاح لشکر آسمانی برای اشاره به مقدسین الهی بهره می‌گیرند. برای بیان عظمت خدا، او را مانند پادشاهی که در نهایت شکوه و جلال خود توسط دربار عظیمش و لشکر با ابهت اش احاطه شده اراده خوبیش را در زمین و آسمان به انجام می‌رساند، معرفی می‌کنند. در یک متن قدیمی یوشع سردار این لشکر را ملاقات می‌کند:

«و واقع شد چون یوشع نزد اریحا بود
که چشمان خود را بالا آندخته،
دید که اینک مردی با شمشیر برخنه در دست خود پیش وی ایستاده بود
و یوشع نزد وی آمده به او گفت:
آیا تو از ما هستی یا از دشمنان ما؟
«گفت: نه، بلکه من سردار لشکر خداوند هستم که الان آمدم
پس یوشع روی به زمین افتاده و سجده کرده و به وی گفت:
آقاییم به بنده خود چه می‌گوید؟»

سردار لشکر خداوند به یوش گفت:

«علیین خود را از پایت بیرون کن زیرا جایی که تو ایستاده ای مقدس است»
و یوش چنین کرد (یوش ۱۳:۵-۱۵).

دلائل متعددی وجود دارد که بتوان گفت خداوند همراه قومش است و در تاریخ قوم خود مداخله می کند. با وجود این یکی از روش های متناول، مهم جلو دادن امتیاز صلح جو و صلح طلب بودن این لشکر است. نقش اصلی این لشکر، فراهم کردن گروهی برای نیایش آسمانی است.

- خداوند تخت خود را بر آسمان ها استوار نموده
و سلطنت او بر همه مسلط است
خداوند را متبار ک خوانید ای فرشتگان او
که در قوت زور آورید و کلام او را به جا می آورید
و آواز کلام او را گوش می گیرید!
ای جمیع لشکرهای او خداوند را متبار ک خوانید!
و ای خادمان او که اراده او را بجا می آورید!
ای همه کارهای خداوند او را متبار ک خوانید!
در همه مکان های سلطنت او.
ای جان من خداوند را متبار ک بخوان!» (مز ۱۰۳:۱۹-۲۲).

- هللویاه!
خداوند را از آسمان تسپیح بخوانید!
در اعلی علیین او را تسپیح بخوانید!
ای همه فرشتگانش او را تسپیح بخوانید.
ای همه لشکرهای او، او را تسپیح بخوانید.
ای آفتاب و ماه او را تسپیح بخوانید.
ای همه ستارگان نور او را تسپیح بخوانید.
ای فلک الافلاک او را تسپیح بخوانید
و ای آبهایی که فوق آسمان هایید نام خداوند را تسپیح بخوانید
زیرا که او امر فرمود پس آفریده شدند» (مز ۵:۱-۱۴۸).

در اینجا خطر اشتباه وجود ندارد. الوهیتی وجود ندارد که بتوان آن را با خدای آسمان اشتباه گرفت. تمام آنچه که در دنیا، روی زمین و آسمان وجود دارد، مخلوق خداست.

شرکای حکومت خدا

در سایر کتب مقدس، می توان ایده ها و تصاویر ذهنی مشترکی در مورد لشکر آسمانی یافت. در کتاب ایوب: ما می یابیم که پسران خدا را که در حضور خداوند حاضر می شوند. در میان آنها رقیب

وجود دارد. که خدا به صدای او گوش می‌دهد (ایوب ۱). در همین کتاب پسران خدا با ستاره‌های صبح شریک می‌شوند تا شکوه خداوند خالق را بسرایند.
 «پایه‌هایش بر چه چیز گذاشته شد؟ و کیست که سنگ زاویه اش را نهاد هنگامی که ستارگان صبح با هم ترنم نمودند و جمیع پسران خدا آواز شادمانی دادند؟ (ایوب ۳۸:۷-۶).

در نهایت، چگونه می‌توان مأموریت اشعیا را به یاد نیاورد که همراه کرو بیان آواز می‌سرایند:
 «قدوس، قدوس، قدوس یهوه صبایوت، تمامی زمین از جلال او مملو است» (اش ۶:۴). هم چنین مکافه حرقیال نبی را.

تمام این متن‌ها به شیوه‌خود عظمت و زیبایی خداوند را بیان می‌کنند. در لفاف شکل شاعرانه، به کسی اشاره می‌کنند که بی نهایت فراتر از ماست، کسی که غیرقابل توصیف است ولی با این وجود با انسان‌ها ارتباط برقرار می‌کند. لوقا با آشکار کردن لشکر آسمانی به ما می‌گوید که آسمان‌ها باز است و زمین و آسمان متحد شده‌اند و ما دعوت شده‌ایم به شریک شدن در عبادت خداوند امروز و فردا.



رُؤيَايِي بِعَذَاب
مینیاتور کتاب نیایش پادشاه لوییس، قرن ۱۳

فرشته خداوند

فرشته خداوند در تعداد زیادی از متون عهد عتیق کتاب مقدس هم وجود دارند
همان طور که در عهد جدید نیز وجود دارند
او بیشتر از سایر فرشتگان نزدیک تر به خدا هست
و اغلب اوقات با او یکی می شوند.

فرشته خداوند در تعداد زیادی از کتب مقدس، به ویژه در عهد عتیق و اساساً در روایات به تصویر در آمده است. در مزامیر بسیار کم حضور دارد و کتب حکمت اصلاً هیچ توجهی به فرشته نمی کند. فرشته خداوند یک نام خاص نیست ولی نقشی را داراست. نقش اصلی آن محکم کردن ارتباط میان خداوند و شخصیت‌های اصلی داستان مقدس است.

فرشته نجات او

هنگامی که نظری به کتاب مقدس می اندازیم برای مشاهده ظهورهای فرشته خداوند از گوناگونی و شهرت افرادی که فرشته به آنها ظاهر شده متعجب می شویم. فرشته برای بار نخست در زمان ابراهیم ظاهر می شود. فرشته دوبار به نفع هاجر، کنیز سارا، و برای دفاع از او در برابر خشم سارا وساطت می کند. ولی ظهور مهم تر او، ظهورش در صحنه معروف قربانی اسحاق است (پید ۲۲). فرشته خداوند نزد ابراهیم که آماده قربانی کردن پسرش است، می آید تا او را از این کار باز دارد. کار مشکلی است که در این روایت میان فرشته خداوند و خود خداوند تقاضت را تشخیص دهیم.

در کتاب خروج فرشته خداوند به موسی ظاهر می شود:

- فرشته خداوند در شعله آتش از میان بوته ای بر وی ظاهر شد

و چون او نگریست، اینک آن بوته به آتش مشتعل است اما سوخته نمی شود و موسی گفت: «اکنون بدان طرف شوم،

و این امر غریب را ببینم که بوته چرا نمی سوزد»

و چون خداوند دید که برای دیدن مایل بدان سو می شود،

خدا از میان بوته به وی ندا در داد و گفت:

«ای موسی! گفت: «لبیک». (پید ۳:۲-۴).

ما بار دیگر فرشته خداوند را در واقعه جالب بلعام و الاغش مشاهده می کنیم. الاغی که از اربابش هوشمندتر است. فرشته او را در راه می بیند (اعداد ۲۲) و از او اطاعت می کند، در حالی که صاحبش قصد دارد اسرائیل را لعنت کند.

در کتاب داوران فرشته به دفعات برای دادن کلام به انسان ها مداخله می کند. مانند جدعون یکی از انبیای بنی اسرائیل (داور ۶). فرشته در سرود مذهبی دبوره نیز دیده می شود (داور ۵:۲۳). او همچنین مژده تولد شمشون را می دهد (داور ۱۳).

فرشته نزد ایلیانیز می‌آید تا در مقابل ایزابل از او حمایت کند و به او آذوقه می‌دهد برای اینکه بتواند ۴۰ روز تا کوه خداوند، حوریب، برود (۱۷:۱۹-پاد). در کتاب دانیال او نزد پیامبر در کوه نازل می‌شود (دان ۳:۴۹ یونانی). در حمایتش از پاکدامنی سوسن، دانیال فرشته خداوند را مانند یک دادگستر (حامی ضعفا) معرفی می‌کند که شمشیرش را برای به دو نیم کردن شاهدان دروغین بیرون می‌کشد (دان ۱۳:۵۵ و ۵۹، متن یونانی).

فرشته ویرانگر

در برخی از متون، فرشته خداوند یک جنگجو هولناک است. در هنگام حکومت اورشلیم فرشته خداوند با توانایی تمام بر ضد سنحاریب مداخله می‌کند و صد و هشتاد و پنج هزار نفر از لشکریان او را می‌کشد. سنحاریب فوراً فرار می‌کند و به شهر خود نینوا برمی‌گردد. تاریخ نویسان، مانند هرودوت، می‌گویند که علت شکست لشکر آشور، وجود موش‌های ناقل طاعون بود. احتمال دارد رویدادهایی اتفاق افتاده باشد ولی چنین رویدادی برای اسرائیل رخ نداده است (۲-پاد ۱۹:۳۵؛ ۳۶:۳۷). در این رویدادها دست خداوند دیده می‌شود که توسط فرشته اش مبارزه می‌کند.

فرشته هم چنین می‌تواند قوم را تحت تأثیر خودش قرار دهد. مانند زمان سرشماری که توسط داود دستور داده شده، کتاب تواریخ از فرشته ویرانگری صحبت می‌کند که در تمام کشور بیداد می‌کرد (۱-توا ۲۱).

سخنی در مورد خداوند

این روایات چگونه درک می‌شوند؟ مسلماً آنها به دنبال بازگو کردن رویدادهای دقیق در جریان تاریخی شان نیستند. راویان کتاب مقدس نمی‌خواهند در سطح ظاهر رویدادها باقی بمانند بلکه آنها به دنبال استخراج مفهوم هستند. ممکن است موش‌ها باعث فرار سنحاریب شده بودند ولی این توجیه نهایی نیست. بنی اسرائیل در این رویدادها دست خدا را می‌بینند. خداوند با قومش عهد می‌بندد و وقتی زندگی قومش در خطر است دخالت می‌کند.

در عین حال توصیف روایت به این صورت خطیری در پی دارد. برخی الهی دانان اسرائیل متوجه شده‌اند که در دسترس قرار دادن عظمت خداوند ریسک کردن است. شایسته نیست که خداوند را مانند یک جنگجو وحشی که تشنه خون است معرفی کنیم. به او ویژگی‌های بیشتر شبیه به بشر نسبت می‌دهند صحبت کردن از فرشته خداوند یکی از روش‌های حفظ کردن عظمت خداست. این نکته برای تمام متون بالا قابل قبول است. ولی راوی توسط فرشته خداوند از خود خداوند صحبت می‌کند به خاطر این است که او در تمام دنیا عمل می‌کند. فرشته خداوند نمونه‌ای از ظاهر قابل رؤیت خداوند غیرقابل رؤیت است.

ناپدید شدن فرشته خداوند

در عهد جدید تصویر فرشته خداوند به تدریج محو می‌شود. به استثنای روایات کودکی عیسی همه چیز از خاطرات عهد عتیق احاطه شده است، ما باز هم رؤیای فرشته خداوند را در بخش اول کتاب اعمال رسولان مشاهده می‌کنیم، قسمتی که در بین بیهودیان اتفاق می‌افتد. در لحظه‌ای که پولس وارد صحنه می‌شود و خبر خوش به مشرکین داده می‌شود دیگر جایی برای نشان دادن فرشته خداوند وجود ندارد. این زبان دیگر قابل درک نیست.

اجتماع مسیحیان روش خوبی برای صحبت از راز خدا پیدا کرده‌اند. راز در عین حال هم خارق العاد و هم نزدیک به بشر است. آنها دیگر از ظهور زودگذر و ناپایدار فرشته خداوند در داستان بشریت صحبت نمی‌کنند بلکه از کلمه خدا که آمد تا در بین ما زیست کند.

فرشتگان مقرب جبرائیل، میکائیل و رافائل

داشتن نام یک نفر درجهٔ مقدماتی شناخت اوست
آیا می‌توانیم بگوییم که فرشته‌ها را می‌شناسیم؟
کتاب مقدس تنها نام سه تا از این فرشته‌ها را ذکر کرده است.
که فرشتگان مقرب هستند.

- اگر از یک مسیحی بخواهیم فرشته‌ای را نام ببرد، او بی اختیار ابتدا نام جبرائیل را ذکر می‌کند چون او مشهورترین است، جبرائیل است که در انجیل ظاهر می‌گردد و در روایات محبوب کودکی عیسی نیز یافت می‌شود اما با این وجود از موجودی که معمولاً کتاب مقدس ذکر می‌کند دور است که بر اساس آن بتوانیم اطلاعات بیشتری به دست آوریم.

میکائیل

در عهد عتیق نام میشل یا میکائیل فقط در کتاب دانیال ظاهر می‌شود. میشل یعنی: «کسی که شبیه خداست». در آخر کلمه نام الهی (الله) را می‌یابیم که در پایان بسیاری از نام‌های کتاب مقدس وجود دارد. این یک یادآوری خوب ایست که در آن اثری از نام الله را حفظ کنیم. از سوی دیگر می‌دانیم که یک نام در کتاب مقدس، شخصیت مشخص و نقش او را در زندگی توضیح می‌دهد. میشل یک استثناء نیست. در اولین اشاره به او، در کتاب دانیال، باب ۱۰ آیه ۱۳، او همانند «یکی از رؤسای ردیف اول» معرفی می‌شود. کمی بعد در این همین باب در آیه ۲۱: فرد اسرار آمیزی که با دانیال صحبت می‌کند او (میکائیل) را «رئیس شما» می‌نامد. از آنجایی که این کلام مربوط به وحی الهی



میکائیل فرشته‌ای که مدافع قوم برگزیده بود

است، متوجه می‌شویم که میکائیل رئیس ردیف اول در دربار خداوند است - زبان این متن شرقی و شاهانه است - و هم چنین متوجه می‌شویم که او رئیس خاص ملت دانیال و بنابراین قوم اسرائیل است. در زمان عذاب مصیبت بار که دانیال از آن به صورت رمز صحبت می‌کند، میکائیل نماد راستی و تنها قدرت توانا در حمایت از قوم خداست. او بر ضد رؤسای زمینی که قوم را هدف قرار می‌دادند به یاری قوم می‌آید. نام «کسی که مانند خداست»، خداوند یکتارا به یاد می‌آورد که قومی وفادار است. او مانند خداوند نزد پسران قوم که هم چنین ملت دانیال هستند حضور دارد. (دان ۱:۱۲).

در عهد جدید

در دو قسمت از عهد جدید، دوباره به میکائیل اشاره می‌شود. مکافه از میکائیل صحبت می‌کند، در جایی که جنگی در آسمان رخ می‌دهد. مانند کتاب دانیال، این جنگ رویدادهای زمین را نشان می‌دهد که نمی‌توان با عبارات روشی آن را بیان نمود، میکائیل و فرشتگانش بر ضد اژدها می‌جنگند که مسلماً به روی زمین می‌افتد (مکا ۸-۷:۱۲).

این جنگ به بسیاری از مسیحیان الهام بخشیده و از همه قسمت‌های آن تصویر اطمینان بخش دیده می‌شود. متن دیگری که زیاد معروف نیست رسالت یهودا می‌باشد که توضیح می‌دهد که میکائیل یکی از ملائک مقرب است و او را به خاطر احترامش مثال می‌زند حتی در برابر شیطان، چون او قضاوت را بر عهده خداوند گذاشت (یهودا ۹:۱).

رافائل

رافائيل تنها با کتاب طوبیاس برای ما شناخته شده است ولی نقش او در این روایت بسیار بزرگ است. نامش ۱۴ بار ذکر شده، البته به جز موقوعی که نامش آزمیا به مفهوم نام یک مرد ذکر شده است. کلمه رافائيل به مفهوم (خدا شفا می‌دهد) است. و این نام تمام داستان کتاب طوبیاس را

خلاصه می‌کند. رافائل در پاسخ به دعای دو وفادار از دو کشور مختلف به خداوند که به طور ناعادلانه بیمار شده‌اند روی زمین فرستاده می‌شود.

یکی از هفت فرشته

طوبیاس، نمونه‌ای از یک دادگر ناخوش احوال است. او همیشه دارایی اش را با فقر تقسیم کرده و در حالی که تابیتا شده بود خطر دفن کردن محترمانه مرده‌های قوم خویش را که در تبعید به سر می‌بردند، به جان می‌خریده است. سارا، دختری که هفت بار ازدواج کرده ولی هر بار شوهر قبل از اینکه به او نزدیک شود، می‌میرد. سارا و طوبیاس مورد تمسخر اطرافیان خود قرار می‌گیرند و به سوی خداوند بازمی‌گردند. دعای آنها در حضور خدا شنیده می‌شود. رافائل به مانند نشانه‌ای فرستاده شده تا دعای آنها اجابت شود. او با طوبیاس تنها پسر طوبیت برای سفر به سرزمین ماد همراه می‌شود. او با امیدواری و با موقفیت این سفر آخرتی را به انعام رساند. به لطف او مسیر درست بود و هدف به آسانی به دست آمد. او قلب و کبد و زردادب ماهی خطرناک را به دارویی تبدیل می‌کند که می‌سوزد و دود آن شیطان را که نامزدهای سارا را به کام مرگ می‌کشانید، متواری می‌گرداند. کینه به خدمت در می‌آید تا شفای چشمان طوبیاس باشد. رافائل پولی را که توسط طوبیاس نزد یکی از برادران جبعیل به ودیعه گذاشته شده است، پس می‌گیرد. طوبیاس با سارا ازدواج می‌کند. بازگشت بدون هیچ ماجرایی انجام می‌شود. مانند یک داستان همه چیز به خوبی تمام می‌شود. در لحظه‌ای که او حقوقش را دریافت می‌کند رافائل چهره از راز خود برمی‌دارد و خود را معرفی می‌کند: «من رافائل هستم، یکی از هفت فرشته‌ای که در برابر شکوه خدا خود را حفظ می‌کند و در حضور او وارد می‌شو». سنت و متون جعلی از او یک ملک مقرب می‌سازند. در ایمان مردمی، او به نوعی فرشته نگهبان تبدیل شده است که هدایت می‌کند، راهنمایی می‌کند، خطرها را دور می‌گرداند و تمامی دردهای زندگی را شفا می‌بخشد و خوشبختی را پاس می‌دارد.

جبرائیل

اولین بار در کتاب دانیال نبی از جبرائیل نام برده می‌شود، مانند «میکائیل»، او تحت عنوان «مرد خدا» یا «خدا خود را قوی تر نشان داده» ظاهر می‌شود. او را در نقش یک مجری در دو قسمت از کتاب دانیال می‌یابیم. هر بار، دانیال در مقابل یک راز (معما) ناخوشایند قرار دارد. ابتدا رؤیای عجیب قوچ و بز است که بر او ظاهر می‌شود و دگرگونی‌هایی که عقل سلیم او را قادر به انجام آنها، نمی‌داند (دان ۸). دانیال در جستجوی درک رؤیاست. اکنون او می‌گوید. «شبیه مردی نزد من ایستاد «صدائی ندا کرده گفت: «ای جبرائیل این مرد را از معنی این رؤیا مطلع ساز». و جبرائیل رخدادی که قبل از رسیدن زمان آخر باید اتفاق بیافتد را توضیح می‌دهد. دومین وساطت جبرائیل مانند همین دستور است. دانیال، مأیوسانه در مورد کلام ارمیا که مربوط می‌شود به هفتاد سالی که

خرابی اورشلیم طول کشید و بندگی اسرائیل، از جبرائیل سؤال می‌کند (ار ۱۲:۲۵-۱۱:۲۵). او دعا می‌کند، در حالی که به گناهان خود و قومش اعتراف کرده و به خاطر «کوه مقدس خداوند» استغاثه می‌کند.

بار دیگر جبرائیل برای آگاه کردن او می‌آید. این وحی، وحی است در مورد هفتاد سالی که قبل از پایان دنیا جربان دارد. وحی با یک ابهام بزرگ که به خوبی به تصورات نسبت داده است، پایان می‌یابد.

لوقا در مژدهٔ تولد یحیی تعمید دهنده و عیسی، جایی که از جبرائیل صحبت می‌کند او را بیشتر مانند یک پیام آور معرفی می‌کند تا یک اجرا کننده. این صورت پیام آور است که مسیحیان به یاد می‌آورند. ولی لوقا ظاهراً متون دانیال را می‌شناسد و بر حسب اتفاق نیست که او جبرائیل فرشته را در روایت خویش دخالت می‌دهد.

فرشتگان مقرب

کلمهٔ ملک مقرب به سه دستهٔ فرشتگان اطلاق می‌شود. میکائیل در رسالهٔ یهودا سر دستهٔ فرشتگان و در متون دیگر کتاب مقدس پادشاه خوانده می‌شود. ملک مقرب در صحنهٔ داوری الهی، در مبارزه‌هایی که عادلان بر علیه کافران انجام می‌دهند، به یاری عادلان می‌آید و در برقراری دوباره خوشبختی بعد از بد بختی، رستاخیز مردگان و هنگام آمدن عیسی به عنوان نجات دهنده ظاهر می‌شود.

در میان دسته‌های مختلف فرشتگان، تنها آنها نام‌های مخصوص دارند. کتاب مقدس سه تا از آنها را می‌شناسد: میکائیل، رافائل، جبرائیل. متون دیگر از سنت یهودی، مانند کتاب خنوح، و چهارمین کتاب عزرا. آنها را چهار، شش یا هفت نفر می‌نامند. می‌دانیم که عدد هفت عددی نمادین است.. علاوه بر میکائیل، رافائيل و جبرائیل در متون دیگر که جزء متون کتاب مقدس نیستند، و در لیست‌های گوناگون، نام‌های فنوئیل، اوریل، سلاطیل، رگائیل، سرئیل، بارشیل، ژادیل یافت می‌شوند. تمام این نام‌ها به الله برمی‌گردند. به عبارت دیگر یک ملک مقرب به گونه‌ای نائب خداوند است.

جالب توجه می‌باشد که در متون عهد عتیق، ملائک مقرب و همچنین فرشتگان در موقع سختی و مشکلات دخالت می‌کنند، و امروزه نیز ظاهراً چنین حالتی نیز مشاهده می‌شود، بدین معنی که زمانی که خدا ظاهراً دور از زندگی شده است. به فرشتگان احتیاج داریم تا ترس و واهمه را از خود دور نماییم.

جبرائیل فرشته کلام خداوند

قرائتی از کتاب دانیال ۹: ۲۰-۲۵

«و چون من هنوز سخن می‌گفتم و دعا می‌نمودم
و به گناهان خود و گناهان قوم خویش، اسرائیل، اعتراف می‌کردم
و تضرعات خود را برای کوه مقدس خدایم
به حضور یهوه خدای خویش معروض می‌داشم»

کسی که صحبت می‌کند دانیال است. او متحمل رنجی بزرگ است، در برابر موقعیت کشورش که در آن یک فرمانروای بیگانه می‌خواهد به زور قوانین و پرستش آنچه را که برخلاف خداست تحمیل کند. او در تلاش به منظور درک اتفاقات و کسب امید، به متنی از کتاب ارمیا رجوع می‌کند که گناه خود و قومش و دور شدن از خدا را افشاء می‌کند، که اینها دلیل بدختی حاضر است. او گناه خود و قومش را در حضور خدا به یاد می‌آورد و در خواست بخشش کرده التماس می‌کند تا معبد «کوه مقدس» به مقصد اولیه خود تبدیل شود.

«چون هنوز در دعا متکلم می‌بودم
آن مرد جبرائیل که او را در رؤیای اول دیده بودم
به سرعت پرواز نموده به وقت هدیه شام نزد من رسید».

در قسمت قبلی، جبرائیل مانند «یک صورت انسانی» توصیف شده. در اینجا سؤال «این انسان» مد نظر است ولی بلاfaciale بعد، کلمه «با یک پرواز سریع» نشان می‌دهد که موضوع در مورد یک انسان معمولی نیست. ما می‌بینیم که نویسنده کتاب برای بیان صحبتیش تحت فشار است و او برای دوری کردن از اشتباهات در مورد شخصیت وی، احتیاط می‌کند. دو مفهوم با معنابیان می‌شود: جبرائیل «نزدیک می‌شود» به دانیال که در حال دعاست و از طرف دیگر ساعت عبادی معبد بوده است و ساعتی که در آن هر روزه برهای به یاد اولین عید گذر تقدیم می‌گردد.

«مرا اعلام نمود و با من متکلم شده گفت:
ای دانیال الان من بیرون آمده ام
تا تو را فطانت و فهم بخشم
و در ابتدای تضرعات تو امر صادر گردید
و من آمدم تا تو را خبر دهم
زیرا که تو بسیار محبوب هستی
پس در این کلام تأمل کن و رؤیا را فهم نما».

جبرائیل از جایی دیگر می‌آید او بیرون آمده. مکانی که او از آنجا آمده مشخص نیست ولی مسلماً مربوط به دنیای الهی است. او آمده تا به دانیال که در حال دعاست بگوید که دعايش مستجاب شده. هم‌چنين او باید بداند که این رسالت جبرائیل است که اورا مطلع سازد و برای اینکه خبر

بیهوده نباشد، جبرائیل وظیفه «فطانت و فهم بخشیدن» را به بشر و در حال حاضر به دانیال، بر عهده می‌گیرد. این امتیاز از لیاقت‌های دانیال ناشی نمی‌شود بلکه به خاطر این است که «او انسان محبوب» در نزد خداست.

«هفتاد هفته برای قوم تو و برای شهر مقدس مقرر می‌باشد
تا تقصیرهای آنها تمام شود و گناهان آنها به انجام رسید
و کفاره به جهت عصیان کرده شود
و عدالت جاودانی آورده شود
و رؤیا و نبوت مختوم گردد
و قدس القداس مسح شود، پس بدان و بفهم». .

کلام ارمیا ۱۱:۲۵-۱۴ که بر اساس آن دانیال بحث اش را انجام می‌دهد، عددی را مطرح می‌کند برای «سال‌هایی که باید اورشلیم متتحمل ویرانی شود، هفتاد سال». دانیال سؤال مطرح نمی‌کند چون کاملاً واضح است که هفتاد سال عددی نمادین است. هفتاد سال امتیازی نیست که از متن گرفته شده باشد. هفت به مفهوم تکمیل و کمال است و هفته مجموع زمان آنچه که بالاخره دوباره شروع می‌شود. این نماد بی‌شك از سال قمری گرفته شده است. در کتاب مقدس، هفت مرتبه هفت سال زمانی است در مفهومی که معروف است به سال شادی. پنجاه‌مین سال بنا بر این زمانی است که در آن به دلیل محبت خدا، زندانی، برده و مقروض تبرئه می‌شود. ده هم چنین «ده» نماد مجموع و معمولاً مجموع حرکتی است. ۷۰ سال یا ۴۸۰ نشانگر یک دوره داوری کامل و کافی توسط خداوند است. در پایان، دردها خواهد رسید، نابودی قدرت‌های بد و پیروزی بر بت پرستی. مقدس ترین مقدسات، معبد، از وجود بت‌ها پاک خواهد شد و به خدمت خداوند در خواهد آمد.



شمایل ارمنی سه جوان در کوره آتش. حمایت فرشته (دان:۳-۲۴:۲۵)

این عبارت از لحاظ تاریخی، تصرف دوباره و پاکی معبد اورشلیم را در ۱۶۴ سال قبل از میلاد مسیح مد نظر دارد. به طور گسترده‌تر، در اینجا خبری یافته می‌شود که هیچ غم و غصه‌ای پایدار نیست و خداوند حاکم بر زمان است: این اساس امیدواری است.

جبرائیل به طور رسمی فرستاده شده تا این پیام را برای دانیال و برادرانش که در بد بختی هستند بیاورد. او یک قلب آماده می‌یابد، قلبی که آماده است تا او را آگاه سازد و او نیز قادر به درک آن است.

از زمان صدور فرمان به جهت تعمیر نمودن و بنا کردن اورشلیم تا (ظهور) مسیح پادشاه، هفت هفته و شصت و دو هفته خواهد بود».

رواج فرشتگان

فرشتگان و اهربیان شاید از زمان به وجود آمدن کتاب مقدس وجود داشتند ولی نویسنده‌گان یهودی با یک تداوم مشترک به آنها نپرداخته‌اند. در نهایت، تاریخ نویس رواج آنها در دنیای یهود در سه قرن قبل از میلاد مسیح را اعلام می‌کند.

در کتب مقدسی که قبل از تبعید نوشته شده، فرشتگان جای کمی را به خود اختصاص داده‌اند. در اینجا بیشتر حضور فرعی فرشته خداوند مشاهده می‌شود. بعد از بازگشت از تبعید، مفهوم کاربرد فرشته‌ها نزد یهودیان عوض شد. سادگی دوران انبیاء دیگر رواج نداشت. برتری مسلم فرشته یهود نیز تمام شده بود. دید یهودیان تغییر یافته و دنیای ذهن آنها از فرشتگان و اهربیان پرشده بود. بیشتر نویسنده‌گان کتب مقدس در یک بعد محدود به دخالت فرشته در زندگی بشر متول می‌شدند. چهره‌های مشهوری که کلام خدارا برای مردم می‌آوردند پیامبران بودند. هنگامی که اهمیت کلام خدا روی وظیفه‌ای که بر عهده گرفته شده، توسط انسان‌هایی با امیدواری، شجاعت و آگاهی از تمام آنچه که شرایط انسانی اجازه انجام آن را می‌دهد، متمرکز می‌شود، احتیاجی به فرشته‌ها نیست. این انسان‌ها پیام خدارا با اعمالشان مطرح می‌کنند. ولی بر اساس کلام کتاب مقدس، بعد از تبعید، پیامبران کشته شدند، مانند شعله‌ای که دیگر روشن نیست.

مبارزه جهانی مابین فرشته‌ها و شیاطین:

در حدود قرن ۳ یا ۴ قبل از عیسی مسیح، یهودیان با ایمان به فرشتگان از تبعید در بابل بازگشتند. دنیای مذهبی بابلی ها سرشار از چهره‌های فرشتگان گوناگون شد. هفت فرشته در کتاب طوبیاس (۱۵:۱۲) که بار دیگر در کتاب مکاشفه (۸:۲) به آنها توجه شده، که معادل خودشان را در دنیای مذهبی پارسیان دارا هستند.

این فرشته‌ها فقط در کتب مقدس حضور ندارند، بلکه حتی بیشتر در ادبیاتی حضور دارند که مربوط به شریعت نیست و ربی‌ها آن را رد می‌کنند، و نیز در متونی که جعلی نامیده می‌شوند. به ویژه در کپی از این شاخه‌ها جریان مکاشفه و فرشته‌ها و شیاطین متعلق به سیستم آنهاست که بر اساس سلسله مراتب بازسازی شده بر اساس نقشی مشخص (مخصوصاً در کتاب خنوخ) آنها عمولاً در جنگ‌های کیهانی رو در رو می‌شوند، با این تصور که آنها در فرهنگ پارسیان حضور دارند، جایی که در آن در موضوعات مربوط به دین مانی در دو جنبه گسترش پیدا کرده‌اند، جنبه نیکی از یک طرف و جنبه بدی و شر از طرف دیگر. می‌توان گفت که آنها در خدمت معرفی دوگانه‌ای از دنیا هستند، دنیایی که توسط نیروهای خوب حمایت می‌شود و دنیایی که توسط نیروهای شر حمایت می‌شود. هم چنین خاطره این مبارزه را در کتاب زکریا می‌یابیم، جایی که فرشته خداوند در مقابل شیطان قرار می‌گیرد: «یهوشع رئیس کهنه را به من نشان داد که به حضور فرشته خداوند ایستاده بود و شیطان به دست راست وی ایستاده بود تا با او مخاصمه نماید» (زک ۱:۳).



نقاشی روی گنبد کلیسای ناصره، قرن ۲۰
پذیرائی ابراهیم از سه فرشته که نشانگر راز سه گانه مقدس می‌باشد.

خدای یکتا خالق بدی نیست

هرچند یهودیان با بدینختی‌های تبعید و مشکلات بازسازی، بیشتر از شدت و ثبات و دوام بدی آگاه شدند اما آنها بی اختیار قسمت‌هایی را که مخالف عقاید پارسیان بود پذیرفتند. اسرائیل، سرزمین خداوند، نمی‌توانست قبول کند که دنیا میان خدای نیکی و بدی به دو نیم شده که هر کدام دارای لشکری از فرشته‌های خوب و بد هستند. این طرز فکر واقعاً غیرقابل قبول بود. بنابراین اسرائیل با این سؤال مواجه می‌شود: چگونه می‌توان حقیقت وجود بدی را پذیرفت بدون آنکه خداوند یکتا را مسبب آن دانست؟

به تدریج در ذهن یهودیان جا افتاد که خداوند زمینه ظهور مسیح را آماده ساخت تا او بدی را بر روی دوش خود گیرد. چون خداوند نتوانست موجود دیگری را بدین منظور بپذیرد. برای همین است که فرشتگان اهربی‌منی در کتاب مقدس تنها قسمتی ناچیز به خود اختصاص داده‌اند.

یک هویت مخدوش

برای درک بهتر این ازدیاد فرشته‌ها، نگاهی به جامعه یهودی این دوران بسیار توضیح دهنده است. زمان مشکلات است. تمام تصاویر هویتی یهودیان مخدوش گردیده است.

در مراجعت از تبعید، پراکندگی که تمام فرزندان اسرائیل را تحت تأثیر قرار داده مد نظر قرار گرفت. درک غلط، هم میان کسانی که در سرزمین باقی مانده‌اند و هم کسانی که از تبعید برミ گشتد جای گرفت.

معمولًاً واعظان و متکران علی رغم آزمایشات و رنج‌ها در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند. بعضی از خانواده‌ها در بابل مانندند و برخی دیگر به مصر رفتند. پراکندگی یهود به یک واقعیت تبدیل شد و هویت یهودیت را به مخاطره انداخت: ما چه کسانی هستیم اگر تنها یک سرزمین دیگر ما را در خود جای ندهد؟ از طرف دیگر، سرزمین اسرائیل از سال ۳۳۳ تا ۱۴۲ قبل از میلاد مسیح در دست یونانیان، جانشینان اسکندر، بود.

آنها با خود یک فرهنگ گمراه کننده برای یهودیان به ارمغان آوردند که موجب ایجاد دو دستگی در جامعه یهود شد. آیا آنها باید رسوم یونانیان را پیروی می‌کردند و یا آن را رد می‌کردند؟ تمام این اختلافات یک جو ناامنی بزرگی ایجاد کرد که در رفتارهای مذهبی نیز ظاهر شد.

درخواست کمک

هم چنین وقتی روند مسائل پیجیده می‌گردد درک کلام خداوند برای بسیاری مشکل می‌شود. تشخیص قدرت‌های مشکل‌ساز دشوار می‌شود. آنها کلام و اعمال را مختلط می‌کنند، انسان‌ها سکوت می‌کنند، فرشتگان از راه می‌رسند. آیا باید به بیهودگی و عیث بودن وجود فرشتگان نظر داد؟ پاسخ ساده نیست. اما در اینجا دو موضوع مطرح می‌شود:

اناجیل کلید استفاده درست را به ما می‌دهند فرشتگان تنها یک مکان نسبی را در اناجیل کودکی و سپس در نزد مقبرهٔ خالی به خود اختصاص داده‌اند. آنها شاگردان عیسی را احاطه می‌کنند، زیرا

کلمات انجیل نویس برای آنکه آمدن خدا در دنیا و حضور ابدی او در رستاخیز را اعلام کنند، ضعیف هستند.

در درجه دوم، اگر انسان‌های قرون بعد از تبعید به فرشتگان و اهربینان مراجعه می‌کنند، این بر اساس یک انتخاب سنجیده نیست. شاید این تنها صورت در دسترس است تا آنها بتوانند سراسیمگی خود را در برابر دنیا بیایی که دیگر باورشان نمی‌کند، اعلام کنند. در اینجا در مورد این نکته با مطرح کردن سؤال زیر ریسک می‌کنیم: مراجعه بیش از حد به فرشتگان و اهربینان آیا یک درخواست مساعدت نیست؟ روی هم رفت، هر چه قدر که تعداد فرشته‌ها بیشتر باشد، بیشتر و سریع‌تر به کمک انسان‌ها خواهد آمد.

می‌توان در کتاب مقدس انواع مختلف فرشتگان را که نقش‌های متفاوت دارند را تشخیص داد نمونه‌ای چند از این فرشته‌ها: (فرشتگان اصلی و فرشتگان فرعی).

فرشتۀ یهوه: در برخی از متون، این اصطلاح به خود خداوند اشاره دارد و بدین منظور آورده شد که از به کار بردن نام خداوند جلوگیری کند (پید ۷:۱۶ و خروج ۲:۳ و در متون دیگر، فرشتۀ خداوند مانند یک عمل کننده تصمیمات الهی ظاهر می‌شود (۱- پاد ۳۵:۱۹) کسی که او را به یک ویرانگر ربط می‌دهد (خرج ۲۳:۱۲؛ ۲- سمو ۲۴:۱۶؛ اع ۲۳:۱۲).

فرشتگان شبگرد: یا «فرشتگان نگهبان» همان‌طور که کتاب مزامیر توضیح می‌دهد نقش نگهداری از مردم را دارند «فرشتگان خود را درباره تو امر خواهد فرمود تا در تمامی راه‌هایت تو را حفظ نمایند» (مز ۱۱:۹۱؛ مت ۱۰:۱۸).

فرشتگان مفسر: به انسان‌ها مفهوم رؤیاها یشان را توضیح می‌دهند. آنها هم چنین در کتاب حزقيال (۳:۴۰) حضور دارند و به ویژه در کتاب دانیال در کنار جبرائیل حضور می‌یابند. (دان ۸:۱۶، ۹:۲۱، ۱۰:۵).

فرشتگان رستاخیز: در صبح رستاخیز، در مقابل مقبرهٔ خالی فرشتگان حضور دارند در انجیل لوقا (۴:۲۴) «دو مرد در لباس درخششند» به زنان اعلام می‌کنند که عیسیٰ زنده است. در متی ۵:۲۸: این خبر توسط فرشتۀ خداوند تضمین شده است.

کروبیان: که تخت رحمت را با بال‌هایشان می‌پوشانند و محافظت می‌کنند (خرج ۲۵:۱۰؛ مز ۹:۲، ۹:۱)، آنها تابوت خدا را می‌گیرند (خرج ۲۵:۲۰). یا به او خدمت می‌کنند به عنوان یک مرکب (مز ۱۸:۱۱).

سرافین: یعنی «آتشینان» که قدوسیت خدا را می‌سرایند (اش ۶:۲-۳). پولس رسول دستهٔ فرشتگان خداوند را چنین می‌داند: تخت‌ها، سلطنت‌ها، ریاسات و قوات» (کول ۱:۱۶).

در نهایت، از «فرشتگان شریر» صحبت می‌شود (شیاطین).



صعود عیسی مسیح

فصل هفتم

کتاب مقدس را با هم بخوانیم

مقدمه

در پایان این تابستان در حالی که باز هم لبریز از خاطرات خوش تعطیلات هستم درمی‌یابم که کتاب مقدس شبیه به یک کوه است. کسانی که برای گردش به کوهستان می‌روند تحت تأثیر زیبایی دره‌ها و قله‌های آن قرار می‌گیرند، آنها پیاده و یا با ماشین به گردش می‌پردازند، بعضی‌ها روزها به گردش می‌پردازند و افراد خیلی «مشتاق» خود را از صخره‌ها بالا می‌کشند، از قسمتهای بخ زده، و صخره نورده می‌کنند... هر کس کوهستان را به روش خود می‌بیند، به فراخور توانایی‌های خود، و همه از آن به نوعی لذت می‌برند و در مورد دریا هم همین را می‌گوییم، روزهایی که در ساحل گردش می‌کنیم، ماهی‌گیریهای کوتاه مدت و «مشتاقان» قایق بادی سواری.

کتاب مقدسما را به یک ماجراهای داخلی حقیقی دعوت می‌کند و هرگز خوانندهٔ خود را بی‌تفاوت نمی‌گذارد، بلکه او را بر می‌انگیزد، مورد سؤال قرار می‌دهد، شکست می‌دهد و عوض می‌کند. به همین خاطر هم نوشه شده. اما این ماجرا در خلوت اتفاق نیفتاده مثلاً در کوهستان و یا دریا، تنها بی و انزوا چیز خوبی نیست چون به راحتی می‌توان در آن گم شد.

این بحث در نظر دارد خوانندگان خود را تشویق به مطالعهٔ کتاب مقدس و بحث با یکدیگر بنماید، یعنی ماجراهای کتاب مقدس را با دیگر ایمانداران در یک گروه کتاب مقدسی تجربه نمایند. گردش، راه‌پیمایی طولانی و یا کوه نورده، اسمش هر چه می‌خواهد باشد. کتاب مقدس در میان قوم خدا، اسرائیل، و کلیسا نوشته شده، و برای این ساخته شده تا در میان قوم خدا خوانده شود، جایی که ما آن را دریافت کرده و در آن شریک شده‌ایم. برای این بازگشت و شروع توصیه‌هایی کاربردی تفکراتی در حد یک نظریه داریم سفر به خیر با یکدیگر.



چرا کتاب مقدس می خوانیم؟

چه رابطه‌ای بین ما و این کتاب‌های قدیمی وجود دارد که قدمت آنها به دو هزار سال می‌رسد و در تحت شرایطی که برای ما عجیب و ناشناخته است نوشته شده‌اند. ما در عصر هوایپیما، تلویزیون و کامپیوتر زندگی می‌کنیم نه در عصر چادرنشینی. شرایط زندگی ما آنقدر متفاوت است که برای تجسم آن زمانها و برای آن که بتوانیم در مورد متون اظهار نظر بکنیم باید به ذهن خود فشار بیاوریم. مثلاً در درک مفهوم متون مزامیر، گاه لازم است ژیمناستیک فکری انجام دهیم تا بتوانیم توسط آنها دعا کنیم. آیا کتاب مقدس منحصر به عده‌ای خاص، داناتر، و مطلع‌تر در مورد تمدن گذشته می‌باشد؟ شورای واتیکان دوم بارها گفت: «باید دسترسی به مطالب کتب مقدسه را برای همه ایمانداران ممکن گردانید».

تاریخ و فرهنگ

برای ما جالب است بدانیم که نیاکانمان چگونه زندگی می‌کردند. تاریخ نویسان از قرن‌ها پیش از ماسه‌های مصر و بین‌النهرین بقایای درخشان تمدنی که امروزه ناپدید شده را جدا کرده‌اند. حالا همه می‌دانند که خاور نزدیک چهارراه فرهنگ‌های اعجاب‌آمیزی بوده. اشعار، امثال، داستانهای مربوط به جنگها به ما اطلاعاتی در مورد نحوه زندگی این افراد، علاقه آنها، رنجها و امیدهای آنها می‌دهد. اما این دانش در موزه‌ها و کتابخانه‌ها باقی می‌ماند. آیا خود کتاب مقدس یک موزه نیست؟

نسب نامه ما در ایمان

نویسنده‌گان متعددی که کتب کتاب مقدس را نوشته‌اند، درست مانند کاتبان بی‌شماری که از روی آنها نسخه برداری کرده، آنها را در اختیار دیگران گذاشده‌اند، اشتیاق ما را برای تاریخ باستان نداشته‌اند، آن را خوب نمی‌شناختند و به خصوص مانند ما حس نمی‌کردند که دنیا خیلی زود عوض می‌شود و زندگی گذشته برای همیشه ناپدید می‌گردد. آنها علاقه دیگری داشتند یعنی علاقه ایمانی و اعتقادی. به همین خاطر هم به طور خستگی ناپذیر این متون قدیمی را می‌نوشتند و نسخه برداری می‌کردند تا ایمان نیاکانشان را زنده نگاه دارند، ایمانی که دلیل حیات ایشان بود. آنها نسب نامه ایمان خود را ترسیم کرده‌اند تا بگویند «خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب ...».

آنچه خدا در گذشته انجام داده و عده‌ای است برای آنچه در آینده خواهد کرد. تعریف گذشته، بازنویسی آن، اعلام عمل خدادست به قوم او و صدور نوری برای زمان حال، در ساعتهاش دشوار. اسرائیل تاریخ خود را با خدا نوشته تا هویت خود را به عنوان قوم، قومی که توسط یک عهد از سایرین

جدا شده، بازیابد و آن را حفظ نماید. بارها بدون وقفه خواندن این تاریخ باعث شده تا بنی اسرائیل در آن قصهٔ محبتی بیابد؛ او از طریق داستانها و بیان رخدادها درک نموده که خدا همیشه برای نجات دادن خویشانش قدرت عمل به خرج می‌دهد. او خدایی است مشتاق انسانها، خدایی نجات دهنده، که می‌خواهد حیات بخشد؛ امری که وقتی تمامی بدیهایی که زندگی بشر را مورد هجوم قرار می‌دهد از نظر می‌گذرانیم کمی مشکوک به نظر می‌رسد.

مبدأ عیسی

تمامی زندگی عیسی از سنت کتاب مقدسی نشأت گرفته با پیغام وی خارج از این سنتها نامفهوم می‌شود. هم‌چنین فرد مسیحی در این میراث ثبت نام می‌کند تا بهتر میراث عیسی را درک کند. گذشته‌ها از چنگ ما می‌گریزند. غیرممکن است بتوان مانند ابراهیم، موسی یا داود زندگی کرد. اما ایمان ما بعد از عیسی در همان راستای ایمان آنان قرار دارد. با مطالعهٔ کتاب مقدس ما به اصل خود دست می‌یابیم، درست همان‌گونه که عیسی در هر روز سبیت در کنایس انجام می‌داد.

اولین ایمانداران به «کتاب مقدس» خود یعنی به عهد عتیق، نوشته‌هایی را افزوده‌اند که عهد جدید را به وجود آورده است، چون آنها در عیسی حضور خدای یگانه و انجام یافتن کتب مقدسه و کلامی که تن یافت را یافته‌اند. انجیل، اعمال رسولان و رسالات شهادتی از ایمان اولین مسیحیان به ما می‌دهند که ما وارث ایشان هستیم. در آنجا نیز، ابتدا در نوشته‌هایشان ایمان کلیسای اولیه یعنی ایمان پنطیکاست را می‌جوئیم.

برای دنیایی جدید

این متون قدیمی برای ما نیز همانند عیسی و مسیحیان اولیه می‌تواند کلام خدا باشد، اما با شرایط متعدد:

- جستجو کردن شهادت ایمان نیاکان ما، یعنی قوم اسرائیل و کلیسای اولیه، شاهدان عیسای رستاخیز کرده؛

- مانند ایشان اجازه دهیم که توسط شهادت درونی روح القدس منور شویم، او که به انبیاء و کتابان و سپس رسولان و انجیل نگاران، الهام نموده است؛

- زندگی خود را با این کلام اشباع کنیم، تا آن را روشن نمائیم و آن را تغییر دهیم؛ این کلام به ما داده شده تا زندگی جدیدی با خود به همراه آوریم و در آرزوی آن باشیم. پس واقعاً کلام خداست، زیرا از نو خلق می‌کند و راه‌های عظیم خدا را به تحقق می‌رساند.

کلیدهایی ساده برای خواندن کتاب مقدس

کتاب مقدس پیش از هر چیز یک کتاب است. هر که می‌خواهد به آن نزدیک شود باید بتواند بخواند. اما بیشتر افراد در روان خواندن دچار مشکل هستند. آیا آنها کتاب مقدس را قدغن کرده‌اند؟ در واقع، این کار اعتراضی است به این که کتاب مقدس برای همگان نیست، برخلاف «خبر خوش اعلام شده به فقرا». پس در گروهها به افرادی که کمتر می‌خوانند و حس می‌کنند که کنار گذاشته شده‌اند توجه داشته باشید. اما برای خواندن کتاب مقدس کافی نیست اهل مطالعه باشیم، زیرا مسیرهای انحرافی و افکار اشتباه کم نیستند. تعلیم گرفتن برای مطالعه امری ضروری است.

اتفاقات و یک پیغام

غالباً این وسوسه وجود دارد که کتاب مقدس را به عنوان کتابی شامل گزارش‌های مستقیم تلقی کنند، در حالی که کتاب مقدس هرگز یک واقعه را گرم‌گرم تعریف نمی‌کند، بلکه «بازخوانی» و تفسیری از وقایع زیر نظر خدا را پیشهاد می‌نماید. این بازخوانی که متخصصان به ما می‌آموزند. گاه مدت‌ها بعد از خود عمل صورت گرفته. ایمانداران بنی اسرائیل هر چه تعریف می‌کنند را بر می‌گزینند، بعضی نکات را بزرگ‌تر می‌کنند و برخی را مسکوت می‌گذارند. آنها ابتدا می‌خواهند پیغامی ایمانی را انتقال دهند.

پس کتاب مقدس اجازه می‌دهد که ما اعتقادات ایماندارانی که آن را نوشتند لمس نمائیم. این کتاب یک راهنمای تاریخی نیست که سعی در ذکر وقایعی ناگهانی با حداقل تأثیرپذیری، آن هم با حفظ بی‌طرفی دارد. کتاب مقدس پیش از هر چیز یک شهادت ایمان است.

پیغامی ایمانی

از آن زمان من در برابر هر متن کتاب مقدسی می‌توانم سؤال کنم چه شهادت ایمانی در این متن یافت می‌شود؟ تلاش برای بازسازی صحنه‌ها همراه با جزئیات حقیقی که ذکر شده بی‌نتیجه است، زیرا انجیل به این دلیل نوشتند نشده؛ آنچه که بر عکس باید با دقت به آن توجه نمود پیغامی است که متن منتقل می‌سازد.

پس، از داشتن عکس العملی «باستان شناسانه» در برابر متنون کتاب مقدسی از قبیل (چگونه چنین اتفاقی افتاده؟) برای کسب عکس العملی «الهیاتی» («چه شهادت ایمانی در متن حاضر است؟») احتزار کنیم. آنچه اتفاق افتاده کاملاً محو شده. بر عکس شهادت ایمان همیشه حاضر است و همان چیزی است که به آن نیاز داریم.

اعتقادنامه کتاب مقدسی

هسته ایمان مسیحی نجات دهنده بودن خداست. کتاب خروج این تجربه را که بعد از این در تمام مقاطع کتاب مقدس طین انداز می‌شود، روایت می‌کند. در برابر هر متن عهد عتیق، همیشه می‌توان در جستجوی چگونگی ارتباط و پیوستگی دور یا نزدیک آن با این اعتقادنامه اساسی بود.

زنگی اجتماعات ایماندار

چرا ایمانداران کتاب مقدس را نوشته‌اند؟ نه فقط برای این که به تعریف کردن داستانهای زیبا علاقه داشتند بلکه برای اثر گذاردن وی هم عصران خویش برای تعلیم دادن آنها، آسایش بخشیدن به ایشان و برای احتفار کردن به ایشان پس همیشه می‌توان از خود پرسید متنی که می‌خوانم برای چه منظور و نیازی نوشته شده است. بدین ترتیب از میدان‌های انحراف جلوگیری می‌کنیم، مثلاً صحنه‌هایی که در مورد داستانهای خشونت بار است.

چهار سؤال در مورد انجیل

در عهد جدید، پدیده مشابهی ملاحظه شده. عهد جدید ابتدا شهادتی از ایمان را منتقل می‌کند. مرکز ایمان نخستین مسیحیان این بود که خدا عیسی ناصری را از مردگان برخیزانده و بدین ترتیب زمانهای نوین را افتتاح نموده. همه متن انجیل، هر یک به نوعی علامتی از این ایمان شبانی و «اعلام ملکوت خدا» را در خود دارند. در برابر هر قسمت از انجیل می‌توانیم سؤال‌های زیر را مطرح کنیم:

۱- این متن چه خاطره‌ای از عیسای ناصری را تداعی می‌کند؟

اناجیل بر زندگی عیسی ناصری تکیه می‌کنند. اما وقتی انجیل نگاران در مورد عیسی حرف می‌زنند این کار را مانند یک ضبط صورت و یا دوربین فیلمبرداری انجام نمی‌دهند. آنها به اصل می‌پردازند و آنچه حرکت عیسی بوده را تعریف می‌کنند، آنچه به خاطرش زیسته و برایش مبارزه کرده، آتشی که دروناً او را می‌سوزانده. آنها از هر دستگاهی و فادرترند. حتی اگر چهار انجیل بعضی از خاطرات او را به شکل‌های متفاوت آورده‌اند اهمیتی ندارد. آنها تماماً در مورد نحوه ارائه این اعتقادات و ایمان وی به کسی که او را «پدر من» «خطاب می‌کرد توافق دارند.

۲- چگونه ایمان به قیام مسیح سربرمی‌آورد؟

همه انجیل‌پس از قیام مسیح نوشته شده‌اند. پس انجیل نگاران نمی‌توانستند این تجربه مربوط به قیام را که از خدا بود فراموش نمایند. هم‌چنین سؤال دیگری نیز مطرح می‌شد:

۳- این متن برای کدام اجتماع مسیحی ایجاد شده؟

اناجیل در نظر دارند به کمک مسیحیانی بشتابند که برایشان نوشته شده‌اند و با مشکلات و جفاها روبرو هستند و یا نزد یهودیان و یا مشرکان مأموریتی دارند، یا تعیید یا فتگان را کمک کنند یا در دعای جمعی و غیره به کار روند.

۴- آیا ارجاعی روشن و یا پنهان به عهد عتیق شده؟

مسیحیان برای ابراز ایمان خود به عیسی مسیح فقط تصاویر را در اختیار داشتند، کلمات و یا متون عهد عتیق در تمامی قسمت‌های انجیل می‌توان به دنبال آیاتی از کتب مقدسه بود که کمابیش به طور مستقیم ذکر شده‌اند.

روش کیگالی

متون زیر به تدریج طی ملاقات‌های کتاب مقدسی بوجود آمده‌اند. نگارش نهایی آن هنگام نشست ملی مدارس مذهبی در کیگالی پایتخت رواندا بوجود آمد که نام آن هم برگرفته از همین اجلاس است. این روش ابتدا در مورد متون انجیل و یا اعمال رسولان به کار برد شد. ولی در مورد روایات عهد عتیق هم با تطبیق دادن پاراگراف چهارم می‌توان همین روش را به کار برد.

۱- اولین برخورد با متن

- قسمت تعیین شده را با صدای بلند دوبار بخوانید.
- به سرعت بعد از نخستین قرائت احساسات خود را (آنچه بیشتر می‌پسندم یا آنچه کمتر می‌پسندم، آنچه برایم تعجب انگیز است و غیره). یادداشت کنید چند لحظه برای اولین بار کافی است.

۲- متن را مشاهده کنیم

باید بتوانیم یک متن را همان طور که هست قبول کرده و بپذیریم. یک متن آئینه‌ای نیست که تصویر را منعکس کند و یا باید از آن خوش بباید. بلکه باید جستجویش کنم و آن را مورد ملاحظه قرار دهم. اینک چند وسیله برای تسهیل ملاحظات:

- × ابتدا و انتهای (چند آیه) را نگاه کنید. بیینید چه اتفاقاتی افتاده و چه تغییراتی بین ابتدا و انتها بوقوع پیوسته.

- × مکانهایی که ذکر شده‌اند را علامت گذاری کنید.
- × شخصیت‌های متن و روابط آنها را علامت گذاری کنید.
- به نظر می‌رسد چه کسی شخصیت اصلی باشد؟ چه می‌گوید و چه می‌کند؟
- چه کسی با اوست، چه کسی علیه اوست؟ چه کسی به او کمک می‌کند؟
- چه کسی فعال است؟ چه کسی فعل نیست؟
- واژه‌هایی از متن را که از یک «خانواده» هستند و راجع به یک موضوع می‌گویند دسته بندی کنید. هر متن غالباً چند خانواده از واژه‌های معینی را به بازی می‌گیرد.
- در صورتی که نکات ضد و نقیض وجود دارند آنها را علامت گذاری کنید.

۳. خوش اطلاعات خارج از متن

- اطلاعات داده شده توسط متخصصان می‌تواند متن را روشن کند:
- با خواندن یادداشت‌های کتاب مقدس (و با توجه به معنی کلمه در گذشته، «سبک‌های ادبی»، «وجه اشتراک بین متون»).
 - با بهره جستن از یک فرهنگ یا لغت نامه کتاب مقدسی.

۴. در مورد متن از خود سؤال کنید

- از آنجا که انجیل پس از عید قیام توسط ایمانداران و برای ایمانداران نوشته شده‌اند می‌توان نکات زیر را نشانه گذاری کرد:
- (الف) واقعه زندگی عیسی (شاگردانش) که متن در مورد آن حرف می‌زند؛
 - (ب) ایمان به مسیح قیام کرده که در آنجا بیان شده، خواه آشکارا و یا به طور ضمنی، و امیدی که در انسان بر می‌انگیزد.
 - (ج) زندگی کلیسا که مخفی است: به خاطر کدام نیازهای مسیحیان این متن نوشته شده و حفظ گردیده؟
 - (د) اشارات مستقیم و یا غیرمستقیم به عهد عتیق.

۵. مکرر. برای روایات عهد عتیق، نکات زیر را علامت گذاری کنید

- (الف) تاریخ قوم اسرائیل و یا واقعه‌ای که این متن مبنی بر آن است!
- (ب) ایمان به خدای نجات دهنده که به صراحة و یا به طور ضمنی بیان می‌شود؛
- (ج) زندگی ایمانداران بنی اسرائیل که پنهان است: این متن برای کدام نیاز ایمانداران نوشته و حفظ شده است؟
- (د) اشارات مستقیم و یا غیرمستقیم با سایر متون عهد عتیق.

۶. متن را متعلق به خود دانستن (مفهوم آن امروزه برای ما چیست؟)

- ✗ بنا بر آنچه در چهار سوتون قبل از نظر گذراندیم، سعی کنیم به شهادت ایمانی که از متن ساطع می‌شود بنگریم، قسمتی از «خبر خوش» که در آن یافت می‌شود.
- ✗ چگونه چنین شهادت ایمانی (خبر خوش) می‌توان در جایی که به سر می‌بریم و در دوران ما ایمان ما را روشن کند و یا به آن کمک نماید؟
- ✗ احساساتی که در ابتدای کار یادداشت کرده بودیم آیا قابل تکمیل و اصلاح کردن هستند و یا باید رهایشان کرد؟
- ✗ کدام دعا را مطالعه متن در وجودمان برمی‌انگیزد؟

عیسی و بیوه زن نائینی بر اساس روش کیگالی

به کارگیری جدی این روش برای متنی کتاب مقدسی مستلزم داشتن وقت کافی برای یک گروه است. این روش را به آرامی به کار خواهیم برد. به عنوان مثال، لازم نیست به همه سؤال‌ها و آن هم بر اساس نظم ذکر شده جواب دهیم. وقتی روشنی برای ما آشناست بهتر می‌توانیم حس کنیم کدام سؤال با متن هماهنگی دارد، درست مثل کارگر ماهری که ابزار مناسب را برای کارش انتخاب می‌کند. سه مثال در مورد متن عیسی و بیوه نائینی (لو ۱۱:۱۷-۱۷) می‌زنیم، البته با به کار بردن نکات ۴ و ۲ و سپس آن را بسط می‌دهیم.

دو روز بعد به شهری مسمی به نائین می‌رفت و بسیاری از شاگردان او و گروهی عظیم، همراهش می‌رفتند. چون نزدیک به دروازه شهر رسید، ناگاه میتی را که پسر یگانه بیوه زنی بود می‌بردند و انبوی کثیر از اهل شهر، با وی می‌آمدند. چون خداوند او را دید، دلش بر او بسوخت و به وی گفت: «گریان مباش.» و نزدیک آمده تابوت را لمس نمود و حاملان آن باستاندند. پس گفت: «ای جوان تو را می‌گوییم برخیز.» در ساعت آن مرد راست بنشست و سخن گفتن آغاز کرد و او را به مادرش سپرد. پس خوف همه را فرا گرفت و خدا را تمجید کنان می‌گفتند که «نبی ای بزرگ در میان ما مبعوث شده و خدا از قوم خود تفقد نموده است.» پس این خبر درباره او در تمام یهودیه و جمیع آن مرز و بوم منتشر شد.

مثال اول

۲- متن را ملاحظه کنیم.

شخصیت‌ها:

- عیسی به عنوان یک «استاد» معرفی شده، زیرا شاگردان احاطه‌اش کرده‌اند. مردم او را «نبی بزرگ» می‌دانند. داستان در اطراف او اتفاق افتاده؛ او شخصیت اصلی است. متن او را «خداوند» هم نامیده است. او «خدایی است که از قوم خود ملاقات می‌کند». با کلام خود، پسر مرد را زنده می‌کند.

- زن، شوهر خود و تنها پسرش را از دست داده پس تهافت، بدون هیچ خویشاوند نزدیکی.

او پسرش را به کمک کلام عیسی دوباره به دست می‌آورد.

- پسر مرد، با کلام عیسی بر می‌خیزد و شروع به حرف زدن می‌کند بی‌آنکه سخنرانش نقل قول باشد. او زندگی دوباره به دست می‌آورد و از سکوت به سخن در می‌آید.

- مردم: «گروهی عظیم» همراه عیسی بودند و «انبوی کثیر» با آن زن. آنها نیز از سکوت به سخن گفتن افتادند.

- شاگردان: عیسی را همراهی می‌کنند. آنها در پایان داستان با مردم هم‌صدا می‌شوند تا خدا را تمجید کنند.

مشهورترین تغییر در متن به طور مسلم همان گذر پسر زن بیوه از مرگ به زندگی است. این متن توسط کلام عیسی ایجاد شده. اما از دیدگاه زن کلام او توسط ترجمی که دارد به زبان آمده. پس ترجم عیسی منشاء این تبدیل است: پسر مرده توسط عیسی به «مادرش سپرده می‌شود» در ابتدای داستان، انجیل نگار دو گروه را مجزا از هم نشان می‌دهد یکی عیسی را که وارد شهر می‌شود همراهی می‌کند، دیگری به دنبال جمع عزاداران از شهر خارج می‌شود. در پایان، این دو گروه برای جلال دادن خدا و اعلام «نبی بزرگ» بودن عیسی با هم جمع می‌شوند. بازگشت مرد جوان به زندگی محض کلام عیسی، امکان تبدیل دوم دو گروه خاموش را به یک گروه بوجود می‌آورد که همگی خدا را جلال می‌دهند.

برداشت یافته‌ها

عیسی توسط کلام خود قادر است دوباره حیات ببخشد. جهانی که او ایجاد می‌کند همان زندگی است، جایی است که در آن دیگر نه اشکی است و نه مرگ است. و همه باید این را می‌دانستند زیرا کلام همه در مورد ملاقات خدا «در تمام یهودیه و جمیع آن مرز و بوم» منتشر می‌شد. ما در نوعی پنهانیکاست شرکت می‌کنیم: خبر خوش عیسی که توسط همه در تمام جهان مختلف منتشر می‌شود. این خبر خوش اعلام می‌کند که: «خدا قوم خود را ملاقات کرده» و عیسی «پیامبر بزرگ» است که کلامش زندگی می‌بخشد. این ملاحظه به کمک دو کلید ساده عناصر مهم متن را نمایان می‌کند.

چه اتفاقی می‌افتد؟

مثال دوم

۴- در مورد متن سؤال کنیم

هر متن انجیلی، به هر حال به طور همزمان عیسی ناصری، قیام کرده، زندگی کلیسا و کتب مقدسه را تعریف می‌کند. پس می‌توان در چهار جهت در مورد متن سؤال مطرح کرد.

زندگی عیسی ناصری

این قسمت فقط توسط لوفا نقل شده اما به طور مشخص همان چیزی است که ما در مورد عیسی می‌دانیم. او در طول زندگی خود برای نشان دادن محبت خدایی که می‌خواهد قوم و همه بشر را از مرگ نجات دهد سخن گفته و عمل کرده است. لوفا اغلب این «ترحم» را نشان می‌دهد (کلمه یونانی به معنی «گرفتار شدن در اعماق درون») که انگیزه بخش عیسی بود. از سوی دیگر نام شهر کوچکی که این معجزه در آن اتفاق افتاده محفوظ مانده، نائین در جلیل، مقابل کوه تابور، امروزه همان دهات عرب نشین نائین است.

رستاخیز کرده

لوقا یک اشتباه تاریخی روش انجام می‌دهد: او عیسی را خداوند می‌خواند عنوانی که مسیحیان پس از روز پنطیکاست به او می‌دهند تا تمجید او را نزد پدر بنمایند. لوقا «خداوند» را به صحنه می‌آورد، او که قادر است ما را رستاخیز بخشد. مبحث نائین مظہر عمل آن رستاخیز کرده می‌شود یعنی زندگی بخشیدن به ما، زندگی خود را بخشیدن. در این متن امید جماعت مسیحیان برای فرا رسیدن مسیح در جلال حسن می‌شود تا به طور دائمی زمان خدا را بسازد.

حیات کلیسا

خبر خوش عیسی - نبی که انتظارش را می‌کشیدند، خداوند - نمی‌توانست به یک شهر محدود شود. باید که این خبر در تمامی دنیا پخش شود. در این روایت لوقا به اجتماعات می‌فهماند که آنها باید مبشر باشند درست مانند آن جماعت. پنطیکاست ادامه می‌یابد. کلیسا فقط برای شهادت دادن به عیسی وجود دارد، قیام کرده، خداوندی که همه را به حیات می‌خواند.

عهد عتیق

لوقا برای حکایت ماجراهای نائین از عبارات معجزه دیگری که به دست ایلیا صورت گرفت استفاده می‌کند یعنی رستاخیز یگانه پسر دیگری متعلق به زن صرفه ای (ر.ک به ۱- پاد ۱۷- ۱۰، ۱۷- ۲۴، ر.ک ۲- پاد ۱۸:۴- ۳۴). بدین ترتیب، او عیسی را به ایلیا شبیه می‌داند. اما در سنت یهود قرن اول انتظار ایلیای نبی می‌رفت تا علامت دنیای جدید خدا را بدهد. از نظر لوقا، این عیسی بود که برای افتتاح این دنیای نوین توسط قیام خود آمده بود. در عیسی ما قیام کرده و نجات یافته ایم.

مثال سوم

۴. حیات کلیسا

انجیل حامل آثار فعالیت‌ها، نیازها، مشغولیت‌های کلیسا اولیه هستند. در روایت موارد زیر دیده می‌شوند:

- گشوده شدن درها به روی مشرکان: تفکر در مورد «سرزمین‌های مجاور» یهودا (سرزمین یهودیان) نشان می‌دهد که انجیل از محدوده سرزمین بنی اسرائیل فراتر خواهد رفت.
- دیر کرد ظهور جلال خدا: مسیحیان پیش از ظهور دائمی خداوند باید کاری انجام دهند: در تمامی دنیا به خداوند شهادت بدهند و در تمامی سرزمین‌ها «کلام خدا را منتشر سازند».
- دفاع در مقابل یهودیان: با یادآوری چهره ایلیا، لوقا نشان می‌دهد که عیسی برای تکمیل کتب مقدسه آمده است. با دادن ایمان خود به عیسی، مسیحیان نسبت به سنت حقیقی بنی اسرائیل وفادار مانند.
- اعلام انجیل: درسی که روایت می‌دهد روش انتشار کلیسا باید مبشر باشد و خبر خوش را اعلام نماید. عطا زندگی نوین توسط عیسی.

- حمایت مسیحیان: علی‌رغم دشواری‌هایی که با آنها مواجه می‌شوند و در مقابل تجربه مرگ و سوگواری، مسیحیان این اطمینان را دارند که آن رستاخیز کرده دست از خواندن آنان به حیات توسط کلام خوبیش برنمی‌دارد.

- آیین نیایش: عیسی اینجا خداوندی است که در نیایش خوانده می‌شود: «خداوندا»، به ما «ترحم فرما».

متوجه خواهیم شد که تمامی راه‌های نگرش به متون پیشنهادی در اینجا یک هدف دارند و آن هم ابتدا برکشیدن شهادت ایمان و خبرخوش است و ابتدا به ساکن به دنبال آن نیستند که از انجیل دستورالعمل‌های اخلاقی که بلافاصله قابل به کارگیری باشند بسازند.

کتاب مقدس امروزه برای ما

امروزه ما کتاب مقدس را می‌خوانیم تا مطابق ایمان خود زندگی کنیم. به این خاطر برای اینکه متن بتواند زندگی ما را روشن نماید باید به آن «فعليت» ببخشیم. اما آیا می‌توان متوفی قدیمی که سال‌ها پیش برای پاسخ به نیازهای خاصی که برای ما ناشناخته هستند نوشته شده‌اند را فعلیت بخشید؟ بین این متون و ماحداقل قرن‌ها فاصله است، فاصله‌ای که هیچ‌چیز نمی‌تواند پرکند و باید به آن احترام گذاشت. «تطابق گرایی» که سعی در «تطابق» فوری موقعیت‌های گذشته با امروز دارد، راه اشتباه رفته و به ساده‌گرایی منتهی می‌شود. چگونه یک متن کتاب مقدسی را متعلق به خود بدانیم؟ سه شکل فعلیت بخشیدن را بررسی کنیم.

بررسی «خبر خوش»

متون کتاب مقدسی توسط ایماندارانی نوشته شده‌اند که می‌خواهند از ایمان سایر ایمانداران حمایت کنند و آن را روشن سازند تا به آنها برای زندگی کردن یاری دهند. آنها «خبر خوشی» را شهادت می‌دهند یعنی تجربه آنها از خدای عهد و نقشه او برای زندگی و سعادت بشر. اولین روش به خود اختصاص دادن مبتنی بر بر جسته نمودن شهادت ایمان است که نویسنده‌گان را بر آن داشته تا متن را بنویسند بی آن که در پی آن باشند که ابتدا دستورالعمل یا نصایحی برای به کارگیری در زندگی خود به ما بدهند.

این بیشتر تعمقی رایگان بر خدایی است که ما را دوست دارد و ما را خوشبخت می‌خواهد تا دعوتی به بازگشت قلبی و یا تغییر رفتار پیدا است که تعمق بر چنین خبر خوشی نمی‌تواند به نحوه زندگی کردن بی اثر باشد.

بررسی دستورات زندگی

ما به طور غیرارادی در کتاب مقدس به دنبال دستورات قدیمی می‌گردیم تا بتوانیم زندگی خودمان را هدایت کنیم. خدا در حال حاضر از من یا ما چه انتظاری دارد؟ این رفتار به شدت در خور تحسین است اما ممکن است منجر به مطالعه سطحی کتاب مقدس شود و حتی به نظر خطرناک برسد.

گاه اتفاق می‌افتد که مسیحیان کتاب مقدس را اتفاقی باز می‌کنند و تصور می‌کنند که در آیاتی که خوانده‌اند علامات دقیقی از آنچه که خدا از ایشان توقع دارد یافته‌اند. البته، آنها همیشه چیزی پیدا می‌کنند چون تفسیر متون به فراخور آنچه به دنبالش هستیم کار آسانی است. حتی اگر چنین روشن مستلزم اطاعت محض از اراده خدا باشد کتاب مقدس کلام اتوماتیک خدا نیست که هر وقت بخواهیم بتوانیم آن را به کار ببریم، آن هم با تنبیلی! از مطالعه عیب جویانه و بچه گانه کتاب مقدس اجتناب کنیم. خدا خدمتکاری نیست که ما را از تفکر و به کارگیری آزادیمان باز دارد.

کتاب مقدس دستورات صریحی نمی‌دهد اما جهت را نشان می‌دهد. در کلیسا و با سایر ایمانداران است که باید به کارگیری عملی آن را بیابیم. این جهت یابی‌ها حتی می‌توانند در ایجاد تفاوت‌های متناسب با هر اجتماع، مکان و دوران بروز کنند. مسیحیان اروپایی و آمریکای لاتین جهت یابی‌های کتاب مقدسی را در مورد محبت به دیگران به فقیران و یا احترام به خلقت را یک جور تجربه نمی‌کنند.

روایت شبانان در آخرین به عنوان مثال، مسیحیان را دعوت می‌کند تا رسولان خبرخوش نجات در عیسی مسیح باشند. حتی در این متن می‌توان دعویی به شرط بنده روی ضعف مسیح را دید که قدرتش در همان عمل می‌کند. اما امروزه چطور می‌توان رسولان خبرخوش بود؟ چگونه می‌توان راز گذر را زندگی روزمره زندگی کرد (یعنی قدرت در ضعف) هیچ جوابی در متن دیده نمی‌شود. پس لازم است متن را ترک کنیم. و در پی آن باشیم تا بفهمیم چطور می‌توانیم جهت‌های داده شده را تحقیق بخشیم. جواب‌های ما الزاماً محدود خواهند بود؛ و نشانه‌ای از آنچه که هستیم ضروریات زمانهٔ ما را بر خود خواهند داشت. افراد دیگر که در سایر نقاط هستند همین متن را به گونه دیگری خواهند فهمید.

خود را جای شخصیت‌های روایت قرار دهیم

شکل سوم به خود تخصیص دادن را می‌توان شکل «روان شناسانه» نامید. این روش مبتنی بر قرار دادن خوب به جای شخصیت‌های متن است و داخل شدن به روانشناسی احتمالی آنها. به سهولت، معاویت این کار را می‌توان دید، چرا که متن را نویسنده نوشت و نه خود شخصیت روایت. به عنوان مثال با مطالعه عروسی قانا، می‌توان پرتره مریم را که نسبت به کمبود شراب و نیازهای نزدیکانش بی‌ملاحظه نبود بسط داد و رمان کوچکی در این مورد نوشت. سپس این خطر وجود دارد که به خود تخصیص دادن گرفتار دستورالعملی اخلاقی گرایانه از این سبک شود: «باید مانند مریم متوجه نیازهای دیگران بود و نزدیکانمان را خدمت کنیم. باید با همان اعتماد مریم دعا کنیم، غیره.»

اما یک متن همان چیزی را می‌گوید که می‌خواهد بگوید: چیزی به آن نمی‌توان افزود حتی اگر برای روانشناسی شخصیت‌های آن باشد. مطالعه متن نشان می‌دهد که انجیل نگار روایت عروسی قانا را با دیدگاهی از زمان عیسی نوشته یعنی با صلیب و جلال و پیروزی او بر مرگ. مادر عیسی کسی است که ما را به سوی پرسش هدایت می‌کند (هرچه به شما گوید بکنید) و به سوی ساعت مرگ و رستاخیز او. خبر خوش مهمتری که این روایت را احاطه کرده چنین است. این روایت شهادت انجیل نگار را در اختیار ما قرار می‌دهد و نه مریم را.

مطالعه در کلیسا

به خود تخصیص دادن باید در کلیسا و با عده‌ای صورت بگیرد. حتی اگر کتاب مقدس را در تنهایی مطالعه می‌کنیم نمی‌توانیم خود را از کلیسایی که این متنون را به ما سپرده و حافظ آن است خود را جدا بدانیم. ایمان مجزا وجود ندارد، فقط ایمان جمعی. از این جهت به خود تخصیص دادن شخصی الزاماً محدود هستند، نباید آنها را قدغن کرد بلکه باید حدود آنها را شناخت. فعلیت بخشیدن‌ها نمی‌توانند برخلاف ایمان کلیسا پیش روند حتی اگر در صدد به خود آوردن کلیسا باشند. بعضی‌ها را باید کار گذاشت از قبیل آنها که با خبر خوش عیسی مغایرت دارند، و یا همسایه را رعایت نمی‌کنند و یا منتهی به تبرئه نمودن رفتارهای غیرانجیلی می‌شوند مانند آپارتاید.

به همین خاطر روانشناسی مریم باید در خدمت مطالعه الهیاتی بماند. خود را به جای شخصیت‌های روایت قرار دادن به منظور تفہیم بهتر خبر خوش یک متن، می‌تواند راه خوبی برای فعلیت بخشیدن باشد. اما مستلزم آموزشی قلبی و مهارت است و نباید در مورد هیچ کس اشتباه کرد.

وحدت تمامی کتاب مقدس

تجربه ایمانی قوم اسرائیل و مسیحیان اولیه تدریجی و متنوع بوده. کتاب‌های مختلف در طی قرون متعددی باید نوشته می‌شد تا این سنت زنده را که کتاب مقدس نامیده می‌شود تشکیل دهد. هیچ کتابی نمی‌تواند جدا از بقیه باشد. شریعت با نوشته‌های حکمت تکمیل شده اما این نوشته‌ها محتاج شریعت هستند. یا تجربه خدا، با چنین فوریت و صراحتی که اشعا و یا یوش نبی ارائه داده‌اند مکمل تجربه مبهم و دشوار حکیمانی مثل «ایوب» یا حکمت است. نمی‌توان جنبه‌های ضد و نقیض خبر خوش را حذف کرد تا فقط جنبه‌های مورد علاقه ما به طنین در آیند. برای یک مسیحی پیدایش بدون ایوب یا عهد جدید کامل نیست. غیرممکن است بتوان مطالعه «مسیحی» از متن عهد اول انجام داد بی آنکه آن را به عیسی ارجاع دهیم، به راز گذر، زیرا برای ما مسیحیان، عیسی مسیح مرکز و مفسر کتب مقدسه است. و گرنه قسمت اساسی خبر خوش حذف شده و ایمان مغضوب می‌گردد.

تشکیل گروه مطالعه کتاب مقدس

کتاب مقدس جذاب است؛ بسیاری از مسیحیان در آرزوی شناختن و خواندن آن هستند، اما مطالعه شخصیت آنها خیلی زود متوقف می شود زیرا با قوانین پرستشی کتاب خروج دلسربد می شوند و یا گرفتار زبان غیرقابل فهم انبیاء می گردند. اما بر عکس تعدادی هم پیش می روند، سؤالاتشان را مطرح می کنند و یافته هایشان را با هم درمیان می گذارند. چگونه می توان چنین گروه کتاب مقدسی را تشکیل داد؟

انگیزه هایان را به همدیگر بگوئیم

می توان کتاب مقدس را به خاطر دلایل متعددی خواند:

- فقط به خاطر آشنایی با کتاب یهودیان و مسیحیان

- برای انتقال ایمان (گروه تعلیمات دینی جوانان و کودکان یا کلاسهای تعلیمات دینی دبیرستانی)

- برای با پشتوناه کردن و تقویت ایمان

- برای آماده کردن آئین نیایشی

- برای روش نمودن زندگی امروز

- برای تعزیه نمودن دعا

- برای پرمغزتر کردن تحقیقی شخصی

همه این انگیزه ها مکمل یکدیگرند و می توانند در کنار هم وجود داشته باشند، اما برای اجتناب از سوتی افهام و ناامیدی بهتر است در مورد علاقه شرکت کنندگان همه چیز روش باشد و آگاهی از انگیزه هر کدام اساسی است و هر یک را به این نتیجه می رسانند تا انگیزه خود را روش نموده و وسعت بخشد.

سازماندهی گروه

اینک چند توصیه برای عملکردی شایسته.

* گرداننده بازی را برای باز کردن سر صحبت تعیین کنید. گوش دادن به عبارات هر کس کار

مهمی است. گرداننده الزاماً نباید کسی باشد که بهتر از سایرین کتاب مقدس را می شناسد (مانند یک کشیش یا یک فرد روحانی).

* از سکوت افراد نترسید، سکوتی که لازمه تفکر، طرح سؤال و ربط دادن آنچه کشف نموده اند

با دردشان می باشد.

* اگر همه برنامه اجرا نشد، نباید نگران شد، البته این امر دلیل نمی‌شود که سعی به تمام کردن برنامه در هر بار نشود.

* تعداد دفعات جلسات: یک شب در ماه، در طول سال تحصیلی (و گاهی شنبه بعدازظهرها) به نظر منطقی می‌رسد. کمتر اتفاق می‌افتد که از یک جلسه تا جلسه دیگر افراد همه چیزرا فراموش کنند. مدت جلسات: به طور متوسط سه یا چهار سال؛ غیر از این نباید باشد. هم‌چنین تغییر طرز تفکر و گشودن درهای خود به سوی تعلیمات دیگر، حتی به قیمت مواجه شدن با تعلمات کتاب مقدسی کار خوبی است.

* تمرینات فردی که باید در منزل آنها را آماده کرد نیز توصیه می‌شوند. این کار باعث می‌شود تا افراد دیگر به صورت مصرف کنندگانی غیرفعال در جلسات حضور نیابند.

* توجه داشته باشید که برای یافتن جواب درست تلاش نکنید. چون در این صورت به ندرت اتفاق می‌افتد که فقط یک پاسخ خوب وجود داشته باشد. معمولاً از لایحه‌ای حرفهای دیگران می‌توان به پاسخ‌ها دست یافت، و یا حداقل به مواد اولیه پاسخ‌ها. اما نحوه مطرح ساختن سوالات هم معمولاً حائز اهمیت هستند.

انتخاب موضوع برای کار

محدوده‌ها متفاوتند. فقط یک روش موجود است. به مبحث در مورد «وسایل لازم برای مطالعه کتاب مقدس» مراجعه کنید. اینکه پیشنهادات مختلفی داریم:

قرائت مداوم کتاب مقدس

۱۵ باب به ۱۵ باب بخوانیم و سوالاتی که در صفحات گذشته در قسمت «چهار سوال از انجیل» آمده را مرتبأ تکرار کنیم. کار پر زحمتی است اما چیزهای زیادی کشف می‌کنیم و بازتابهایی از مطالعه کتاب مقدس به دست می‌آوریم. اگر دوست دارید چنین گروهی تشکیل دهید، آماده هستیم تا شما را راهنمایی کنیم.

کتاب مقدس مدرسین

چرا در میان حق جویان با متون کتاب مقدسی مخصوص کودکان و یا «سنگهای زنده» کار نکنیم. می‌توانیم به عنوان مثال از روش کیگالی استفاده کنیم.

قرائت‌های روزهای یکشنبه

کتابها و یا شانص‌هایی برای کار بر روی این قرائت‌ها پیش از برگزاری آئین نیایشی وجود دارد (به خصوص کار بر روی انجیل). بیشتر گروههای نیایشی با آموزش انجیل در روزهای یکشنبه شروع می‌شوند. هم‌چنین می‌توان بر روی ارتباط متن قرائت شده با قرائت اول از روی عهد عتیق که از روی متن انجیل انتخاب شده فکر کرد. این ارتباط در میان دو عهد مستلزم شناختی از تمامی کتاب مقدس است.

مطالعه تصاویر

توسط آثار هنری متعلق به دوره های مختلف نیز می توان بر روی متن کتاب مقدسی ارائه شده کار کرد. ابتدا تابلو را باید مورد مطالعه دقیق قرار داد، سپس آن را با متن مقایسه کرد تا بتوان تعابیر هنرمند را دریافت. این روش برای بسیاری از افراد این امکان را به وجود می آورد تا به کمک دیدن خود را به طرزی خودمانی تر ابراز کنند.

یک موضوع، یک سؤال، یک کتاب مقدس

با بهره گیری از یکی از شماره های فرازهایی از کتاب مقدس (به ویژه قسمت «گروه های کتاب مقدسی) و یا حتی برگ هایی از انجیل، می توان بیشتر سؤالاتی که مورد توجه شرکت کنندگان است را مطرح کرد. با این حال لازم است که بعضی از افراد گروه که با تجربه تر هستند بررسی را برای همه تدارک بیینند.

کتاب مقدس را در کلیسا بخوانیم

در حدود هزار سال پیش از میلاد مسیح قوم اسرائیل شروع به نوشتمن کتاب مقدس کردند. مسیحیان که با یهودیان در میراث کتاب سهیم بودند با عهد جدید که در پایان قرن اول بعد از میلاد نوشتنه شد نقطه پایان این کتاب را گذارند. در حال حاضر این کتاب دارد پایان می رسد: اصلاحات، اضافات و یا ضمایم از این پس حذف خواهند شد. پس نوشتنه کتاب مقدس هزاران سال است که گسترده شده. همین کافی است که آن را کتابی متفاوت از سایر کتب بگرداند!

اما وقتی نوشتمن کتاب مقدس به پایان رسید، هنوز ماجراهی آن پایان نیافته بود. از ۲۰۰۰ سال پیش تاکنون، هزاران نفر مبادرت به تصاحب آن نموده اند تا آن را کتاب زندگی خود بگردانند.

چرا امروزه باید این کتاب را که متعلق به دوران دیگری است باز کنیم؟ و چگونه می توان تفاسیر مختلفی که از مطالعه این کتاب به دست آمده را درست درک کرد؟ آیا قواعده برای خواندن وجود دارد؟ از کجا بدانیم آیا یک روش قرائت هنوز معتبر است یا خیر؟ اگر من معتقد باشم که به روش درستی مطالعه کرده ام، آیا باید الزاماً سایر روش های مطالعه را کنار بگذارم؟ سعی کنیم به همه پرسش ها که غالباً ما را خلخ سلاح می کند در سه مرحله پاسخ دهیم:

۱- چه باید خواند؟

۲- خواندن کتاب مقدس به چه معنی است؟

۳- خواندن کتاب مقدس در کلیسا به چه معنی است؟

خواندن

دوباره نویسی‌ها

در طول مدتی که یک کتاب نوشته می‌شود، یک نویسنده تا به آخر قدرت دست بردن در آن را حفظ می‌کند. می‌تواند شخصیت‌های تازه‌ای را وارد کتاب بکند، وقتی عمیقاً اسباب داستان خود را عرض کند مثلاً با داخل کردن نتیجه‌گیری متفاوت. نوشته آن زمان ممتازی است که آزادی و خلاقیت می‌توانند باز هم به یکدیگر فرصلت بدeneند. این همان چیزی است که برای «نویسنده» اسرائیلی در طول هزاره‌ای که از بدو نوشتن کتاب مقدس تا پایان آن طول کشیده، رخ داده است.

اسفار خمسه نیز به همین ترتیب تدریجیاً در طول قرون، کتاب بعد از کتاب سنتی بعد از سنتی دیگر، ساخته شده. به عنوان مثال به چهار باب کتاب خروج که موضوع عید گذر و خروج از مصر را مطرح می‌کنند (خروج ۱۲-۱۵) بپردازیم. دقایق سازنده تجربه، بنی اسرائیل، هر دوره ایمان خود را در آن دوباره بیان نموده به روش خود. پس عجیب نیست که متخصصان نوشته‌های دوباره نویسی شده را پنج قرن تقسیم می‌کنند.

دوباره خوانی‌ها

اما بالاخره یک روز زمان نوشتن به پایان رسید؛ کتاب بسته شده و آخرین خط آن نوشته شد. این کار همان قانونی کردن کتب مقدسه است، کتب برحق کلیسايی فهرست کتب مقدسه بسته شده. اما نباید تصور کرد که فقط تکرار مکرات و یکنواختی باقی مانده و دیگر آزادی جایی ندارد. بر عکس، در این زمان شکل تازه‌ای از خلاقیت و آزادی شروع می‌شود، زمان قرائت‌هایی که همیشه از سر گرفته می‌شوند و تا حدودی نیز غیرقابل پیش‌بینی هستند. برای درک این که حقیقت می‌تواند از یک کتاب واحد برگرفته شود، باید لحظه‌ای بر روی راز قرائت مکث کرد و آن را از تعالیم تشخیص داد.

بررسی

در واقع یادگیری یک متن به معنی از هم باز کردن آن، درک قواعد عملکرد آن و نشانه‌گذاری دوباره نویسی‌های مختلف آن است. به این خاطر، شناخت قواعد ادبی معتبر در هر دوره از نگارش آن، شیوه‌های نوشتاری که به آن سبک ادبی می‌گویند، و نیز تشابهاتی که به موازات ادبیات همسایه دارند، اساسی است. بسیار از اوقات یادگیری منتهی به نتایجی قابل قبول از سوی همه در مورد یک متن مشخصات نویسنده آن، مرکز آن، سبک نگارشی آن، محیط اجتماعی- مذهبی که در آن قرار دارد و آن را روشن می‌کند می‌شود. تعلیم و یادگیری امکان درک بهتر یک متن را در مفهوم نخستین آن میسر می‌سازد.

قرائت

قرائت و برداشت مرحله‌ای را می‌سازد که از یادگیری تنها فراتر می‌رود. در حالی که یادگیری هدف گراست، برداشت، بیشتر جنبه‌های درونی را مدنظر دارد. برداشت می‌گوید: «من؟» خود را درگیر می‌کند، از متن مثل یک آینه استفاده می‌کند و با خوانده شدن خوانده می‌شود. این امر در مورد همه آثار نوشتاری متعلق به همه دوره‌ها صادق است. خواندن همیشه فراتر رفتن از متن است. عبارت «فراتر از متن رفتن» شامل ۲ فکر است: نخستین فکر بر نقطه شروع صحه می‌گذارد که مطالعه در آن ریشه دوانده. دومین فکر به فراتر رفتن ارزش می‌دهد، یعنی خاتمه مطالعه یعنی گذشتن از متن. این پایان پذیرفتن همیشه تاحدی پیش بینی نشدنی است و مختص به هر خواننده می‌باشد چون به تمایلات، تأثیر پذیری و مسیر هر یک بستگی دارد.

استیفان و فلاویوس ژوزف

مطالعه یک کتاب می‌تواند نتیجه گیری‌های منضادی به همراه داشته باشد. در پایان قرن اول طبق کتاب اعمال رسولان به قلم لوقا (۷) استیفان و تاریخ نگار یهودی فلاویوس ژوزف در «جنگ یهود» هر یک برداشت خود را از مطالعه عهد عتیق نشان می‌دهند.

استیفان برای متقادع ساختن یهودیان درباره این موضوع که مسیح نوشته‌های مقدسه را به انجام رسانده، از چند متن از شخصیت‌هایی یاد می‌کند که توسط انسان‌های طرد شدند اما خدا آنها را برگزیده بود: نسل ابراهیم که در مصر مورد آزار و اذیت قرار گرفته بودند؛ سپس یوسف که برادرانش از او نفرت داشتند، اما او جان آنها را نجات می‌دهد؛ موسی که ابتدا توسط قوم خود رد شد ولی بعد رهبر و نجات بخش آن گردید. در مورد عیسی هم این مطلب صدق می‌کند، و بعد در مورد استیفان. گرچه آنها هر دو توسط انسان‌های محکوم شده بودند اما خدا آنها را به عنوان انبیای خویش برگزیده بود. بدین ترتیب عهد عتیق این امکان را فراهم آورده تا شکست ظاهری عیسی و آزار و اذیت مسیحیان را بهتر درک کنیم.

تقریباً در همان دوران، فلاویوس ژوزف نقل می‌کند که چگونه در هنگام محاصره اورشلیم توسط تیپس در سال هفتاد تلاش نموده تا به همشهریان محاصره شده خود بقبولاند که به طرز اتفخارآمیزی تسليم شوند. برای این کار او «دواوی»‌های خدا در مورد قوم اسرائیل از هنگام تبعید یادآوری می‌کند، تا به ایشان نشان دهد که خدا با ایشان نیست. اینک کلید برداشت او: «خدایی که از نزد ملتی به نزد ملت دیگری می‌رود در حالی که هر یک را به نوبه خود فضیلت می‌بخشد، اینک در ایتالیا بود. قانونی که نزد حیوانات و انسان‌های بقوت خود باقی است می‌خواهد که آنها تسليم نیرومندتر از خود گردند و فضیلت و برتری متعلق ب افرادی شود که از برتری نظامی برخوردارند.»

از یک چنین اصلی وی به برداشتی مخالف با برداشت استیفان می‌رسد. از نظر او خدا با کسی است که برنده می‌شود؛ اما از نظر استیفان خدا نزد کسی است که به نظر بازنده می‌رسد. بدین ترتیب هر دو یک کتاب را ذکر کرده‌اند، اما موارد مشابهی را مدنظر قرار نداده‌اند و به دو تفسیر مخالف هم دست می‌یابند.

کتاب مقدس را بخوانیم

از بررسی تا برداشت

آنچه ما در مورد هویت درون‌گرای مطالعه گفته ایم در مورد همه کتابها صدق می‌کند. در مورد کتاب مقدس چطور؟ شخص ایماندار حس می‌کند که کتاب مقدس ادعاهایی اساسی تر از آنچه از کتاب حیات انتظار داریم در خور دارد. آنها را نوشته‌های مقدسه می‌نامند، کتاب تقدیس شده. کلمه مقدس آن قدر افسون‌کننده است که حتی دچار این وسوسه می‌شویم که کلمه «نوشته‌ها» را از قلم بیندازیم. با این حال، «کتاب مقدس» یا *Bible* از واژه یونانی *Biblos* آمده که به معنی «کتاب» است. پس باید طبق قوانین رایج هر قرائت، خوانده شود.

ابتدا باید زمان خواندن و بررسی را از زمان برداشت کردن مشخص کنیم. بررسی مرحله‌ای ضروری است که به ما امکان می‌دهد تا مفهوم به خصوص یک داستان را درک کنیم و خواننده را از گفتن حرف‌های بی‌سروته باز می‌دارد. چنین کاری برای مسیحیانی که نمی‌خواهند به ایمان ناچیز قناعت کنند و نیز متون کتاب مقدسی را به طرزی کنترل نشده به کار ببرند ضروری است. از آنجا که کتاب مقدس در زمان‌های بسیار دور نوشته شده و ریشه تاریخی بعضی از کتابها گاهاً مورد بحث است، مطالعه و بررسی آن همیشه به نتایج مشابهی ختم نمی‌شود؛ همیشه نسبت به آن نظریاتی باقی می‌ماند. با این وجود، بیشتر اوقات توافقی بر سر مفهوم بیشتر روایات صورت می‌گیرد.

يهودي و مسيحي

اما به دنبال مطالعه و بررسی، زمان برداشت فرا می‌رسد و همین جاست که گوناگونی الزاماً وارد می‌شود. اگر خواندن مستلزم خود را درگیر نمودن است، مستلزم گفتن «من» (یا «ما») (است، پس نباید از این که کتاب مقدس در طول تاریخ همیشه موجب برداشت‌های متفاوت شده متعجب شویم. مثال روشنی می‌زنیم: مسیحیان و یهودیان در قسمت بزرگی از کتاب مقدسه شریک هستند، یعنی در قسمت اولین عهد. هر دو یک متن را در اختیار دارند، که با همان قوانین مشابه ترجمه شده‌اند. با این حال، از همین کتابها برداشت‌های متفاوتی می‌کنند. فقط به این خاطر که آنها را از یک دیدگاه مطالعه نمی‌کنند و اصل مشابهی را برای مطالعه رعایت نمی‌کنند. مسیحیان آنها را از زاویه دید عیسی می‌خوانند و کلید برداشت آنها ایمان به اوست که در عهد جدید به وی شهادت داده شده. همین به آنها اجازه می‌دهد تا در برخی از تصاویر عهد عتیق تصویر عیسی را بینند.

شاگردان عمواس کشف کردند که چگونه عیسی به همه کتب مقدسه معنی می‌داده: «پس از موسی و سایر انبیاء شروع کرد اخبار خود را در تمام کتب برای ایشان شرح فرمود» (لو ۲۷:۲۴). کدام مسیحی است که امروزه مزمور ۲۲ را بخواند: «ای خدای من، ای خدای من چرا مرا ترک کرده‌ای» و

به یاد زندگی عیسی نیفتد؟ یهودیان به طرز کاملاً مشروع مفهوم دیگری در آن خواهند یافت زیرا آن را از زاویه دیگری می خوانند و کلیدهای دیگری برای برداشت کردن در تاریخ قوم اسرائیل دارند. بدین ترتیب یک متن دو نوع تفسیر دارد و مجاز نیست که یک متن دیگر را فاقد ارزش بداند. به طور حتم طبیعت هر برداشتی است که امکانات متعددی داشته باشد و حالت جمع به خود بگیرد.

کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها

این تنوع حتی می تواند مربوط به گروه‌های مطالعاتی باشد که کاملاً در دو جناح متفاوت از هم قرار دارند، مانند مسیحیان و یهودیان، به راحتی قابل توضیح است. اما چطور می توانیم این گوناگونی را در مورد مسیحیانی که دقیقاً همان کتاب مقدس را می خوانند بپذیریم؟ در زمان اصلاحات کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها هر یک نسبت به کتب مقدس و فادری نشان می دادند. هر یک آثار ادبی زیادی تدارک دیدند تا نشان دهند که وفاداری نسبت به کتب مقدس نزد آنان است و گروه رقیب چنین کاری نکرده! امروزه بهتر فهیده‌ایم که کتاب مقدس برای آن که حق را به یکی از گروه‌ها بدھیم کافی نیست زیرا برداشتی که توسط یک اجتماع انجام می‌گیرد صرفاً تکرار متون پایه نیست خواندن همیشه یعنی بیش از آنچه خوانده شد گفتن؛ یعنی به طور اجتناب ناپذیری افروزن، تفسیر کردن و فاصله خود را با متن حفظ کردن.

در ابتدا

روايات انجيل حاکی از اين مطلب هستند؛ عیسی و شیطان هر یک از طریق نوشته‌های مقدس جبهه‌گیری می کنند. شیطان می گوید، «مکتوب است ...» و عیسی به او جواب می دهد: «و نیز مکتوب است» (مت ۴). عیسی و فریسیان هر دو روی نوشته‌های مقدس یکسان تأکید می کنند و اساساً از یک کتاب الهام می‌گیرند یعنی کتاب تثنیه و با این حال چه فاصله‌ای بین ایشان وجود دارد که یکدیگر را درک نمی کنند! توانایی برای نوشتن و برای این که به شکل‌های متفاوت آن نوشته درک شود نوعی نقض به حساب نمی آید، بلکه فضای آزادی است که خواننده در آن دست به تفسیر خود خواهد زد و بیش از آنچه در متن آمده خواهد گفت با سنت‌های خود، با برداشت‌های اجتماع خود، او چیزی به همراه می‌آورد که مفهوم متن را غنی می‌سازد و تغییر می‌دهد.

بیست سال پس از بوجود آمدن نوشته‌های مقدس، ایمانداران در این کتاب به دنبال دلایل برای زیستن، امیدوار بودن، منابعی پرمعنی هستند. چرا باید این کتب کهنه را بخوانیم حال آن که همهٔ ما به خوبی از ورطهٔ فرهنگی عظیمی که بین ما وجود دارد مطلع هستیم؟ به من بگو چه می‌خوانی و به تو خواهم گفت چه کسی هستی و از کجا می‌آیی. ما کتاب مقدس را نمی‌خوانیم تا از آن دستورالعمل‌هایی به دست آوریم، حتی برای تکرار کلمات کهنه یا قدیمی شده از آن استفاده نمی‌کنیم. ما این کتاب را می‌خوانیم زیرا به ما امکان می‌دهد تا خود را پسран آنانی بدانیم که این کتاب را نوشته‌اند، زیرا کتاب مقدس این حس را در ما بوجود می‌آورد که همگی ما ریشه‌های مشترکی داریم.

سه اشعیا

کتاب اشعیا مثال زیبایی از دوباره نویسی در طی قرون است (به فرازهایی از کتاب مقدس شماره ۲۳ رجوع کنید). وحی‌های اشعیای نبی که بین سال‌های ۷۴۰ و ۷۰۰ تقریباً در اورشلیم اعلام شده‌اند اساس باب‌های ۱ تا ۳۹ کتاب اشعیا را می‌سازند. اما در ادامه این قسمتها (از باب ۴۰ تا ۵۵) پیام‌های پیامبر ناشناس دیگری آمده که «اشعیا دوم» نامیده شده و به تبعیدشدن گان بابل و عده رهایی آینده را از بابل در حوالی سال ۵۴۰ می‌دهد.

سرانجام، پس از بازگشت از تبعید، یکی از شاگردان «اشعیای دوم» یعنی «اشعیای سوم» پیام او را از سر می‌گیرد و به آن فعلیت می‌بخشد (باب ۵۶ تا ۶۶) و شاید در همان زمان (و یا اندکی بعد؟) وحی‌های دیگری نیز به وحی‌های اشعیا اول افزوده شده باشد (باب ۲۴-۲۷ و ۳۴-۳۵) در ظاهر اشعیای دوم و سوم از پیام اشعیای اول الهام یافته‌اند، آنها وحی‌های قدیمی‌وی را برای نسل خویش از نو تفسیر نموده و آنها را متقادع کرده‌اند که کلام خدا همیشه زنده می‌ماند. (رب. ک ۴۰:۸)

مطالعه کتاب مقدس در کلیسا

اگر خواندن همیشه به معنی گفتن بیش از متن دور شدن از اصل، «خود را خواندن» بماند چگونه می‌توان جلوگیری کرد که کتاب مقدس به صورت صرفاً یک آینه در نماید که هر کس در آن به دنبال خیالات و هوس‌های خود است؟ بدایم که این خطر همیشه قابل پیشگیری نیست. می‌توانیم هر چه می‌خواهیم را توسط کتاب مقدس بگوئیم. به عنوان مثال در قدیم از کتاب مقدس برای درست جلوه دادن معامله سیاه پوستان بهره می‌جستند و امروزه آپارتايد را قانونی جلوه می‌دهند آن هم از طریق لعنت سام، جد آفریقائیان و پدر کنعان (پید ۲۵:۹-۲۷)! گاه اتفاق می‌افتد که برخی «مشارکت‌های» کتاب مقدسی فقط به صورت مطالعه‌ای آئینه وار باشند که هر آنچه شخص می‌خواهد در آنها بیابد را به متن القاء می‌کنند و کتاب مقدس فقط برای تأیید عقاید یا ایدئولوژی خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

انتقال یافته توسط کلیسا

در مقایسه با ادبیات غیرمسيحی، بهتر می‌توان تفاوت میان «مطالعه تغیریحی» و «مطالعه در کلیسا» را درک کرد. یک رمان را از هر کتاب فروشی می‌توان تهیه کرد و هر خواننده‌ای می‌تواند آن را همان‌طور که می‌خواهد تفسیر کند، و هیچ کس او را به خاطر این کار سرزنش نخواهد کرد. همه چیز در یک رویارویی نزدیک بین خواننده و کتابش اتفاق می‌افتد. بر عکس، ارتباط ایمانداران با

کتاب مقدس هایشان به نوع دیگری است؛ حتی اگر بتوانند آن را با آزادی خریداری کنند باز هم کتاب مقدس به ایشان سپرده شده، با کوله باری از خواندن های سنتی و تفاسیری که در طول قرن ها روی هم انباشته شده اند. کتاب مقدس در سنتی خوانده می شود که با او جسم گرفته.

بیشتر اوقات فراموش می کنیم که کتاب مقدس در درون کشمکشهای حاصل خیزی در میان متون قابل دسترس ساخته شده، که توسط اجتماعات خوانندگان مورد استفاده قرار می گرفته. به طور دائمی از آنجا که فلان کتاب پرخواننده و محبوب بوده که سرانجام وارد لیست کتب برحق شده است و نیز از آنجا که سایر کتب باعث ایجاد اتحاد میان مؤمنان نشده اند که جایی در این لیست برای خود نیافته اند. کلیسا گزینشی انجام داده که امروزه به من تحمیل می شود و این من نیستم که مرزهای اول بزند. کلیسا گزینشی انجام داده که امروزه به من تحمیل می شود و این من نیستم که مطالعه کتاب مقدس را تعیین می کنم. به این ترتیب کتاب مقدس به همین شکلی که موجود است یعنی با دو کتاب عهد خود که در یک کتاب گنجانیده شده اند، شاهکار خدا هستند. صفحه آخر آن در بردارنده ممنوعیتی برای افزودن و یا کاستن مطالب کتاب است (مکا ۲۲:۱۸).

نوشته و خوانده شده در کلیسا

حتی بیش از این، کلیسا یکی که این کتاب را به من منتقل ساخت باز هم اقامه دعوی اجتناب ناپذیری می شود یعنی کتاب مقدس را همان طور که هست می خواند، در سنتی زنده. اناجیل و تمامی عهد جدید در اجتماعاتی نوشته شده اند که خود را به رسولان منصوب می کردند. مطالعه کتب مقدسه آنان (عهد عتیق) بر اساس این سنت رسولی و در چارچوب زندگی اجتماعات مختلف صورت می گرفت. بدون شک در همین جاست که باید تفاوت میان مطالعات مختلف اعتراضات مسیحی امروزی را جست. متن برای همه همان است؛ به سادگی سنت مطالعه از کلیسا یکی به کلیسا یکی دیگر تفاوت می کند هرچند همگی از سنت رسولی برخاسته باشند.

برای درک هر چه بهتر اهمیت کلیسا در تفسیر کتب مقدسه، مثال چرخه آئین عبادی را برمی گرینیم. کلیسا یک کاتولیک به همه اجتماعات، تقسیم بندی مطالعه به دوره ای سه ساله را پیشنهاد می کند. هر یکشنبه سه متن نزدیک به هم انتخاب می شوند، متن عهد عتیق در ارتباط با متن عهد جدید انتخاب می شود و در طول سال خوانده می شود، اما متن رسالات به طور اتفاقی و در ادامه مطالعه مدام ما خوانده می شود. این بررسی ها باعث بوجود آمدن مفاهیمی منحصر به فرد می شوند. چنین کاری دلیل بر آن نیست که خوانندگان محکوم به تکرار دائمی متون هستند. هر اجتماعی خلاقیت خود را حفظ می کند، و تخصیص دادن متون نسبت به حساسیت هر اجتماع و حتی هر ایماندار فرق می کند. کتب مقدسه خوارکی است که هر کس به فراخور تاریخچه خویش، خود را با آن قیاس می کند. اما کلیسا یکی که در درونش کتاب مقدس را دریافت می کنم با تخصیص دادن فردی و تملکی مانع از آن می شود که خود را به سوی آن بیندم. از نظر اختلاف با سایر تولیدات ادبی، بین

من و کتاب (و اجتماع من) شریک سومی خود را جای می‌دهد که همان کلیسا است. او به یادم می‌آورد که پیش از من نیز افراد دیگری این متون را خوانده‌اند و من وارث ایشان هستم. و به یادم می‌آورد که در اطراف من کسان دیگری نیز به صورت‌هایی متفاوت آن را می‌خوانند.

یک ایمان، قرائت‌های مختلف

موعظه درباره عیسی منجر به نوشته شدن چهار انجیل شد که هر یک از خود کلامی منحصر به فرد می‌گوید. از همان ابتدا چهره عیسی چند وجهی بود. اما با محدود کردن تفاسیر مربوط به عیسی به چهار انجیل کلیسای اولیه در نظر داشته از انفجار بی‌حد و مرزی که چهره عیسی ناصری را خدشه دار کند جلوگیری نمایند. انجیل تحریفی نشان می‌دهند که این خطر فقط یک تصور نبوده می‌توان هر چیزی را به عیسی نسبت داد. بین خواندن و از حد گذشتن جاده باریکی است.

قرائت کتاب مقدس در کلیسا، عبارتی شامل سه کلمه مهم که لازمه مطالعه هستند: (خواندن، کتاب مقدس، کلیس. م) قواعدی وجود دارند که این امکان را بوجود آورند تا از قرائت‌های دیوانه وار اجتناب شود. جان کلام این که مطالعه‌ای خوب است که ریشه در سنت‌ها داشته باشد، به طریق آزادی هدایت کند (و نه به بن بست‌ها)، منتهی به رشد شود (و نه قهقرا). هر چند این محدودیت‌ها وجود دارند اما اصل و اساس بر این است که «در خانه پدر من منزل بسیار است» (یو:۱۴).

متون خارج از کتاب مقدس

بسیار مفید خواهد بود که متون کتاب مقدسی را در مقایسه با متون مشابه شرقی که همزمان با آنها هستند و یا پیش از آنها نوشته شده‌اند بخوانیم. به این ترتیب داستان آدم و حوا که از درخت حیات به خاطر دخالت مار دور شده‌اند و افسانه گیلگمش که آن نیز ماجراهای این قهرمان افسانه‌ای سومری را تعریف می‌کند که مار گیاه حیات را از او ربوده، مشابه یکدیگرند.

هم‌چنین در مورد توفان نوح که با قسمت دیگری از این افسانه شباهت دارد و نیز مزامیر استغاثه را می‌توان با دعاهای مرتضیه‌ای با بلیان مقایسه نمود.

چنین مقایسه‌هایی اجازه می‌دهند تا متون کتاب مقدسی را در مقوله‌های فرهنگی خودشان قرار دهیم و جنبه‌های گوناگون آنها را روشن کنیم. به خصوص در میان همه این شباهت‌ها چنین مقایسه‌هایی اختصاصی بودن متون بنی اسرائیلی از نظر الهیاتی را نشان می‌دهند.

گروههای کتاب مقدسی

نوآموzan کتاب مقدس را می خوانند

نوآموzan نه تنها می خواهند خواندن کتاب مقدس را برای خود بیاموزند بلکه می خواهند به طور همزمان طعم آن را نیز به کودکان و بزرگسالان بچشانند. همین انگیزه‌ای شد تا گروهی در «مال دو مارن» مدت هر پنج سال ماهی یکبار در حوزه اسقفی «کریتی» دور هم جمع شوند.

متون مناسب با نیازها و منافع شرکت کنندگان انتخاب می شوند. سال اول به متون اختصاص داده شد که در کتابی به نام سنگهای زنده «جمع آوری اسناد ممتاز در مورد ایمان، پیشنهاد شد توسط اسقفان فرانسه به کودکان دوره متوسطه، به بزرگتران آنها و والدین آنها ارائه شده بود که مطالعه آنها دشوارتر بود. سپس شماره تازه‌ای از این «جمع آوری اسناد ممتاز در مورد ایمان» منتشر شد که باز هم بیشتر بر آنچه که «اخلاق مسیحی» نامیده می شد صحه می گذاشت. سال دوم برای یک مسافت چند صفحه‌ای (که کلید آن در عهد عتیق و جدید بود یعنی از «ده فرمان» در کتاب خروج ۲۰ تا آخر «وعده‌های سعادت ابدی» در انجیل در حالی که از تثنیه، حکمت و انبیا عبور می کردیم) را در نظر گرفتیم. سپس گروه درخواست نمود تا هرچه بیشتر با سبک «امثال» آشنا شود و بعد هم با روایات معجزه‌ها و بالاخره درخواست نمودند تا متون مربوط به قیام و اعلام نجات را نیز کمی برایشان بیشتر روشن کنند.

در هر جلسه نگرش‌های متعددی به یک قسمت از کتاب مقدس شد، از سویی به این خاطر که مانع از کسالت افراد شود و از سوی دیگر برای بهتر مراعات نمودن متون و کسب تجربیاتی که به طور مداوم آنها را کشف می کنیم به این منظور در هنگام شروع متوجه جزوی ای شدیم که توسط انتشارات نوآموzan لیون منتشر شده بود که هفت نگرش برای ۵ متن مختلف ارائه داده بود یعنی نگرش تاریخی - انتقادی، ساختاری، اجتماعی - سیاسی، روحانی، روانشناسی، روانکاوی و شاعرانه، گروه به تدریج با برخی از روش‌ها آشنا شد، حتی روش‌های دیگری را هم افزود با این حال همیشه و طرز مطالعه وجود داشت یعنی حداقل تجسس تاریخی - انتقادی و مطالعه تصاویر.

همه ما با هم با قرار دادن متن در فضا و زمان خود شروع کردیم و تلاش نمودیم تا سبک ادبی را معین کنیم. برای این کار ما تا حد ممکن به مقدمه و پانوشت‌های کتاب مقدس های مختلفی که شرکت کنندگان با خود می آورند تکیه می کنیم و نیز بر «فرازهایی از کتاب مقدس» و «برگ‌هایی از انجیل» که سوال برانگیز می باشند.

در بهترین فرصت مناسب تصاویر و یا مونتاژهای سمعی بصری در مورد موضوع نیز مداخله می کنند. تصاویر که برگرفته از هنر باستان و یا محصولات اخیر هستند نگرش دیگری را بر پیغام فراهم می آورند که تجربه به ما نشان می دهد در رابطه با نسل جدید و نیز بزرگسالان بسیار با ارزش است.

ما هر بار به صورت گروه‌های ۴ تا ۶ نفره و به صورت یک آتلیه، بررسی دیگری نیز انجام داده‌ایم: مطالعه ساختاری بسیار ساده (بچه‌ها به این روش در مدارس عادت کرده‌اند، روشی که با نوآموzan یک کمک و نیز یک نقص به حساب می‌آید)، علامت‌گذاری نمادهای مختلفی که توسط نویسنده‌گان به کار رفته، و یا جستجوی کلمات کلیدی و یا دیگر متون کتاب مقدسی که مفهوم قسمت مورد نظر را روشن می‌کند با جوانان بسیار حائز اهمیت است که تغییر و تنوع را بلد باشیم و در نتیجه به روش‌های مطالعه متعددی وارد باشیم.

نوآموzan می‌گویند که از این روش برای خود نفع برده‌اند. شرکت کنندگان بسیار وفادار خیلی به سرعت توانستند تازه واردین دیگری را به گروه بیفزایند. بعضی از موضوعات برای گروه‌های بزرگتر جالب بودند. به عنوان مثال، مسئله رستاخیز و نجات برای کسانی که در بیمارستان‌ها وظیفه داشتند بیماران را همراهی کنند و یا کسانی که مراسم حاکسپاری را در صومعه‌ها به عهده داشتند بسیار جذاب بود. یک چیز بسیار روشن است، علاقه به مطالعه کتاب مقدس همواره رو به رشد است.

شاخص کاری

بشارت به مریم

خواندن لوقا ۱:۳۸-۲۶ با استفاده از پانویسهای کتاب مقدس TOB

متن بشارت به مریم به خاطر معانی که در انجیل دارد و نیز پیغامی که داراست شایان توجه می‌باشد. مقدمه و پانویسهایی که در کتاب مقدس های ما وجود دارد نیز برای بهتر فهمیدن کلام با ارزش هستند. حال به عنوان نمونه کتاب مقدس TOB انتشار سال ۱۹۸۸ را بر می‌گزینیم.

مقدمه

مقدمه انجیل لوقا توجه ما را به عنصری مهم در ساختار باب‌های ۱ و ۲ جلب می‌کند: «آنها به طور کاملاً سیستماتیک یحیی تعمید دهنده و عیسی را به موازات هم قرار می‌دهند، البته اولی را پیرو دومی نشان می‌دهند. نکته قابل ملاحظه دیگر که مفید هم هست: «آنها راز عیسی را در ادامه پیغامی ما فوق طبیعی نشان می‌دهند ... این مکاشفات، دیباچه‌ای مسیح‌شناسی را تشکیل می‌دهند که با مقدمه یوحنا قابل مقایسه است.» اینک از ما دعوت شده تا از سویی متن بشارت به مریم را به طور کالی در رابطه با یوحنا و عیسی بنگریم و مژده تولد یحیی و عیسی را به موازات یکدیگر قرار دهیم.

هم‌چنین دعوت شده‌ایم به ورود داخل راز و کشف پیام و نه فقط به خواندن یک مقاله.

باز هم در مورد «کار ادبی لوقا» می‌خوانیم: او از این که آزادانه صحنه‌های با معنی را خلق کند (۱-۲...) نمی‌ترسد، اولین نگرانی او این نیست که شرح وقایع را به صورت دقیق بنویسد بلکه

برای اعلام تاریخ عیسی است آن هم به صورت تاریخ نجات. از این آزادی و نیز لزوم پرده برداری از راز وقایع را حس می کند و این کار را در پرتو سنت کلیسا انجام می دهد. «نکته دیگری نیز در مورد این کلسا به درد می خورد: این که اثر بین سال های ۷۰ و ۹۰ و برای مسیحیان با فرهنگ یونانی ساخته شده این هم کلیدهایی مفید برای وارد شدن به داخل متن.

نظری اجمالی بر کل ماجرا

در تمام طول متن یادداشت هایی وجود دارد که باز هم به خواندن کمک می کنند. اولین یادداشت باعث می شود تا دریابیم که این روایت «از همان سبک روایت قبلی است و با آن تشکیل دو روایت به موازات هم را می دهد». اگر قبلاً به این کار مبادرت نشده باشد پس باید دوباره «مژده تولد یحیی تعمید دهنده» را بخوانیم و یادداشت *kā* را توجه همه را باید معطوف به تضاد میان «تاریکی ناصر» جایی که جبرائیل در آن مژده تولد عیسی را اعلام کرده بود و «چارچوب منسجم آیین عبادتی معبد» که در آنجا جبرائیل مژده «تولد یحیی و مأموریت او را اعلام کرده بود، نمود. هم چنین در دعوت شده ایم تا در این دو متن «موضوعات سنتی در مورد ظهور مژده های تولد حیرت انگیز و وحی های انبیا را» بیابیم. با دیدن متون مختلفی که ارجاعات آنها نیز داده شده، می توان روایت لوقا را در امتداد عهد عتیق قرار داد. در عین حال به تازه گی آن نیز می توان پی برد. تأکید بر «رابطه پسرانه یگانه و اسرار آمیز عیسی». مقایسه این مطلب با اعلام یوحنا به «ارجحیت عیسی بر یحیی» و «ایمان معقول مریم که برخلاف بی ایمانی زکریا بود» صحه می گذارد.

مطالعه ای کلی که در همین راستا قرار داشته باشد این امکان را به وجود می آورد تا چشم اندازهایی که توسط انجیل نگاران باز شده را کشف کنیم.

جزئیاتی بسیار غنی

به راحتی با دنبال کردن راهنمای اکتشافات دیگری هم مسیر می شود. شهر ناصره را «قصبة بی معنی» می خوانند و زیرنویس به ما تذکر نتناهیل را در یوحنا ۱:۴۶ یادآوری می کند: «مگر می شود که از ناصره چیزی خوب پیدا شود؟» توضیحات در مورد مفهوم کلمه ای یونانی که بنا به عادت «باکره» ترجمه شده، و در مورد رسوم ازدواج یهودی داده شده و نیز در مورد خصوصیات یوسف که حتی ما را به نوشته های حاشیه متنی ۱:۱۸ ارجاع داده است.

دو یادداشت (الف و ب) ما را دعوت تا در درودهای فرشتگان اشاراتی روشن به قسمت های متعددی از عهد عتیق بیابیم که در آنها مسئله محبت مرجع و نیز انتخاب مأموریتی به نفع قوم مطرح است. جمله ای که از همه معروفتر است باید در ردیف «اعلام نجات» ها تاریخ پدران در ایمان، دعوت به نجات قرار گیرد. اگر در مراجعی که تعیین شده اند جستجو کنیم دعوت «مساعد خدا که مریم مورد عنایت آن قرار گرفته بود. مفهومی خارق العاده می یابد، مفاهیمی نظیر «برکت»، «لطف پادشاه»، «محبت محبوب».

عکس العمل های مریم به عنوان غیرمنتظره بودن جریان و این که چنین واقعه ای تاکنون شنیده نشده است تفسیر شده‌اند. کمی بعد، دو عبارتی که فرشته به زبان آورده به عنوان «مکاشفه راز عیسی» معرفی شده‌اند: عناوین مختلفی که به فرزندی داده شده که به دنیا خواهد آمد با ریشه‌هایی که در کتاب مقدس دارند روشن می‌شوند.

یادداشت‌های دیگر بر نقش کاملاً اختصاصی روح از همان ابتدای عیسی، اهمیت به سزای سؤالات مریم، منحصر به فرد بودن این روایت در مقایسه با سایر روایات مربوط به خدایان اقوام مشرک صحه می‌گذارد.

آخرین نکات ما را و می‌دارند تا یکبار دیگر کل مجموعه را بازنگری کنیم. دعوت به اعتماد بر اساس تاریخ: «هیچ چیز نزد خدا محال نیست؟» این را از همان زمان تولد اسحاق می‌دانیم؛ عظمت مریم عادل که در ایمان خود خویشن را «کیز خداوند» می‌خواند که عنوان جلالی سنتی است. «مرا بحسب سخن تو وارد شود» و این آخرین کلام است. و کلام تاریخ را می‌گشاید.

ترجمه بین الکلیسايی کتاب مقدس TOB و کتاب مقدس اورشلیمی

در حال حاضر شاید شما هم این حروف ابتدای کلمات را که معرف دو ترجمهٔ فرانسوی کتاب مقدس‌های هستند که در حال حاضر بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرند و بهترین‌ها هستند بشناسید. (TOB) ترجمهٔ بین الکلیسايی کتاب مقدس (۱۹۷۳-۱۹۷۵) که به زبان عبری به معنی «خوب، نیکو» است و کتاب مقدس اورشلیمی که قدیمی تر از اولی است. (۱۹۵۶) هر دو کتاب یک بار دیگر بازنگری شده و دوباره انتشار یافته‌اند، کتاب مقدس اورشلیمی در سال ۱۹۷۳ و TOB در سال ۱۹۸۸ (که در یک جلد به چاپ رسید). حال کتاب مقدس شما هر چه باشد آیا مطمئنید که راه درست استفاده کردن از آن را بدستوری دارید؟ هر دو کتاب مقدس متن کامل کتاب مقدس مسیحی را در بردارند، اما هر یک ثروت‌های دیگری را نیز در خود دارند، یعنی کمک‌ها و ابزاری برای مطالعه، پژوهش و کشف مفاهیم. فهرستی از آنها بسازیم:

- ۱- مقدمه‌های دو قسمت اعظم هر دو عهد (و نیز مقدمهٔ هر کتاب در TOB) خیلی به ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرند، آیا تاکنون آنها را خوانده‌اید؟ در مجموع حدود ۴۰۰ صفحه برابر با یک کتاب حجیم به این مقدمه در هر دو کتاب اختصاص داده شده! این مقدمه‌ها اطلاعات بنیادی را در اختیار شما قرار می‌دهند، اطلاعاتی مربوط به طبیعت ادبی، تاریخی و الهیاتی کتب. همه سؤالات متخصصان و تفاسیر ایشان در آنجا لاقل به صورت خلاصه معرفی شده‌اند. این اولین راهنمای مطالعه است.

۲- یادداشت‌هایی که در زیر متون کتاب مقدسی وجود دارند، توضیحاتی هستند در مورد هر آنچه که امکان دارد ایجاد مشکل نماید (اسمی خاص، عبارات دشوار، موضوعات الهیاتی، حقایق خاور نزدیک باستان و غیره ...). و نیز هر آنچه که در تاریخ و الهیات کتاب مقدسی دارای اهمیت است. با این که یادداشت‌ها با حروف ریز به چاپ رسیده اند با این حال، معانی واقعی هستند که باید برای استخراجشان حوصله به خرج داد. در رابطه با متون مهمتر این یادداشت‌ها قسمت بزرگی را به خود اختصاص می‌دهند و تقاسیری واقعی می‌شوند (به عنوان مثال یادداشت‌های مربوط به کتاب پیدایش ۳-۱ و اشعیا ۶-۹ و در مورد پدر ما در مت ۶ و یا رومیان ۸-۱ را ملاحظه کنید). در آن‌جیل نظیر کتاب مقدس اورشلیمی هنگامی که مرقس و لوقا را بررسی می‌کنید فراموش نکنید که به یادداشت‌های قسمت‌های همسو با این قسمت‌ها در آن‌جیل متی نظری بیفکنید.

هم چنین در این یادداشت‌ها توضیحاتی در مورد ترجمهٔ متن وجود دارد، هنگامی که متن اصلی کاملاً روشن نیست و یا تفاوت‌هایی در نسخه‌های خطی و یا ترجمه‌های مختلف آن دیده شده (ترجمه‌های قدیمی یونانی، هفتادتنان به زبان آرامی: تارگوم و به زبان سریانی، لاتین و غیره ...).

۳- یادداشت‌های مهم در انتهای کتاب مقدس شما فهرست وار آمده و تحت عنوان فهرست یادداشت‌های اصلی و یا بسیار مهم درج شده است. شما توسط این فهرست و با توجه به موضوعی که مورد توجهتان است می‌توانید به سایر متون کتاب مقدس که آنها نیز یادداشت‌هایی برای روش کردن موضوع دارند مراجعه کنید. این کار مانند بازی کردن است، چون از یادداشتی به یادداشتی دیگر شما مقدار زیادی اطلاعات جمع آوری می‌کنید. و نیز سؤالاتی تازه که شما را به سوی وسعت بخشیدن به بررسی هایتان سوق می‌دهند و لوازم پاسخ را برایتان تدارک می‌بینند. کتاب مقدس اورشلیمی شما را به سوی یادداشت‌های مهم دیگری با مراجعی که به دنبالشان «+»قرار می‌گرفته هدایت می‌کند.

به ویژه در اینجاست که می‌توانید حقیقت اساسی کتاب مقدسی را بررسی کنید: از سویی اتحاد عمیق روایات زنده قوم اسرائیل و کلیسا از خلال دو کتاب عهد و از ورای یک هزاره و از سوی دیگر کثرت حقایق و تجربیات انسانی و مذهبی که بدون وقفه رو به تحول هستند. در کتاب TOB جدید (۱۹۸۸) باید دقت داشت که فهرست یادداشت‌های ما را به مقدمه‌هایی ارجاع می‌دهند که اشتباهاً صفحات آنها مربوط به چاپ قدیمی است. به عنوان مثال کلمهٔ «جان» در مقدمهٔ قبلی در صفحه ۴۶۲۱A قرار گرفته که باید اصلاح شود چون در مقدمهٔ چاپ جدید در صفحه ۸۲۱B ۰ قرار دارد. پس باید تمامی مقدمهٔ کتاب مورد بحث را بگردیم، چه فرصت خوبی برای مطالعه!

۴- بالاخره در حاشیهٔ متن کتاب مقدسی ارجاعات، دیگری نیز ذکر شده، که مربوط به متونی هستند که به موازات متن مورد نظر می‌باشند و یا شبیه به آن که قادرند متن ما را روشن تر نمایند و یا آن را کامل کنند. در این حاشیه‌ها و یا در یادداشت‌ها نکته‌ای که قابل توجه است ارجاع دادن ما به

متومن عهد دیگر می‌باشد. کتاب مقدس اورشلیمی متومنی را در عهد عتیق نشان می‌دهد که در عهد جدید توسط یک فلش مثلث شکل نیز ذکر شده‌اند. توسط همین متومن موازی که قرائت مسیحی کتاب مقدس گردش دارد. این قرائت ریسمان‌هایی را می‌سازد که شما با آن و در طول کشفیات شخصی خود چیزهایی می‌بافید.

۵- این دو کتاب مقدس به اطلاعات دیگری ختم می‌شوند: فهرست تاریخ نگاری، که تاریخ کتاب مقدسی را خلاصه کرده و آن را در برابر سایر قوم‌ها قرار داده (فهرست ص ۲۲۳ در کتاب مقدس اورشلیمی) و نیز فهرست مقیاس‌ها و پول‌های رایج، و در پایان یک اطلس کوچک شامل دهها نقشه که برای بهتر فهمیدن نام مکانها و درک بهتر داستان‌ها مفید است. تاریخ و جغرافی برای ریشه دوستان و قایع و شخصیت‌های کتاب مقدس واقعیات خود لازمند، موضوع اصلاً مربوط به اسطوره‌شناسی نیست بلکه موضوع تاریخ بشر با خداست و این تاریخ ما بر روی زمین ماست.